دوهفته نامه‌ی اجتماعی / فرهنگی / اقتصادی

ئاگری ڕۆژین

شماره ۳
سه شنبه ۱۱ بهمن ماه ۱۳۹۰
۳۰۰ تومان

کلیسای ئاغازه‌مان

سه‌لام ئیسماعیل سورخ

ل ۵

ترکیه و نقض کنوانسیون‌های بین‌الملل

بهمن توتونچی

ص ۸

اینجا اورامانات است، رودهن و بومهن کردستان

دکترنظیف محمّدی- رئیس پلی کلینیک

ص ٦

آژیر خطر برای هویت و شرف کورد به صدا درآمد

صدیق مینایی

ص ۲

بزرگترین هنـــر، صلح است

هنوزچهار ماه ازبمب باران شیمیائی کردها توسط دولتمردان ترکیه نگذشته که جهان باز هم نظاره گرجنایتی از این دست شد،آری جنگنده های ترکیه ۳۵غیرنظامی کرد را درروستای« اورتاسو»واقع در استان «شرناخ» نزدیک‌مرزعراق هدف حملات خود قراردادند. آنچه که مهم است تناقض در گفتاردولتمردان ترکیه می باشد که خود گواهی‌ست بر جنایات شان!دولت ترکیه تاکید کردکه جنگنده های این کشور۳۵نفر غیرنظامی را به جای کردهای جدائی طلب اشتباه گرفته است.هنوز مهر این اظهار نظر خشک نشده بودکه حسین چلیک سخنگوی حزب حاکم ترکیه دریک نشست خبری گفت:بر پایه ی گزارش های اولیه مشخص شد افرادی که در این حمله کشته شدند قاچاقچی بودند.جهان هستی نیک می داندکه دولتمردان ترکیه در یک سال گذشته با پیام های شان به سران کشورهای مصر،لیبی،تونس...

ادامه در صفحه ۸

سخن مدیر مسئول

مطبوعات را از طرفی سایبان و چتر حمایتی از خواست‌ها و مطالبات مردم و اقشاری که فاقد هر گونه تحرکات خبری بوده از اختیار داشتن هرگونه منبر و مکانی برای خطا به خوانی محروم بوده‌اند و از طرف دیگر پل ارتباطی بین مردم و مسئولین دانسته‌اند اما در آن سوی واقعیت نیاز شکستن مرزها و حریم‌های مصنوعی و طبیعی در دنیای امروز و حضور و ایفای نقش مشیت در این هستی نامتنهی بدون حضور مطبوعات ملموس میسر نیست، یکی از سیاستمداران معتقد است که اگر بین دو گزینه دولت بدون مطبوعات و گزینه مطبوعات بدون دولت یکی را انتخاب کنم بدون هیچ شک و تردیدی گزینه دوم را انتخاب می‌کنم در چنین فضایی که نقش رنگین مطبوعات انکار ناپذیر است و اعتقاد به حضور ملموس مطبوعات چه در سبد خانوار، چه در مرتفع کردن نیازها و کاستی‌ها قابل بررسی است.

چگونه می‌توان نقش ارزنده مطبوعات در خبر رسانی شفاف از حضور کاندیداتورهای لایق و سازنده که بتوانند در غبار رویی چهره‌آلود وضعیت موجود در فضای واقعی مطالبات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... ایفا نماید را انکار کرد.

معلمین اخراجی اندرخم کوچه‌ی انتظار

ص ۲

نماینده سنندج ، دیواندره ، کامیاران

واردات، سیراب کردن تشنه با آب شوراست

سوال ملی امین شعبانی نماینده سنندج از وزیر جهاد کشاورزی در خصوص عدم توجه دولت به تولیدات دامی و همچنین عدم پرداخت خسارت بیمه محصولات کشاورزی در جلسه علنی صبح امروز(سه‌شنبه) مطرح شد و پس از ارائه گزارش خلیلیان در خصوص برنامه‌های وزارتخانه برای تولیدات دامی و تعیین خسارت محصولات کشاورزی، نماینده سنندج اعلام کرد که نیازی به رای‌گیری از سوی مجلس وجود ندارد.

به گزارش خبرنگار پارلمانی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، صادق خلیلیان، وزیر جهاد کشاورزی در توضیحات خود در این رابطه گفت: در برنامه پنج ساله پنجم پیش‌بینی شده که باید ۵۰ درصد محصولات کشاورزی تحت پوشش و حمایت بیمه قرار گیرد که خوشبختانه در سال‌های گذشته رشد خوبی را در این رابطه شاهد بودیم و اعتباراتی که برای صندوق بیمه محصولات کشاورزی پیش‌بینی شده در هفت سال اخیر افزایش داشته است.

وی اضافه کرد: از نظر تعداد محصولات و موارد بیمه‌ای در دو سال گذشته ۱۲۶ مورد بیمه‌ای و ۱۲۲ محصول را تحت پوشش بیمه محصولات کشاورزی قرار داده‌ایم که به ۱۴۶ محصول در سال ۹۰ رسید و در حال حاضر ۹۶۸ تحت بیمه هستند، همچنین محصولات و دام‌های یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر از بهره‌برداران بخش کشاورزی تحت پوشش بیمه قرار گرفتند.

خلیلیان، انجام اصلاحاتی در صندوق بیمه محصولات کشاورزی برای برآورد واقعی خسارت‌ها را مورد اشاره قرار داد و گفت: در خصوص حق بیمه سهم کشاورز هم تخفیف‌هایی قائل شدیم و اکنون بخش عمده سهم بیمه را دولت پرداخت می‌کند که نزدیک به ۶۵ درصد حق بیمه را شامل می‌شود و این کمکی به کشاورزان است، همچنین اگر کشاورزان یک سال غرامت دریافت نکنند در حق بیمه سال بعد برای آنها تخفیف قائل می‌شویم و یا اگر کشاورزی خود را مکانیزه کنند باز هم شامل تخصیص خواهند شد.

وزیر جهاد کشاورزی با اشاره به بخشی از صحبت‌های نماینده سنندج گفت: بخش قابل توجهی از سخنان شما راجع به موضوع هدفمندی یارانه‌ها بود که این در جای خود باید پاسخ داده شود و من می‌خواهم وقت دیگری در اختیارم قرار داده شود تا اقدامات خوبی که در این راستا انجام شده را بگویم.

وی با بیان اینکه در سال ۸۹ شاهد افزایش تولیدات در بخش کشاورزی و کاهش واردات بوده‌ایم، گفت: صادرات ما نیز از نظر ارزشی ۳۳ درصد افزایش یافته است، همچنین واردات میوه هم در هشت ماهه اول امسال ۱۸ درصد کاهش داشته و جو و گندم یارانه‌ای نیز برای حمایت از کشاورزان و دامداران در اختیار آنها قرار گرفته است.

به گزارش ایسنا، امین شعبانی نماینده سنندج در توضیح سوال خود خشکسالی چند ساله اخیر، عدم اجرای برنامه چهارم و اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و همچنین عدم پرداخت خسارت از سوی صندوق بیمه کشاورزی را از عمده‌ترین مشکلات کشاورزان عنوان کرد.

نماینده سنندج با اشاره به واردات شیر و دام زنده به کشور که موجب خارج شدن ارز می‌شود، گفت: با اجرای هدفمندی یارانه‌ها و افزایش قیمت نهادهای دامی و همچنین حامل‌های انرژی، دامداران متضرر شدند، ضمن اینکه واردات گوشت و دام زنده هم زیان بسیار زیادی را به دوش دامداران تحمیل می‌کند.

شعبانی، واردات محصولات دامی را موجب تخریب ساختار تولید دام و کاهش تولید در کشور عنوان کرد و افزود: این موضوع از سویی باعث کاهش درآمد روستاییان و به ویژه تولیدکنندگان خرده‌پای روستایی می‌شود و با تسریع روند مهاجرت شاهد افزایش حاشیه‌نشینی و تنش‌های اجتماعی در شهرها از جمله پدیده خانمان‌سوز اعتیاد به موادمخدر هستیم و این در حالی است که با شرایط موجود کشاورزان چاره‌ای جز رها کردن تولید ندارند.

این عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی خاطر نشان کرد: شما در دولت معتقدید که برای تامین نیاز مردم ناچار هستید از طریق واردات نیازهای جامعه را تحت پوشش قرار دهید، آیا شما به عنوان وزیر جهاد کشاورزی تعریفی از واردات دارید؟ و آیا می‌دانید واردات، سیراب کردن تشنه با آب شور است.

نماینده مردم سنندج در مجلس شورای اسلامی، خواستار پرداخت غرامت به کشاورزان از طریق صندوق بیمه محصولات کشاورزی شد و افزود: بعد از اجرای هدفمندی یارانه‌ها، آنچه در این قانون برای پرداخت به کشاورزان پیش‌بینی شده بود محقق نشد و بنابراین نحوه توزیع یارانه‌ها و همچنین پرداخت حق بیمه به صندوق بیمه محصولات کشاورزان صرفا ضرر کشاورزان بوده است، این در حالی است که در کشورهای پیشرفته توزیع یارانه در بخش کشاورزی بر اساس میزان دام، مصرف نهادهای دامی و ... صورت می‌گیرد.

وی افزود: ما هم در ایران می‌توانیم به صورت تسهیلات بلاعوض به کشاورزان کمک کنیم.

شعبانی اضافه کرد: شما به عنوان وزیر چه نقشی برای حمایت از کشاورزان ایفا کردید؟ پیش از اجرای هدفمندی یارانه‌ها ۱۴ درصد تولید خالص داخلی، ۳۱ درصد صادرات غیرنفتی، ۲۳ درصد اشتغال، ۹۴ درصد خودکفایی و ۴ درصد میزان مصرف انرژی مربوط به کشاورزی بوده است در حالی که پس از اجرای این قانون درصد اشتغال در بخش کشاورزی به ۱۳ درصد کاهش یافته و میزان مصرف انرژی به ۱۲ تا ۱۶ درصد افزایش یافته است.

وی عدم حمایت صندوق بیمه محصولات کشاورزی و عدم ساماندهی را از مهمترین عمده مشکلات کشاورزان عنوان کرد و گفت: قیمت خرید تضمینی محصولات کشاورزی را با نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی قیاس کنید، این ضرر و زیان را چه کسی باید به کشاورزان پرداخت کند؟

شعبانی گفت: در سال ۸۸ و در برنامه چهارم تولید محصولات زراعی در سطح کشور ۶۴ میلیون تن بوده که ۲۰ درصد آن مربوط به گندم بوده است، این در حالی است که ما در همان سال ۴/۶ میلیون تن گندم وارد کشور کرده‌ایم.

نماینده مردم سنندج در مجلس شورای اسلامی افزود: سوال من این است که ظرف سال‌های ۸۹ و ۹۰ چقدر یارانه به کشاورزان پرداخت شده است و چه میزان اعتبار از طریق صندوق بیمه محصولات کشاورزی به کشاورزان تخصیص یافته است؟

به گزارش ایسنا، پس از اظهارات وزیر جهاد کشاورزی و تشریح سوال از سوی امین شعبانی، نماینده سنندج گفت که از پاسخ‌های وزیر قانع نیست ولی با توجه به عزم و اراده‌ای که در ایشان دیده امیدوار است که مشکل کشاورزان حل شود و بنابراین رای‌گیری مجلس در خصوص این سوال را لازم ندانست

نماینده سنندج ، دیواندره ، کامیاران

رسیدگی به وضعیت معلمین اخراجی

شعبانی اجرای مصوبه سفر رهبر انقلاب در مورد معلمان کردستان را خواستار شد

نماینده مردم سنندج در مجلس، رسیدگی به وضع معلمان اخراجی در دوران اوایل انقلاب که از تاکیدات سفر مقام معظم رهبری به کردستان هم بوده را خواستار شد. «امین شعبانی» در گفت‌وگو با خبرنگار خانه ملت گفت www.icana.ir:

در سفر مقام معظم رهبری به استان کردستان معلمانی که با دلایل نامعلوم و مبهم در اوایل انقلاب از آموزش و پرورش اخراج شده بودند، مورد عنایت رهبری قرار گرفتند.

نماینده مردم سنندج در مجلس شورای اسلامی، با بیان اینکه اکثر این معلمان با سخت‌گیری‌های بی‌جهت در اول انقلاب از کار بیکار شدند؛ افزود: مقام معظم رهبری در سفر خود به کردستان دستور رسیدگی به وضعیت آنان را صادر نمودند.

وی ادامه داد: در دور سوم سفر هیئت دولت به کردستان هم از مصوبات اصلی دولت رسیدگی به وضعیت این معلمان بود.

شعبانی با بیان اینکه خیلی از این معلمان در حال حاضر از کار افتاده شده و دیگر توان کار ندارند؛ اضافه کرد: وزارت دادگستری باید به طور مجزا به وضعیت تک تک این معلمان رسیدگی کند و حقوق آن‌ها را پرداخت نماید.

عضو کمیسیون عمران مجلس با بیان اینکه بودجه‌ای معادل هفت میلیارد تومان، برای این معلمان از سوی وزارت آموزش و پرورش در نظر گرفته شده، تاکید کرد: با بررسی وزارت دادگستری این معلمان به حقوق خود طی این دورانی که خانه‌نشین بودند، می‌رسند.

«امین شعبانی» در جلسه صحن علنی مجلس در عصر روز دوشنبه -۱۲ اردیبهشت - طی تذکری کتبی به وزیر دادگستر رسیدگی به بلاتکلیفی وضعیت خدمتی معلمان اخراجی کردستان را خواستار شد

نمایندگان مجلس از مشکلات حوزه انتخابیه‌شان می‌گویند

امین شعبانی، نماینده سنندج، دیواندره و کامیاران در گفت‌وگو با خبرنگار قانون با اعلام این مطلب، از عملکرد ضعیف دولت برای ایجاد اشتغال در حوزه انتخابیه خود انتقاد کرد و گفت: بارزترین مشکل مردم در شهرهای سنندج، دیواندره و کامیاران، بیکاری است و دلیل آن نیز نبود صنایع بزرگ و زیرساخت‌های عمرانی است.

وی ادامه داد: خوشبختانه بعد از سفر مقام معظم رهبری به این استان بسیاری از سرمایه‌گذاران بخش خصوصی حاضر به سرمایه‌گذاری در این استان شدند اما متاسفانه تنگ نظری بانک‌ها و کارشکنی برخی از مراکز دولتی امکان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و اجرای قانون اصل ۴۴ را در این منطقه نمی‌دهد و این دو عامل نگذاشته‌اند که منطقه پیشرفتی داشته باشد. نماینده سنندج، دیواندره و کامیاران به تخریب‌های صورت گرفته در ایام انتخابات نیز اشاره کرد و گفت: متاسفانه رسیدن و تکیه بر صندلی سبز مجلس آرزویی است که برخی از افراد را وادار می‌کند تا به دروغ و کارشکنی و تخریب متوسل شوند و نگذارند که مردم زندگی راحتی داشته باشند، در حالی که مهمترین هدف ما به عنوان خدمتگزاران مردم باید این باشد که بتوانیم اصل ۴۴ قانون اساسی را در این استان اجرایی کرده و اشتغال ایجاد کنیم.

شعبانی در بخش دیگری از سخنانش به عدم پرداخت یارانه‌ها اشاره کرد و افزود: متاسفانه دولت به تعهدات خود در این زمینه عمل نمی‌کند و یارانه کشاورزان را پرداخت نکرده است در نتیجه نمی‌توان انتظار داشت که کشاورزی رونق داشته باشد و کشور به خودکفایی برسد. این وضعیت باعث می‌شود تا مردم به شهرهای بزرگتر نقل مکان کنند و در آنجا شغل‌های کاذب در انتظارشان است.

عضو کمیسیون عمران مجلس گفت: باید راه‌اندازی صنایع تولیدی در استان جدی گرفته شود و مسئولان بیش از پیش به فکر مردم رنجدیده و زحمت‌کش این مرزوبوم باشند، اما متاسفانه دعواهای سیاسی باعث شده است که مشکلات مردم در درجه چندم اهمیت قرار گیرد.

دوهفته نامه‌ی اجتماعی / فرهنگی / اقتصادی
ئاگرین روژ
شماره ۳
سه شنبه ۱۱ بهمن ماه ۱۳۹۰ ۳۰۰ تومان

روند افزایشی سرطان معده در کردستان

شاهو محمودی - کارشناس مرکز بهداشت دیواندره

روند رو به رشد ابتلا به سرطان در استان کردستان در حالی ادامه دارد که سرطان معده به عنوان شایعترین نوع سرطان در این استان مشخص شده و شمار زیادی افراد در کردستان به دلیل ابتلا به این بیماری با مشکلاتی مواجه هستند.در حالی که سرطان یکی از سه عامل مرگ ومیر در جهان وایران به شمار می رود اما طی چند سال اخیر روند افزایشی ابتلاء به این نوع بیماری باعث شده است که شمار افراد مبتلاء به سرطان معده به عنوان شایعترین نوع سرطان در استان کردستان به نزدیک ۲۰۰نفر افزایش یابد.در سرطان معده عواملی همچون مصرف سیگار و الکل ، غذاهای با نیترات بالا مانند سوسیس وکالباس چای داغ وغلیظ ،ماهی دودی ونمک زده ،غذاهای همچون کباب که مستقیم با شعله پخت می شوند،مواد نگهدارنده غذاهای آماده وکنسرو شده عوامل ژنتیک وقرار گرفتن در معرض مواد شیمیای واشعه های مضر ابتلاء به این سرطان را افزایش میدهد.براساس تحقیقات ،بیشتر روستائیان به سرطان معده دچار میشوند مهمترین دلیل دراین خصوص این است که کشاورزی در روستاها ارگانیزه نیست و کشاورزان در روستاها به صورت مستقیم با گرد وغبارو کود ها وسمهای شیمیایی سروکار دارند و به همین دلیل احتمال می رود که دلیل اصلی ابتلاء به این نوع بیماری در روستاها بیشتر از مناطق شهری باشد. دشواری در بلع یا بلع دردناک،کاهش غیرطبیعی وزن ، کم خونی ، بیحالی ،سوزش معده و برگشت غذا را از نشانه های بارز سرطان معده می باشد.رشد روز افزون سرطانها به خصوص سرطان معده در استانهای همچون کردستان لزوم آموزش کوتاه مدت به مردم برای نوع زندگی و غذاهای مصرفی و دوری از عوامل خطرزا وهمچنین ترویج راهکارهای تشخیص به موقع ضروری است وبه نظر می رسد متولیان حوزه سلامت باید در این زمینه برنامه ریزی بهتری را در دستور کار قرار دهند.

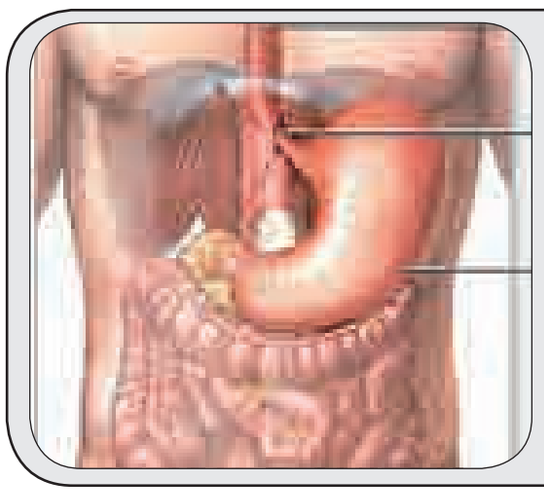

داستان یک شهر(۳)

پویا محمدی(سیوه ر)

سلام خوبید مطمئنم که خوبید الهی که همیشه خوب بمونید و خوبی دیگران رو هم بخواهید.
آقا میگن زمستون وقت شروع وفصل و آغازشروع به کارشغل های کاذبه خوب دیگه خیلی از کسایی که دارای شغل هایی هستندکه توی زمستون بجای استفاده از بیمه بیکاری اون سه ماه پناه می برند به گوشه خیابونها تا نون ویه لقمه پنیر نه پنیر هم گرون شده همون یه لقمه نون برای زن و بچشون در بیارن خوب البته اگر از نگاه آقایون اهل فن و فنون به این قضیه نگاه کارشناسانه ای بشه که البته بارها شده اما در قالب همایشهای آنچنانی البته به سروغذا و میوه و آخر سر یه لوح تقدیر دو سه تا سکه ناقابل جهت خیر مقدم و دوباره به اینجا تشریف بیارید و خوب به همه هم می گن دیدیدما تو فکرشما بودیم خلاصه بگردیم مثل همه که گذشت و یه آبم روش. این قضیه میتونه بازار مغازه هارو که کساد کنه و داخل پیاده رو ها تجمع بوجود بیاره و جنس های درجه یک کشور محترم چین .که در داخل کشور خودشم فکر نکنم فروش آنچنانی داشته باشد پیاده روها و چه بسا از شلوغی به حد انفجار برسه و مردم هم به داخل خیابونها هم هجوم بیارن که دیگه خوب می دونید که آخرش چی میشه القصه البته خدایش گفتن این معضلات دیگه مثل قصه شده و باید به یکی از قسمتهای داستانهای حسنی اضافه بشه البته تمام این شغلهای کاذب هم بد نیست یکیش مثل همین لابیستها،فوتبالیست والیبالیست نه، لابیست یه ورزش مفرحیه که اونهایی که انجامش می دن و میل و هالتر هیچی که یه شهر و می تونن تکون بدن آره بالابی کردن هاشون آینده یه شهر و می تونن تکون بدن و از این رو به اون رو بکنن.چطوری چون با فرستادن نفر مورد نظر شون به جایگاهیی که شاید لایقشو نداشته باشه، چون اون جایگاه مقدسه و اونها با این کار جیب اقیانوسی شون رو کمی به تالاپ و تلوپ می اندازند هر چند که رهبر عزیز و معظم این کارهارو حرام نموده اند اما هستند چرب دستهایی در جیب که با چراغ هایی خاموش جلومی آیند که آینده یک شهر را به فنا می کشانند بعد هم وقتی که کاری نمی کنند برای گریز از معرکه دادگاه شعور مردم، زمین و زمان را مقصر می کنند تا از این مهلکه جان سالم به در برند آری ای عزیزان به کجاچنین شتابان! حالا دیگه بازهم ریش سفیدان از کنج خانه هایشان به بیرون کشیده می شوند احترامشان می کنند کفشهایشان را جفت می کنند برایشان خم و راست می شوند دنباله روی حاج آقای مسجد می شوند زاهد و پارسا می شوند چله کش تکایا می شوند و از نان فقرا تناول می کنند به به چه روزهایی قشنگی کاشکی همیشه بود این روزها هر چند بخت یار باشد بگذریم از این بحث های انتخاباتی که وارد گود شدن به آن گاو نر می خواهد و مرد کهن و یه جیب پر پول و یه دل .....!خداکنه همه مردم به پای صندوقها بروند فردی را انتخاب کنند اصلح تا همه آن دوستان بدانند که شعور مردم بازیچه بعضی از آقایان نیست.
بگذریم...
آقا توی خیابان راه می رفتیم دیدیم به‌به سینما مون چه خوشکل شده به به عجب رنگ و روی خوبی هر چند دیگه مردم شهرمون عادت کردن به نبود سینما یا البته داریم یه سینمایی با کمی داربست جلوی آن اما البته یکی دیگه هم داریم که البته اون، اون سر شهره، ولی این یکی فرق داره چون آخه خاطرات بچگیمون توی این سینما بود به قول فرنگی ها حس نوستالوژیکی برامون داره، چون ما رو یاد فیلمهای جمشید هاشم پور عروس و هیاهو و سوت زدن ها که خودمون و خودشون و جای قهرمان فیلم می گذاشتن که با هر مشتش کلی حال می کردیم حال این سینما نه ببخشید اون سینما چند سالیه که از بیرون واندرون خرابش کردن که دوباره بسازنش که البته چندصباحیه فکر می کنم بناو معمارش سرما خوردن نیومدن سرکار که همونجوری مونده بود حالا بماند که کلی داربست داخل پیاده رو و فلان و بهمان و ترافیک توی پیاده رو وتکه گچهایی که از بالا می ریخت و دلمون بعضی وقتها خوش می شد فکر می کردیم نزولات آسمانی در حال باریدن است. اما دل غافل که با درد و سوزش سرمون تازه می فهمیدیم نه بابا یه تکه سیمان از بنای یاد بود سینمای مرکزی شهرمونه . اما بالاخره نمای ساختمونش رو درست کردن که البته خوبه که ظاهر درست شده اش رو می بینیم،حالا اگه یه مهمون هم بیاد می گیم بابا این سینما مونه اگرم گفت بریم فیلم نگاه کنیم می گیم نه بابا فیلمش خوب نیست اگرم بازم گیر داد می گیم بلیتش گرونه اگه بازم گفت عیبی نداره خودم حساب می کنم، دیگه آخر سر چیزی نمونه که به واسطه آن طفره بریم نمی مونه می گیم بابا حقیقتش اینه چون خانه سینما تعطیل شده اینم عزاداره اونه و البته به جد همه می دونیم که واقعاً داره سینمای خوبی از آب در میاد و میتونه به درد جشنواره ها هم بخوره و ماهم سری توی سر ها در بیاریم البته اگر عمر کفاف بدهد.سخن آخر اینکه نبش قبر مشکلات بعضی از مسئولان را که خود می دانند عامل آن هستند ممکن است ناراحت کند ولی به هر حال یک آرزو به امید روزی که همه با یک صدا قلبمان برای آبادی دیارمان بتپد نه فقط برای خودمان.

آژیر خطر برای هویت و شرف کورد به صدا درآمد

صدیق مینایی

دنیا کورد را به عنوان ملتی دارای اصالت نژادی، هویت فرهنگی و سابقه تاریخی چند هزار ساله می‌شناسد که هیچگاه در مقابل هجوم به وطن و توهین به شرفش کوتاه نیامده و در این راه دلاورمردان و شیرزنان فراوانی قربانی داده است تا اگر کوردی به شرفش سوگند یاد کرد وی را باور کنند.
نگاهی به خاورمیانه، بررسی بنیان‌های فرهنگی و بنیادهای تمدن آن به خوبی نمایانگر نقش کورد در ایجاد فرهنگ و تمدن در این نقطه از جهان بوده و شهادت می‌دهد که این ملت چگونه با تلاش مستمر خدمات بسیاری به جلوه‌های فرهنگی مثل موسیقی، زبان، ادبیات، صنعت، شهرنشینی و... نموده و افتخار برپایی حکومت و سیستم نظامی را نصیب خود ساخته است.
ایران زمین بیش از سایر نقاط خاورمیانه از خدمات کورد بهره جسته که نقطه شروع آن با ایجاد امپراطوری ماد و پایان دادن به حملات و غارت‌های پی در پی اقوام معارض ساکن در مناطق دورو بر آن به ویژه آشوریان آغاز گردید و با حضور در تمام نقاط مرزی و تبدیل شدن به کمربند ایمنی برای ایرانیان ادامه یافته است.
مهم‌تر از اینها خدمات ملت کورد به موسیقی، زبان، ادبیات، عرفان و تاریخ ایران چنان ریشه‌ای و پایدار است که هیچ‌کس نمی‌تواند آنرا انکار یا تضعیف کند تا جایی که حذف ابتکارات و اختراعات کوردها از این حوزه‌ها آنها را تضعیف و به آستانه مرگ می‌کشاند.
ناموس در میان کوردها به ۳ دسته شامل وطن، نژاد و فرهنگ تقسیم شده و قرنهاست که برای تقویت و حفاظت از آنها جان وخون می‌دهند و تا به امروز برای نگهداشتن آنها از نابودی مسیرهای بسیار پرپیچ و خمی طی کرده و فداکاری‌های بی‌شماری نموده‌اند و اینکه می‌گویند زبان کوردی جزو زبان‌های زنده و کامل دنیاست، لباس کوردی نماد ادب و عرفان است، موسیقی کوردی در زمره برترین‌های دنیاست، تاریخ کورد با شکوه و مهمان‌پذیری کوردها بی‌همتا است مفت به دست نیامده و هدیه دیگران به آنها نیست.
در مجموع باید این واقعیت را مدنظر قرار داد که کلمه کورد بار معنوی بسیار بالایی دارد که ستون‌های آن شامل اخلاق، ادبیات، عرفان، مقاومت و ایثار می‌باشد و دنیا کورد را با صفات نیکو به رسمیت شناخته و اعتبار این واژه سوای سایر واژه‌هاست. ملتی با این اوصاف و خصایص که همگان به شرفش باور داشته و خدماتش را پاس می‌دارند و کسی جرأت چشم دوختن با ناموسش را نداشته و ندارد امروزه با توطئه‌ای ناخوشایند روبرو شده و گروه‌هایی از روی کینه و دشمنی برای تضعیف مبانی ناموسی و رسوا کردن اصالت نژادی، هویت فرهنگی و تاریخ بر افتخارش نقشه‌هایی تدارک دیده‌اند که مسبوق به سابقه است اما نه به این شدت چون این دفعه از

حالت رفتارهای کوچک و بچه‌گانه خارج شده و شدت و سرعت عمل نشان از تدارک اتاق‌های فکر و حضور طراحانی آگاه به تخریب دارد و گروهی از ناآگاهان خودی نیز به یاری آنها شناخته و جنایت آنان را به خیانت خود آراسته‌اند و با سکوت، خندیدن و توجیه میخ بر تابوت شرف ملی و افتخارات کورد می‌کوبند.
توطئه حمله به ناموس کورد و زدودن شرف از آن با ساختن جوک و پخش آن توسط اس ام اس شروع شده و افرادی با نیات پلید اقدام به توزیع جملاتی مملو از توهین می‌کنند تا از شخصیت پر افتخار کوردها شخصیتی کمدی و خنده‌آور بسازند تا دیگر چیزی نداشته باشند که برای آن تلاش و فداکاری کنند.
این توطئه پلید و غیراخلاقی که امروز دامنگیر کورد شده است قبل از کورد دامنگیر عزیزان ترک، گیلکی و لر شد و کوتاه آمدن لایه‌های تأثیرگذار آنها از قبیل لایه‌های سیاسی، فرهنگی، روشنفکری، مذهبی و... و سکوت روشنفکر مآبانه آنها کار را به سرانجام رسانده و نقل خنده‌آورمراسمات و جشن‌ها شده و دامن تک تک افراد را نیز گرفت.
لایه‌های تأثیرگذار جامعه کورد باید با تحلیل عقلانی و بررسی همه جوانب توطئه شوم به احساس مسئولیت در قبال ناموس کوردی و شرف فردی پرداخته و از تمامی راه‌های ممکن برای خنثی سازی آن اقدام نمایند تا به درد بی درمان بی‌آبرویی و رسوایی گرفتار نشده و اصالت نژادی، هویت فرهنگی و تاریخ پرافتخارشان به محاق نابودی نرود چون افتخار و اعتبار از دست رفته باردیگر به دست نمی‌آید.
بدر شرایطی که تمام امکانات رسانه‌ای صدا و سیما از کوردها دریغ شده، نهادهای مدنی و فرهنگی و سیاسی فعال نیستند، دولت در ایجاد نهادهای پژوهشی و حمایتی در حوزه فرهنگ خود داری می‌کند، مطبوعات کوردی در محدودیت مالی و قانونی قرار دارند و سرطان لمپنیزم در حال شده است مسئولیت بر مسئولیت شناسان افزون تر گشته و باید در راستای دفاع از اصالت نژادی، هویت فرهنگی و اعتبار تاریخی خود از هیچ تلاشی دریغ نکنیم.

معلمین اخراجی اندرخم کوچه‌ی انتظار

سیمین چایچی

سال ۱۳۵۹ آن هنگام مدیرکل آموزش و پرورش وقت در یک اقدام غیرمنصفانه حدود ۲۰۰۰ نفر از معلمین را اخراج نمودند و آن چنان تَر و خشکی را باهم سوزاندند که هنوز بعد از ۳۱ سال دودش چشمان عده‌ی زیادی را می‌آزارد.
حال سؤال اینجاست در آن شرایط نامناسب و غیر سیستماتیک این گزینش و تصمیم‌گیری تا چه حد براساس معیارهای عادلانه‌ی اخلاقی و انسانی بوده است؟ که نبود و تبعات این حرکت شتابزده هنوز بعد از این همه سال مُهر پرسشی است برپیشانی مدیریت استان کردستان، سؤالی که پس از سال‌ها آزردگی و مرارت از جبین پرسشگر ۲۰۰۰ خانواده برمی‌آید، خانواده‌هایی که امروز گسترده‌تر شده و تعدادشان بیشتر، فرزندانی که چشم انتظار دلجویی و رسیدگی به پرونده‌های خاک خورده‌ای والدینشان هستند که در گوشه‌ای از سالن بایگانی اداره آموزش و پرورش غریبانه کنار گذاشته شده و همچون صاحبانشان بایکوت.
در این سال‌ها بارها از طرف مسئولین نظام و استان حرف از دلجویی و آشتی و تأکید برگسترش همبستگی و زدودن بی‌اعتمادی به میان آمده، امااین پرسش مطرح می‌شود که رویکردهای عملی برای تحقق این اظهار نظرها چه بوده است؟ در این مورد بخصوص یعنی اخراج دسته جمعی حدود ۲۰۰۰ معلم تا به امروز هر چه بوده و هست به صورت مصوبه و اجرائیه در پرونده‌ای به مراتب قطورتر از پرونده مدعیان دادخواهی مصداق مثنوی ۷ مَن کاغذ شده است.
در واقع حدود ۳۲ سال نمایندگان این قشر شریف فرهنگی در مکاتبه و مکالمه با وزارت آموزش و پرورش و مقامات رده بالای مملکتی بوده‌اند، در طی مسیر تعدادی از این عزیزان آرزوی دلجویی را به گور بردند و آنهایی هم که زنده‌اند در کشاکش دهر همواره سنگ زیرین آسیاب باقی مانده‌اند، بگذریم از اینکه بارها و بارها، بار چرایی را از طرف فرزندان، صبورانه به دوش کشیده‌اند، فرزندانی که به کرّات در گزینش‌ها و پذیرش‌ها رد صلاحیت شده و مُهر بی مهری برپیشانی آینده‌شان نقش بسته و در لحظه‌های سرخوردگی مشت‌های جوان گره کرده شادی را بر فرق غرور پدر و مادر خود کوبیده‌اند و دل‌های دریائیشان را بیش از پیش به درد آورده‌اند.
فشارهای اجتماعی و خانوادگی باعث شده تعدادی از آنها بعد از سال‌ها ناامیدی هنوز صبورانه و خوش بینانه با قامت‌های و چهره‌هایی نه چندان شاداب و بعضاً پژمرده از گذر زمان و کشمش‌های مالی و روانی این دوران سخت، از پله‌های وزارت آموزش و پرورش، استانداری، دفتر نماینده ولی فقیه، نهاد ریاست جمهوری، نمایندگان مجلس... و خلاصه هرجایی که از آن کورسویی از جواب به چشم می‌آید، بالا و پایین بروند. بعد از آن همه بیم و امید در ۸ اردیبهشت ماه با سفر مقام معظم رهبری به استان کردستان، آتش انتظاری که زیر خاکستر زمان پنهان شده بود، دوباره شعله‌ور شد و با اتکاء به فرمان ایشان مبنی بر دلجویی از کارمندان اخراجی و مشکلاتی که برخود و خانواده‌هایشان رفته باز هم مکاتبات به صورت جدی‌تر و متداوم‌تر دنبال شد، نمایندگان معلمین اخراجی کمیته پی‌گیری تشکیل داده و با جمع‌آوری مدارک و احکام صادره‌ی سال۵۹ به طور مستند موضوع را دنبال کردند.
در این راستا اقداماتی سریع از طرف وزارت آموزش و پرورش و دفتر رهبری انجام شد، در سفر رئیس جمهور به کردستان این مورد یکی از مصوبات دولت بود و موجب تأکید بر سرعت بخشیدن به روند اجرایی رسیدگی به پرونده‌ها شد.
همه امیدوار بودند که این بار حکم حکومتی به دادشان برسد و نقش سال‌ها مشقت و کمبود، در اذهان کودکانی که با لحظه‌لحظه‌ی شرم و تنگ‌دستی والدین بزرگ شده بودند، کم رنگ شود.
این امیدها و ای کاش‌ها بعد از چند سال که از فرمان رهبری و مصوبه‌ی سفر استانی هیئت دولت می‌گذرد هنوز میوه ایست بَر دارِ مُراد.
مدت‌هاست این عزیزان بهرحال مراجعه می‌کنند یک جمله تحویل می‌گیرند: نگران نباشید کار تمام است دستور اختصاص بودجه‌ی چند میلیاردی هم امضاء شده و بزودی بر طبق ضوابط اداری کار به مرحله اجرا درمی‌آید.
و اکنون توقف طولانی در اجرا به این نگرانی دامن می‌زند، مبادا ان همه امیدواری و دلخوشی اندرخم کوچه‌های بروکراسی گم شود و پروسه‌ی اجرا مانند پروسه‌ی رسیدگی برود تا ۳۰ سال دیگر، زمانی که دیگر خیلی دیر شده باشد و بودجه‌ی صاحب مرده! ناچارا به صندوق دولت بازگردانده شود.

هدف از افزایش جریمه ها درآمدزایی نیست

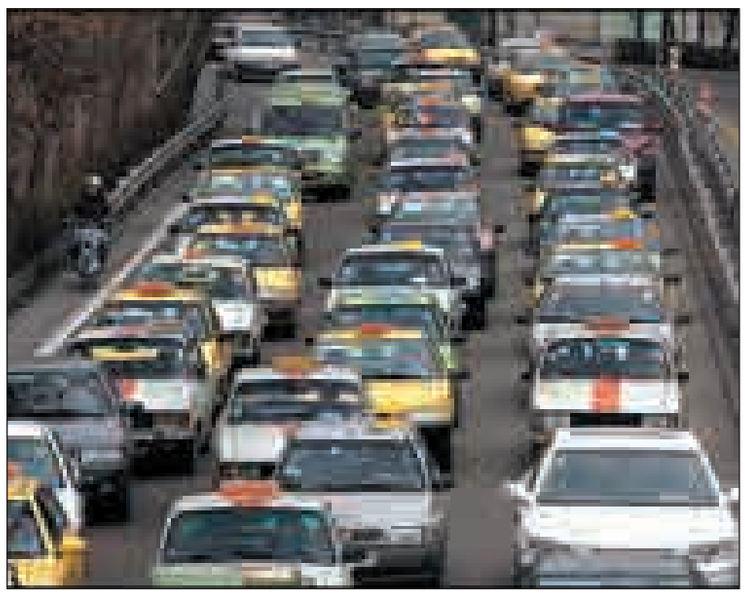

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی استان کردستان در گفتگو با ئاگرین روژ اعلام کرد: هدف از افزایش چند برابری جریمه ها درآمدزایی نبوده و مرحله دوم این جرائم از دی ماه امسال اجرایی می شود.
عارف قادرزاده تصریح کرد: هدف، رعایت حقوق شهروندی و عمومی، اصلاح قوانین عبور و مرور و جلوگیری از تخلفات رانندگانی است که در تخلف حرفه ای شده اند می باشد.
وی همچنین اظهار داشت: کل هزینه های اخذ شده به حساب خزانه رفته و فقط ۱۵ درصد از آن صرف خرید تجهیزات ترافیکی شده که آن هم قطعاً در جهت رفاه حال شهروندان و رانندگان بوده و ۵ درصد از آن هم صرف کارهای فرهنگی ترافیک و عبور و مرور می شود.
وی افزود: در قانون جدید جرائم رانندگی ۱۷۱ مورد از تخلفاتی که رانندگان ممکن است مرتکب شوند به صورت شفاف و قانون مند مبلغ جرائم بنا به محل آن تعیین شده و می تواند در کاهش معضلات و مشکلات این بخش نقش مؤثری داشته باشد. قادر زاده تأکید کرد: تأکید فرمانده نیروی انتظامی و مسئولین امر، کاهش تصادفات، تخلفات و در نتیجه کاهش جریمه هاست.
وی از کاهش ۹ درصدی تلفات در هشت ماهه گذشته خبر داد و گفت: همکاری بیشتر مردم و رانندگان با مأمورین راهنمایی و رانندگی سبب نظم ترافیک، اجرای قانون و حفظ و حراست اموال، جان و حقوق شهروندی آن ها خواهد شد.
لازم به ذکر است تاکنون ۳۵ جلد گواهینامه توسط پلیس راهنمایی و رانندگی در استان کردستان به دلیل تخلفات انجام شده ضبط گردیده است.

استفاده مطلوب از ظرفیت های کشاورزی اقتصاد کردستان را بهبود می بخشد

ئاگرین روژ / استاندار کردستان گفت: در صورتیکه از تمامی ظرفیت های بخش کشاورزی استان به شیوه ای مطلوب استفاده شود درصد قابل توجهی از مشکلات اشتغالزایی استان برطرف و وضعیت معیشتی مردم بهبود می یابد.
علیرضا شهبازی روز پنجشنبه در جلسه شورای توسعه کشاورزی استان که در سالن شهدای گمنام استانداری کردستان تشکیل شد گفت: با توجه به پتانسیل های خوب و وجود نیروهای تحصیلکرده و مدیران مجرب، بخش کشاورزی بایستی بعنوان یکی از اصلی ترین محورهای توسعه استان مورد توجه ویژه قرار گیرد.
وی گفت: تلاش مجموعه مدیران و کارکنان سازمان جهاد کشاورزی استان در راستای توسعه بخش کشاورزی در طول سال های اخیر شایسته تقدیر است.
استاندار کردستان با اعلام اینکه دولت در نظر دارد به مانند طرح عظیم مسکن مهر که توانست مشکل تعداد بسیار زیادی از افراد جامعه را در ارتباط با خانه دار شدن حل نماید حرکت های بزرگی را نیز در بخش کشاورزی آغاز کند اظهار داشت: در نشست رییس جمهوری و وزیر جهادکشاورزی با استانداران سراسر کشور مسایل و مشکلات مختلف این حوزه مورد بررسی قرار گرفت.
شهبازی تصریح کرد: در آینده نزدیک و پس از اتمام برنامه ریزی های پیش بینی شده جهت اجرای موفق این طرح، اطلاعات جامع تری در اختیار مردم و فعالان بخش کشاورزی کشور و استان قرار خواهد گرفت.
وی در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه ضروریست همه سازمان ها و دستگاه های اجرایی دولتی و همچنین بخش خصوصی با تعامل مثبت و وحدت رویه به تحول بخش کشاورزی کمک کنند افزود: اطمینان دارم با وجود شرایط و استعدادهای خوب طبیعی و جغرافیایی، مردم زحمتکش و همچنین پرسنل خدوم و توانمند جهادکشاورزی استان، کردستان می تواند به بهترین نحو ممکن این طرح را در استان اجرایی کند. پیش از سخنان استاندار کردستان ابراهیم حسن نژاد، مدیرکل جهاد کشاورزی استان در گزارشی با یادآوری فعالیت های صورت گرفته در حوزه کشاورزی افق های پیش روی این حوزه در استان را تشریح کرد.

ارسال محموله کمک های مردم کردستان به زلزله زدگان وان در ترکیه

ئاگرین روژ / در ۲۸ دی ماه ۹۰ در محل پایگاه انبار امدادی جمعیت هلال احمر کردستان در سنندج محموله کمک های بشردوستانه مردم استان به زلزله زدگان وان ترکیه بارگیری و ارسال شد. مدیرعامل جمعیت هلال احمر کردستان در مراسم ارسال این محموله اظهار داشت: بعد از زلزله وان که اول آبان ماه سال جاری به وقوع پیوست توسط این جمعیت در ۲۶ همان ماه طی مدت ۱۰ روز جهت جمع آوری کمک های نقدی مردمی اقدام شد. دکتر آرش لهونی تصریح کرد: طی مدتی که برای جمع آوری کمک های نقدی مردمی اعلام شد مبلغ ۵۴۰ میلیون ریال به حساب هلال احمر استان واریز شد.
وی در ادامه گفت: با استعلام از نماینده مدیریت بحران در استان وان ترکیه مشخص شد که مردم بیشتر نیازمند وسایل گرمازا هستند و بر این اساس تعداد یک هزار و ۳۲۰ بخاری برقی از تولیدات داخلی کشور خریداری و امروز شاهد ارسال این

اقلام هستیم. وی با بیان اینکه کردستان تنها استان کشور است که در زمینه جمع آوری کمک های نقدی مردمی به زلزله زدگان وان اقدام کرده، افزود: از هیچ اداره و ارگان دولتی در این راستا جهت درخواست کمک نکرده ایم و تمام این محموله توسط مردم تأمین شده، که جا دارد از مردم بشردوست و نوع دوست کرستان قدردانی و تشکر نماییم.

پرداخت بیش از ۲۰۲ میلیارد ریال غرامت به کشاورزان کردستانی

ئاگرین روژ / بانک کشاورزی استان کردستان در سال زراعی ۸۹-۹۰ بیش از ۲۰۲میلیارد ریال به کشاورزان خسارت دیده کردستانی غرامت پرداخت کرد.
مدیر بیمه کشاورزی بانک کشاورزی کردستان گفت: باتوجه به مبلغ ۵۰ میلیارد ریال حق بیمه دریافتی و۲۰۲میلیارد ریال غرامت پرداختی ، شعب این بانک ۴برابر حق بیمه دریافتی به کشاورزان خسارت دیده کردستانی غرامت پرداخت کرد.
اسعد فهیمی افزود: در حال حاضر ۶۰درصد از اراضی زراعی استان معادل ۳۰۰ هزار هکتار ، ۱۵درصد از باغات معادل ۵۰۰ ۴ هکتار و ۱۰درصد از دامهای استان معادل ۲۰۰هزار رأس سبک و سنگین تحت پوشش بیمه می باشد. طبق قانون بیمه اجباری طیور کلیه جوجه های یک روزه تولیدی استان از همان مبادی تولید بیمه می شود که در سال گذشته حدود پنج میلیون ویکصدوششهزار قطعه جوجه بیمه شده اند و در دامهای سبک ۱۷۴هزار رأس ، دام سنگین ۱۳هزاررأس ، آبزیان ۱۵۰۰متر مکعب و زنبور عسل تعداد ۲۰ هزار کندو تحت پوشش بیمه بوده اند.
وی همچنین اظهار داشت: در حال حاضر در استان کردستان ۳۴۷ نفر کارشناس کشاورزی و دامپزشک مشغول ارائه خدمات بیمه ای در قالب ۱۰ شرکت خدمات بیمه ای می باشند
این صندوق با بیمه ۱۰۴ نوع محصول در مقابل ۲۰۵ عامل خطر در قالب ۹۴۴ تعرفه در حال فعالیت می باشد. مدیربیمه کشاورزی بانک کشاورزی کردستان سپس به تشریح برنامه های کاهش ضریب خسارت شامل لحاظ نمودن عدم رعایت مسائل مدیریتی دربرآورد خسارتها، عدم بیمه مزارع ، باغات و واحدهای تولیدی غیر استاندارد، اعمال تخفیف در حق بیمه برای بیمه گذارانی که در یک دوره زراعی فاقد خسارت باشندو افزایش حق بیمه برای بیمه گذارانی که در سالهای متوالی دچار خسارت شوند و آموزش کارگزاران بیمه ای در راستای یادآوری و ارائه مسایل ترویجی به بیمه گذاران پرداخت.

پروژه ۶۰ واحدی مسکونی مددجویی کمیته امداد امام خمینی در سنندج افتتاح شد

مدیرکل کمیته امداد امام خمینی(ره) استان کردستان در حاشیه این مراسم اظهار داشت: برای ساخت این واحدهای مسکونی ۱۴ میلیارد ریال از محل مصوبات سفر مقام معظم رهبری، کمک خیرین و نیز آورده شخصی مددجویان تامین شده است.
قنبر موسی‌نژاد ساخت مسکن برای مددجویان را از مهم‌ترین برنامه‌های این نهاد برشمرد و افزود: سفرهای استانی دولت به ویژه سفر مقام معظم رهبری سرعت چشمگیری به ساخت و ساز واحدهای مسکونی مددجویان این استان بخشیده است.
وی با بیان اینکه از مجموع ۸۳۰ واحد مددجویی مصوب سفر مقام معظم رهبری به کردستان تا کنون ۵۲۲ واحد تحویل مددجویان شده است، تصریح کرد: ۱۱۰ واحد نیز در قالب این پروژه و یک پروژه ۵۰ واحدی در سقز بهره‌برداری می‌شود و ۱۲۶ واحد دیگر در مرحله پایانی است.
به گفته موسی‌نژاد، در دو بخش مسکن مقاوم‌سازی روستایی که تسهیلات این بخش شامل تسهیلات بانکی است از سال ۸۵ تا کنون ۵ هزار و ۲۳۳ واحد مسکونی روستایی در این استان برای مددجویان زیرپوشش مقاوم‌سازی شده است.
موسی‌نژاد با بیان اینکه در سال ۸۵ میزان اعتباری اختصاصی به مقاوم‌سازی واحدهای مسکونی مددجویان پنج میلیون تومان بوده است، خاطرنشان کرد: از سال گذشته این اعتبار به ۱۰ میلیون تومان افزایش یافته است.

دوهفته نامه اجتماعی / فرهنگی / اقتصادی
پگاه نوین روز
شماره ۳
سه شنبه ۱۱ بهمن ماه ۱۳۹۰ ۳۰۰ تومان

برای میزبانی مذاکرات ۱+۵ آماده هستیم

مسکو، روسیه – احمد داوداوغلو وزیر امور خارجه ترکیه در سفر به روسیه با همتای روسی خود دیدار و گفتگو کرد.

به گزارش کردپرس به نقل از NTVmsnbc محور دیدار وزرای امور خارجه روسیه و ترکیه، دو موضوع مهم تحولات سیاسی سوریه و بحث انرژی هسته ای ایران بود.

بر اساس این خبر احمد داوداوغلو وزیر امور خارجه ترکیه در سفر به روسیه و پس از دیدار با همتای روسی خود سرگی لاوروف به خبرنگاران گفت: « با روسیه همکاری و اشتراک نظر عمیقی داریم و در خصوص سوریه هم شاهد همکاری و فعالیت جدی از جانب روسیه خواهیم بود.»

وی در خصوص ایران نیز گفت: « در مورد ایران نیز با جناب لاوروف نظرات مشترکی داریم و امید و آرزوی مشابه ما این است که هر چه زودتر مذاکرات آغاز شود. ما به عنوان دولت ترکیه هم با تمام اعضای ۱+۵ دیدار و گفتگوی مدام داریم و هم کاملا برای میزبانی مذاکریات آماده هستیم.» در این کنفرانس مطبوعاتی یکی از خبرنگاران از وزیر امور خارجه ترکیه پرسید: دولت شما با کُردها برخورد خشن و نامناسبی دارد و با این وجود شما در لیبی و سوریه، مدافع صلح، دموکراسی و آرامش هستید. چه توجیهی برای این رفتار متناقض دارید؟ داوداوغلو که تلاش می کرد با خونسردی به این سوال پاسخ دهد پس از مکث کوتاهی گفت: « ما نه در لیبی و نه در سوریه مداخله نکرده و نخواهیم کرد. ما بر اساس اصول سیاسی و اخلاقی خود مداخله در امور داخلی کشورها را مجاز نمی دانیم و تنها کاری که کرده ایم تذکر و هشدار دادن به قذافی و بشار اسد در خصوص پایان دادن به خشونت علیه هموطنانشان بوده اس

رییس مجلس ترکیه دعوت اسراییل را رد کرد

آنکارا، ترکیه – جمیل چیچک رییس مجلس ملی ترکیه دعوت همتای اسراییلی خود را برای سفر به تل آویو رد کرد.

به گزارش کردپرس به نقل از ملیت، جمیل چیچک رییس مجلس ملی ترکیه دعوت ریوون ریولی رییس مجلس اسراییل را برای سفر به تل آویو رد کرد.

چیچک در پاسخ دعوتنامه مکتوب همتای اسراییلی خود نوشت:» این سفر در شرایطی که روابط سیاسی ترکیه و اسراییل به حالت عادی بازگردد، مورد توجه ما قرار خواهد گرفت. در شرایط فعلی دعوت شما را نمی پذیرم و اطمینان کامل دارم که از انتظارات ترکیه برای ترمیم روابط سیاسی فی مابین اطلاع واثق دارید.»

این بار جنازه اتحادیه عرب را چه کشـــوری بر دوش می‌کشـــد

فرشید صـــــلواتی

در قرن بیستم با توجه به ضروریات پیش‌آمده از حوادث ناگوار جنگ‌های جهانی اول و دوم کشورهای مختلف جهان با درک کردن به این مهم که مانای و ماندن حضور مستقیم آنها در عرصه‌های مختلف در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی بخصوص حضور در تحرکات لجستیکی و اعتبار بخشیدن به بودن در عرصه‌های دولت، ملت بعداز فروپاشی‌های متواتر امپراطورهای عثمانی، اتریش هنگری و... و رسیدن به جایگاهی بالاتر از آنچه که محدود به تعریفات جغرافیایی شناخته شده بود و ارتقاء سهم واخواهی خود از مرزهای شناخته شده و رسمی خود سعی در ایجاد تشکلات و اتحادیه‌ها و نهادهای منطقه‌ای و تا حدودی فرامنطقه‌ای نمودند.

بعد از فروپاشی‌های متعدد امپراطوری‌ها و ترس واهمه سیاستمداران از کوچک شدن فضای جغرافیای خاک و جمعیتی خود و بروز جنگی جهانی دیگر که امکان بستر سازی برای ایفای نقش چه در بستر داخلی و چه از بعد منطقه‌ای و جهانی آنان را بر آن داشت که به تنهایی نمی‌توانند از جغرافیای خود محافظت به عمل آورده و بعد از پایان جنگ جهانی دوم و تعریف شدن ممالک دنیا در دو بلوک و اردوگاه موسوم به شرق و غرب و پیش‌آمدن فرضیه صدور انقلاب‌های سوسیالیستی از جانب سردمدار بلوک شرق یعنی شوروی که ادامه همان نظریه لنین محسوب می‌شد و در آن سوی قضیه نظریه لیبرالیتی که آمریکا پرچم‌دار آن بود که بر حمایت از انقلاب‌های مردمی و تغییر و تحولات آزادی‌خواهانه در جهان محسوب می‌شد. کشورهایی که در خارج از حیطه بلوکات شرق و غرب محسوب می‌شدند را برآن داشت از طرفی برای جلوگیری از هضم شدن در این دو نظریه از سویی دیگر ادامه اقتدارگرایانه آنها چه در درون و چه در برون کشورهای خود به فکر چاره‌ای اساسی بوده و برای شکستن تاپوهای گاه واقعی و گاه سایه‌دار نظریات شرق و غرب به فکر تشکیل چنین اتحادیه‌های افتادند هر چند که در ماورای افکار سیاستمداران دول کوچک نظریات حاکمان تئوری‌ها و نظریات ادغام‌های جهانی در حال شکل گرفتن بود هرچند بعد از پایان جنگ خانمان سوز دوم جهانی فاتحین این جنگ یعنی آمریکا و هم‌پیمانانش «انگلستان، فرانسه و دول اروپای غربی» با تأسیس سازمان نظامی مشترک موسوم به آتلانتیک شمالی «ناتو» با بستن قرارداد نظامی که بعدها ژاپن و کره جنوبی، استرالیا و کانادا و ترکیه نیز پیوستن خود را به آن اعلام کردند.

از آن پس اگر هر کدام از کشورهای مذکور از طرف یکی از کشورهای ثالث مورد تهاجم نظامی و امنیتی قرار بگیرد تمام اعضای ناتو خود را مؤظف به حمایت نظامی، امنیتی، لجستیکی، مادی کشور عضو ناتو می‌نمایند یا اگر هر کدام از کشورهای عضوناتو بخواهد برای جلوگیری و پیش دستی آن هنگام که امنیت ملی خود را در خطر ببیند به کشور نقطه مقابل خود که تهدیدات را متوجه امنیت ملی آن کشور نموده حمله نظامی حامیان نظریه بلوک شرق «لهستان، مجارستان، بلغارستان، یوگسلاوی، آلمان شرقی، رومانی، چکسلواکی، آلبانی، کوبا» و در رأس هرم شوروی با بستن قرار داد نظامی ما بین خود موسوم به «ورشو» به تعریف امنیت ملی و در کلیت اروپای شرقی پرداختند معاده ورشو سد دفاعی و دیوار بتنی نقطه مقابل ناتو بود هرچند ناتو توانست سرفرماندهی خود را تحویل آمریکا نموده و در بحران نظامی جهانی چون کره شمالی، ویتنام، افغانستان، کوزو، بوسنی، عراق، لیبی به شیوه‌ای پراکتیک و عملی نقش خود را ایفاء نماید در حال حاضر ناتو بازوی نظامی غرب محسوب و به عبارتی ارتش اول کشورهای عضو محسوب می‌گردد اما ورشو هیچگاه نتوانست به جایگاه ناتو دسترسی و عملاً بعد از قیام مردم در بهار پراگ ۱۹۷۰ برضد مردم اروپای شرقی وارد عمل شد.

عملاً ورشو عاملی برای سرکوب مردم کشورهای عضو تبدیل شده بود تا اینکه بتواند نقش جهانی و فرامنطقه‌ای خود را انجام دهد لذا بعد از مدتی ورشو عملاً ناکارآمد شده و تعریف اولیه خود را از دست داده بود و بعد از مدتها خود را اعلام نموده در آن سوی قضیه کشورهایی که در هیچ کدام از اتحادیه‌های نظامی «ناتو، ورشو» عضو نبودند.

سازمان کشورهای عدم تعهد را از میان کشورهای انقلابی و آنانی که روزگاری مستعمرات محسوب می‌شدند به رهبری آزادی‌خواهانی چون احمدبن بلاالجزایری و احمدسوکارنو اندونزی، قوام نکرومه غنا پی‌ریزی کردند به سرعت اتحادیه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هرکدام با تعاریفی که کشورها از وجود امنیت ملی، ثبات و پایداری اقتصادی، رشد نهادهای خدماتی چون گمرکات، بیمه، کشتی‌رانی، پول واحد داشتند.

در تشکیل چنین نهادهای بین‌المللی گام برداشتند. یکی از مهم‌ترین این اتحادیه‌ها، اتحادیه عرب می‌باشد، اتحادیه مزبور که محصول ناکامی سران و سیاستمداران ملی‌گرای جهان عرب برای بازسازی وجه و چهره خود بعد از فروپاشی امپراطوری‌های اموی، علوی و عباسی و فاطمیان بود را می‌توان بازسازی نگرش سیاستمداران عرب به شخصیت سیاسی منفعل و از کار افتاده خود بعد از حضور مستقیم چه به صورت شخص حقوقی و چه از لحاظ حضور مستقیم زبان رسمی عربی در امپراطوری عثمانی بود را می‌توان نگرشی تازه طیف جوان محلّلان جهان عرب به بازسازی چهره مخرب و پیر و فرسوده کشورهای عربی بعد از اتمام جنگ جهانی دوم و تلاش برای رهایی دول عربی زیر سیطره استعمار انگلستان و فرانسه در جهان عرب تلقی گردد.

اتحادیه عرب محصول ناکامی جهان عرب و نرسیدن رهبران سیاسی و ملیون عرب برای ایفای نقش مؤثر و بازدارنده تخت و تازهای سیاسی و نظامی امپراطوران نظامی و صف‌بندی و آرایشات نظامی جدیدی که دنیای پس از جنگ جهانی دوم به خود می‌دید را می‌توان تفسیر کرد

رهبران سیاسی جوان عرب را بر آن داشت تا فکر پی‌ریزی اتحادیه‌ای منطقه‌ای در بین کشورهای عربی را پی‌ریزی کنند. اتحادیه عرب در اصل جوابی به ناکامی و نابخردی حاکمان عرب و سرخوردگی‌های آنفلوآنزایی پی در پی جریانات سیاسی عربی و استیلای رژیم نامشروع اسرائیل بر پیکره و بدنه فعال عربیسم«فلسطین، لبنان، سوریه، مصر، اُردُن» از سویی دیگر بود پولتیک کار نامدار عرب که به عبارتی دیگر می‌توان از آن به پدر ناسیونالیسم عربی هم تعبیر کرد جمال عبدالناصر مصری به همراه مشیل افلق، صلاح‌الدین بیطار که داعیه تشکیل فدراسیون عربی تازه که بازخوانی جدیدی از پرونده امپراطوری‌های اسلاف خود می‌باشد.

با هم‌فکری و هم‌گرایی یکدیگر راه را برای تشکیل چنین اتحادیه‌ای که پرداختن به ناسیونالیسم عربی و احیای عروبه‌گرایی بود را هموار کرد.

اتحادیه عرب که مقر آن در قاهره مصر می‌باشد با نوشتن اساس نامه‌ای همه‌گیر«احیاء ناسیونالیست عربی، گردآوری دول عربی زیر یک چتر حمایتی با پرداختن به آموزش همه‌گیر، بیمه مشترک، گمرکات مشترک، خط کشتی‌رانی مشترک، پول واحد و ایجاد منطقه‌ای آزاد و تجاری واحد، سردادن این شعار که شادی‌ها و غم‌های هر کدام از دول عربی مختص تمام جهان عرب می‌باشد».

اولین سنگ‌های تأسیس خود را بر روی کرانه‌های نیل پی‌ریزی کرد. در دهه هفتاد با خروج استعمار انگلستان و فرانسه از منطقه و پایان یافتن قرارداد سایکس پیکو راه برای استقلال بدون خونریزی و قیام و خیزش‌های عربی تسهیل یافت و به سرعت قطر، کویت، امارات، عمان، عربستان، بحرین از انگلستان-سوریه و لبنان از فرانسه - تونس ازفرانسه یمن، سوریه، اُردُن، لبنان، الجزایر و تونس و مراکش«تحت سیطره اسپانیا» به استقلال سیاسی و حاکمیت ملی دست یافتند.

یکی از نقاط منفی از لحاظ سیاسی کشورهای عربی منطقه حوزه خلیج فارس به جای کمک به رشد و اعتلای اتحادیه عرب دست به تأسیس جامعه کشورهای حوزه زده و عملاً نوعی از انشعاب و فرقه‌گرایی سیاسی از اتحادیه عرب بوجود آمد.

کشورهای عربی که مجموعاً۲۵ دولت مستقل محسوب می‌شوند به چند منطقه با ساختار سیاسی و منطقه‌ای تقسیم می‌شوند. در کشورهای حوزه خلیج فارس « قطر، کویت، امارات، عمان، عربستان، بحرین، عراق» از نظر اقتصادی کشورهای نفت خیز محسوب می‌گردد.

کشورهای که منهای عراق توانسته‌اند تا حدودی زیادی برای مردمانشان دولت رفاه اقتصادی ایجاد و از نظر شاخصه‌های توسعه و خدمات دهی و الگوهای درآمد با استانداردهای جهانی همراهی نمایند هرچند از نظر اداری و سیاسی جز کشورهای دیکتاتور محسوب می‌گردد و خاندان‌های آل‌ثانی، آل‌خلیفه، آل‌نهیان، آل‌سعود، آل‌قابوس و آل‌صباح از اولین روزهای تأسیس دول ملی بعد از فروپاشی عثمانی تاکنون براریکه قدرت نشسته و راه را برای هرگونه اصلاحات سیاسی و تحرکات حزبی آزاد مسدود کرده‌اند.

کشورهای شمال آفریقا«مصر، تونس، لیبی، الجزایر» این کشورهای نیز از جمله «لیبی، الجزایر» جز کشورهای بزرگ تولیدکننده نفت محسوب می‌شوند اما هیچ گاه نتوانسته‌اند دولت رفاه حوزه خلیج فارس را در مناطق تحت سیطره خود اجرا و از نظر اداری نیز تماماً جز نظام‌های توتالیتر محسوب می‌گردد.هرچند طی یک سال گذشته از طریق انقلابات مردمی تمام رژیم‌های مذکور منحل و راه برای برگزیدگان مردم از طریق سیستم پارلمانی هموار گردیده است.

کشورهای شمال غرب آفریقا«مراکش، موریتانی، صحرا» و کشورهای شاخ آفریقا«سومالی، سودان، جیوتی»مرکزآفریقا«نیجر، چاد، مالی» و جزیره کومور و کشورهای حوزه مدیترانه«فلسطین، لبنان، اُردُن» و یمن مجموعه کشورهای اتحادیه عرب را تشکیل می‌دهند. در اصل اتحادیه عرب که فقط نماد اسطوره‌ای رهبران عرب با لباس‌های عربی و زبان عربی محسوب می‌گردد و هر سال در یکی از کشورهای عضو نشست سران برگزار می‌گردد اما واقعیت آن است هیچ‌گاه اتحادیه مذکور نتوانسته است آلام و دردهای جغرافیای انسانی، خدماتی، معیشتی، آموزشی و فرهنگی جامعه عرب را التیام بخشد.

هیچ‌گاه نتوانسته به عنوان بازیگری فعال در مناقشات و پس لرزه‌های سیاسی و درگیری‌های کشورهای عضو به صورت فعال و آکتیو نقشی سازنده ایفاء نمایند. همواره جنازه‌ای متحرک بوده که برای جلوگیری از دفن شدنش در قبرستان‌های وادی‌الملوک قاهره هر از چندگاهی جلسه‌ای منزوی، حاشیه‌ای منفصل انجام می‌دهد.

یکی از نقاط قابل بحث در آسیب شناسی اتحادیه عرب نرسیدن رهبران به اجماع کلی و رفع اختلافات فی مابین سران عرب می‌باشد کشورهای عضو منهای لبنان از چنان نظام‌های نامشروع و نامردمی و تمامیت خواهی برخوردارند که جز به آراستن قصرهای شکلاتی خود و اسفاده کردن از آخرین شیوه‌های سرکوب و استفاده از روش‌های پوپولیستی برای ماندن در نظام به چیز دیگری فکر نمی‌کنند.

صدام حسین تکریتی از سویی، از سویی دیگر معمرقذافی و در آن سوی‌تر جمال عبدالناصر و شاگردانش هر کدام برای رسیدن به رهبری جهان عرب از هر روشی برای حذف رقیب خود استفاده می‌کردند. در واقع جنگ رهبران عرب برای رسیدن به سروری جامعیت عرب بوده تا حلال مشکلات حوزه جغرافیای جهان عرب، در قضیه فلسطین هر چند جمال عبدالناصر توانست با استفاده از نفوذ و پایگاه اجتماعی خود در میان رهبران عرب و حمایت از قضیه فلسطین برای مدتی نگاه اجتماعی و سیاسی جامعه عرب را به خود معطوف دارد اما با بستن قرارداد کمپ دیوید و به رسمیت شناختن اسرائیل غاصب از سوی قطر و عودت صحرای سینا به مصر از سوی این رژیم در زمان انورالسادات واقعیت محض تز رهبری اتحادیه از سوی مصر در میان رهبران دیگر مورد شک و تردید قرارگرفت.

هرچند واقعیتی آشکار و ملموس است که اکثر نظریات و تئوری‌های سیاسی اعراب از سوی ملّیون و محلّلان سیاسی مصر مجوز صدورش صادر و عربستان سعودی به عنوان پدر سرمایه‌داری جهان عرب شناخته شده می‌باشند اما کشورهای جدید عربی نیز خود را وام‌دار این رهبری می‌بینند.جهان عرب بخصوص خاورمیانه هر روز آبستن حوادث جدید و غیر متـــــرقبه‌ای است. هـــر روز ۶۰ درصد نفت اوپک از تنگه هرمز روز روانه بازارهای صنعتی می‌شود. کشورهای عربی ازنظر ژئوپلتیک و حضور جغرافیای سیاسی جزء مناطق استراتژیک جهان محسوب می‌گردند اگر مک کنزی زمانی خاورمیانه را قلب تپنده دنیا «هارت لند» معرفی می‌گردد.

جهان عرب علاوه بر حضور در خاورمیانه و در اختیار داشتن خلیج عدن، تنگه باب المندب بر تنگه‌های کانال سوئز و تنگه جبل الطارق نیز اشراف و تسلط کامل دارند از مجموع ۱۳ عضو اوپک ۸ عضو آن را کشورهای عربی تشکیل می‌دهند. پایگاه‌های معنوی جهان اسلام و مسیحیت«ناصریه، مکه، مدینه» در اختیار کشورهای عربی می‌باشد. تمام کشورهای عربی منهای «چاد، نیجر، مالی» برآبهای آزاد و گرم و بین‌المللی دسترسی دارند. حضور دانشگاه مقتدر الازهر در مصر و وجود شخصیت‌های سیاسی مطرح چون عمرموسی و نبیل‌العربی و روزنامه‌نگارانی چون محمدحسین و محمدحسنی هیکل و... اتحادیه عربی نتوانسته آنگونه که شایسته اظهار و اعلام وجود می‌باشد.

در جامعه جهانی قدعلم کند هرچند هر دو سال به صورت غیر دائم یکی از کشورهای عربی می‌توانند به صورت ادواری به عنوان عضو شورای امنیت در بالاترین نهاد سیاسی و امنیتی سازمان ملل حضور پیدا کنند اما هم چنان اتحادیه از حضوری پررنگ و شفاف و مؤثر به خود می‌نالد.

هیچ گاه نتوانسته به عنوان اکتری فعال در مسائل فسطین، سومالی، بهارعربی«بیداری اسلامی» منطقه نقشی ارزنده داشته باشد. در حال حاضر کشور مصر که به صورت سنتی خود را اریکه‌دار دائمی اتحادیه عرب می‌دانست به علت زلزله‌های سیاسی و فقدان مشروعیت سیاسی و نبود حکومت منسجم و مشروع عربستان به خاطر به هدررفتن انرژی و پتانسیل موجود خود در ایجاد بحران‌های مذهبی و فرقه‌ای در کشورهای اسلامی دچار عدم مشروعیت بخشیدن به خود برای رهبری اتحادیه عرب می‌باشد در بحران‌های منطقه‌ای که از آن به نام‌های بیداری اسلامی یا بهار عربی یاد شده قطر توانست نقش مؤثر و دخالت‌های ترکیه که نقش میانجی‌گری و زنده کردن نئوعثمانی را به دنبال داشت را بی اعتبار نماید

از مهم ترین ابتکارات شورای همکاری خلیج فارس نه اتحادیه عرب بود که نقش رئیس کار گروه را قط دنبال می‌کرد. سرهنگ علی عبدالله صالح را مجبور به استعفاء و خروج از حکمیت بدون خونریزی و انتقال مسالمت آمیز قدرت به جانشین رب منصور هادی و بعداً زمینه برای انتخابات آزاد و مردمی فراهم کرد.

یکی از گردانندگان فرستادن ناظران اتحادیه عرب به سوریه را دولت قطر رهبری کرد. همچنین اعزام نیروی نظامی به سوریه و ایجاد تشکیل ارتش واحد عربی از نظرات دولت آل‌ثانی محسوب می‌گردد. ایجاد دفتر نمایندگی گروه تروریستی طالبان در قطر و زمینه برای گفتگو و رسیدن به صلح طالبان با دولت افغانستان باز از ابتکارات دولت قطر محسوب می‌گردد. راه انداختن جهانی دفاع از استقلال یکجانبه و یک طرفه دولت فلسطین به رهبری محمود عباس را می‌توان از افتخارات دولت قطر دانست. دولت قطر با راه دادن یکی از مفتیان دانشگاه الازهر و مخالف اسبق مبارک به نام دکتریوسف القرضاوی در خاکش و پرداختن به نظریه‌ی دولت آزاد برای مردمانی آزاد اندیش می‌رود تا شانس خود را برای کشانیدن برج و با روی اتحادیه عرب به قطر فراهم سازد. قطر بدنبال زنده کردن و پویاکردن جنازه متحرک اتحادیه عرب می‌باشد.

دولت قطر راه را برای جلوگیری از جمود و یخ زدگی بیشتر اتحادیه عرب در گرمای سوزان جهان عرب تسهیل و خواستار تعریف تازه‌تری از این اتحادیه خموش و فرمایش و پیر که نقشی فسیلی پیدا کرده بود می‌باشد. قطر نیک به این مهم واقف است که هر چه اتحادیه عرب نقشی فسیلی و کج دار و مریض پیدا کند راه برای نفوذ نئوعثمانی‌ها برای دخالت بیشتر در جهان عرب بازتر می‌شود.

مجـــلس قوی با احزاب قـــوی شکل می‌گیرد

افشین ژولیده

مجلس قوی در گرو داشتن احزاب قوی است به عبارت دیگر ما نمی‌توانیم بدون داشتن احزاب پرقدرت پارلمان قوی داشته باشیم. در حال حاضر آنچه اتفاق می‌افتد بر مبنای یک نوع حرکت‌های پوپولیستی است و نمایندگان در شهرهای مختلف تلاش می‌کنند رأی مردم را به خودشان جلب کنند. این بدترین نوع انتخابات است برای این که نماینده همیشه دو اهرم نظارتی بربالای سر خود می‌بیند یک اهرم نظارتی ذهنیت‌های عوام حوزه انتخابیه است که آنها بدنبال این هستندکه نماینده بتواند کارهای ریز و خرد انجام می‌دهد.

در حال حاضر در بسیاری از کشورهای دنیا احزاب دیدگاه‌های اعلان شده از قبل دارند و مردم حزب رأی می‌دهند. حزب نیز بر اساس کرسی‌هایی که به دست می‌آورد افراد را در مجلس می‌نشاند. در جوامع پیشرفته حزب نماد سیاست مدرن و حلقه اتصال مردم و حاکمیت تلقی می‌گردد. گرچه احزاب در ایران سابقه دیرینه‌ای ندارند، اما در تاریخ یکصد ساله تشکیل پارلمان در ایران احزاب متعددی به وجود آمدند، فعالیت کردند، استمرار یافتند یا از بین رفته‌اند.

نقش احزاب در نظام پارلمانی ایران قبل از تشکیل مجلس (رقابت‌های انتخاباتی) . پس از آن نقشی که نمایندگان احزاب در مجالس ایفا کرده‌اند، قابل بررسی است. بنابه دلایل مختلف نقش احزاب در پارلمان ایران آن قدر پررنگ نبوده و احزاب هیچگاه در کشور از جایگاه اصلی خود برخوردار نبوده‌اند که مجالس حزبی بدان معنا که در نظام‌های سیاسی مدرن و جمهوری خواه وجود دارد، شکل بگیرد.

در جوامعی که نقش احزاب در فعالیت‌های سیاسی نهادینه شده، افراد جامعه پذیرفته‌اند که به برنامه احزاب در انتخابات‌های پارلمانی رأی دهند و با فرستادن کاندیداهای یک حزب به پارلمان زمینه تحقق آن برنامه‌ها را فراهم و سپس مطالبات خود را از جریان مذکور پیگیری کنند. در چنین نظام‌هایی احزاب در برابر برنامه‌ها و اهدافی که برای خود ترمیم می‌کنند، پاسخگو و مسئول هستند. در حالی که در نظام سیاسی ایران به دلیل آنکه احزاب هنوز جایگاه واقعی خود را در رقابت‌های سیاسی نیافته‌اند، در جامعه نهادینه نشده و نمایندگان جریانات سیاسی نیز با حضور در پارلمان خود را ملزم به پیگیری برنامه‌ها و شعارهای وعده داده

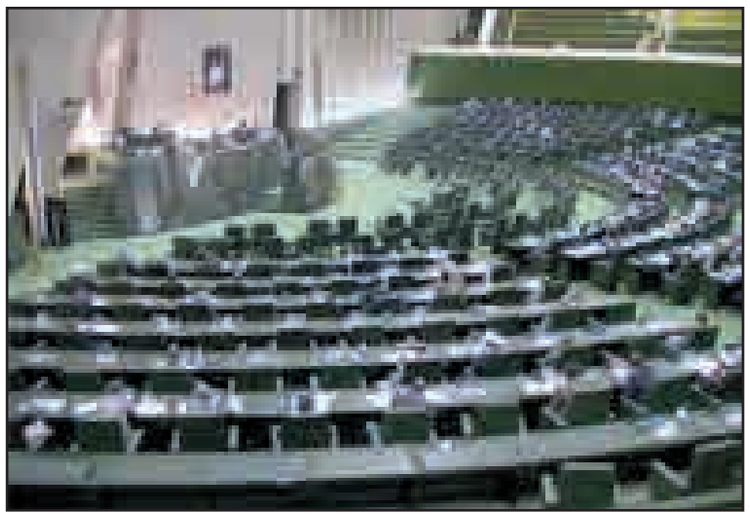

شده از سوی حزب به مردم نمی‌دانند. سابقه فعالیت احزاب در ایران به تشکیل پارلمان بعد از شکل‌گیری نظام مشروطه برمی‌گردد که پیش از آن استبداد نظام سلطه شاهان اجازه فعالیت‌های سیاسی را به جریانات مختلف نمی‌داد و اگر فعالیتی صورت می‌گرفت مخفی بود. اما با ظهور و گسترش گفتمان دموکراسی امکانات ساختاری برای مشارکت و رقابت احزاب سیاسی و جریانات مختلف فراهم شد. حزب ساختاری است که به شکلی قانونمند، زمینه جابه‌جایی مسالمت‌آمیز قدرت را در یک جامعه دموکراتیک فراهم می‌کند و بازی قدرت را به سطحی فراتر از شیوه‌های سنتی و پیشامد مدرن کسب قدرت ارتقا می‌دهد.

حزب با ساختاری بروکراتیک خود، قادر است هیجانات متعارض و خواسته‌های جامعه را به تصمیماتی تبدیل کند که قابلیت عملیاتی شدن را دارا هستند. نوع فرهنگ سیاسی و فقدان ثبات نظام‌های سیاسی در جوامع توسعه یافته باعث شده است که فعالیت‌های حزبی استمرار نداشته باشد و تحزیب یک تجربه ناموفق در چنین کشورهایی باشد. احزاب وقتی می‌توانند نقش و کارکردهای اصلی خودشان را داشته باشند که تنوع ساختاری در سیستم به وجود آمده باشد و زیر سیستم‌ها نیز از استقلال نسبی برخوردار باشند. تنوع ساختاری در یک جامع کثرت‌گرا به وجود می‌آید در چنین جامعه‌ای به ساختارهای سنتی یعنی قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضایی بسنده نمی‌شود. بلکه نهادهای دیگری مثل اتحادیه‌ها، و گروه‌های ذی نفوذ و فشار. احزاب سیاسی به وجود می‌آیند و نظام را دچار تنوع ساختاری می‌کنند.

وجود احزاب و اتحادیه‌ها در چارچوب کثرت‌گرایی می‌تواند معنا داشته باشد. شرط دوم هم استقلال نسبی زیر سیستم‌ها می‌باشد. در واقع این احزاب و اتحادیه‌ها و انجمن‌ها نباید زائده‌ها و یا ضمیمه‌های حکومت تلقی شوند، چون اگر چنین اتفاقی بیفتد، چنین سازمان‌هایی بخشی از قوه مجریه می‌شوند. بنابراین این نهادها باید خود جوش باشند و وابسته به نهادهای رسمی نباشند. تحت این شرایط است که احزاب می‌توانند کارکردهای خودشان را داشته باشند. احزاب موجود در جوامع توسعه یافته به قدر ریشه دوانده‌اند که امکان حذف و انحلال آنها وجود ندارد. اگر خواسته احزاب را از صحنه سیاسی کشورهای دموکراتیک حذف کنند، سیستم یک مرتبه فرو می‌پاشد. یعنی اگر قرار باشد که احزاب یا سایر کانال‌های ارتباطی مثل گروه‌های ذی نفوذ و رسانه‌ها از بین بروند. کل ارتباطات موجود در جامعه دموکراتیک از بین می‌رود. وقتی در تعریف حزب می‌گوئیم که حزب در میانجیگری و وساطت میان خواسته‌های متعارض نقش دارد، در واقع به کارکرد ارتباطی آن اشاره داریم.

در این فرآیند، در یک طرف مردم قرار دارند و خواسته‌های آنها از طریق احزاب کانالیزه می‌شود و در طرف دیگر طیف هم سیاست گذاری عمومی را داریم. وقتی سیستم دچار تنوع ساختاری می‌شود، نهادهای بیشتری می‌توانند نقش ارتباطی را ایفا کنند.

دوهفته نامەی ئەدەبی / فرهنگی / ئابووری
ئاگری ڕۆژ
شمارە ٣٠
سەشەمە ١١ بەهمن ماه ١٣٩٠ ٢٠٠٠ تومان

خەڵاتی ئەدەبی منداڵان بەخشرایە نووسەرێکی زیندانی

ئەمەریکا- خەڵاتی «نیوبێری» تایبەت بە ئەدەبی منداڵان، ئەمساڵ بە «جەک گینوس» نووسەری زیندانیکراو بۆ نووسینی ڕۆمانی نیوە بیوگرافی «بەربەستی نوروت» بەخشرا.

بەپێی هەواڵی کوردپرێس ڕۆژنامەی «USA Today»بڵاویکردەوە؛ نووسەری زیندانیکراوی ئەمەریکی «جەک گینوس» کە بە تاوانی بەکارهێنانی ماددەی هۆشبەر ١٨ مانگ زیندانی پێداربوو، لەلایەن شاندی داوەرانی «نیوبێری» بۆ ڕۆمانی «بەربەستی نوروت» خەڵاتی فەخری ئەدەبی منداڵانی پێ بەخشرا.

ڕۆمانی «بەربەستی نوروت» تایبەت بە تەمەنی ١٠ تا ١٤ ساڵ نووسراوە و تێیدا نووسەر دەگەڕێتەوە بۆ کاتی منداڵی خۆی لە زێدەکەی.

لەم نووسەرە تا ئێستا زیاتر لە ٤٠ بەرهەم بۆ تەمەنی لاو و میرمنداڵ بڵاوکراوەتەوە کە لەوان دەکرێت «کاتێک لە ماڵ چوومە دەر»، «ئەو وتی»، «زەینی من» و «وردبوونەوەی زۆرتر» ناو ببردرێت.

بە گوێرەی ئەم هەواڵە؛ لە ڕێ و ڕەسمی خەڵاتی نیوبێری ئەمساڵ، سوزان کۆپێر هەڵبژاردەی ساڵی ڕابردووی ئەم خەڵاتە، بۆ ڕێژگرتن لە چالاکییەکانی لە بواری ئەدەبی لاو، خەڵاتی «مارگارێت ئەی، ئێدواردز» ی وەرگرت.

هەروەها کریس ڕاسکا دیزاینکاری کتێبی «تۆزێک بو دیزی» کە تایبەت بە تەمەنی ٣ ساڵ بۆ سەرە، توانی هەفتا و پێنجەمین خەڵاتی فەخریی «کالدکات» بە خۆی تەرخان بدات.

شیاوی ئاماژەیە؛ خەڵاتی نیوبێری وەک کۆنترین خەڵاتی فەخری ئەدەبی منداڵانی ئەمەریکا لە ساڵی ١٩٢٢دیاری کراوە و تا ئێستاش بە نووسەرانێکی ناوداری وەک «نیل گیمن»، «مدلین لێنگێل» و «هیولا فتینگ» بەخشراوە.

گەرانەوەی ئەرسەلان کامکار بۆ ئۆرکێسترای سەمفۆنیکی تاران

تاران- ئۆرکێسترای سەمفۆنێکی تاران بە سەرپەرشتی «نادر مورتەزاپوور» و کۆنسێرت مەستەری «ئەرسەلان کامکار»، کۆنسێرتی «ئاوای هۆگرانی کەربەلا»ی ساز کرد.

بەپێی هەواڵی کوردپرێس؛ ئۆرکێسترای سەمفۆنیکی تاران بە ئاهەنگ دانەریی «مەحەممەد میرزەمانی» و سەرپەرشتیی «نادر مورتەزاپوور» و کۆنسێرت مەستەری «ئەرسەلان کامکار» هونەرمەندی ناسراوەی کورد و هاوکاریی گرووپی «کۆڕ»ی نووسینگەی مۆسیقای وەزارەتی فەرهەنگ و ئێرشادی ئیسلامی، کۆنسێرتی «ئاوای هۆگرانی کەربەلا»ی بۆ ماوەی دووشەو پێشکەش کرد.

بەشداریی ئەم ژەنیارە لە ئۆرکێسترای سەمفۆنی لە کاتێکدایە کە پێشتر دەنگۆکان ئاماژەیان بە ڕەت بوونەوەی ئەرسەلان کامکار لە بژاردن کردنی ئێرشاد پاش ٢٩ ساڵ هاوکاری دەکرد.

لە لایەکی دیکەوە؛ هاوکاریی ئەمجارەی ئەرسەلان کامکار لەگەڵ محەممەد میرزەمانی بەرپرسی ناوەندی مۆسیقای وەزارەتی ئێرشاد، ئاماژە بە گەڕانەوەی ئەرسەلان کامکار بۆ کۆنسێرت مەستەری ئۆرکێسترا دەکات.

هێرمنۆتیک (hermeneutice)

وەرگێڕان: ئەحمەد چاک

هەر بەو جۆرەی کە نەریت نیشانی داوە، هێرمێنۆتیک زانست یان تیۆری تەفسیرە. چاوگی وشەی هێرمێنۆتیک، وشەی یوونانی hermeneueinیە . بەواتای تەفسیر کردنەوە و بە زمانی خۆمالی وەرگێڕان و هەروەها بە واتای ڕوونکردنەوە و شیاوی تێگەیشتن کردن و لێکدانەوەیە.لە ئوستوورەکانی یوناندا ، هێرمێس زۆر جار پەیامی ڕەمزاوی خوداکان بۆ ئەو مرۆڤەکان تەفسیر دەکاتەوە.کەوابوو جێی سەرسووڕمان نییە کە هێرمێنۆتیک وەکوو شێوەیەک، لە تەفسیری دەقە پیرۆزەکانەوە دەس پێدەکا و لە گەڵ زانستی وشەناسیدا نیزیکایەتییەکی زۆری هەیە.کێشەکانی بزووتنەوەی چاکسازی، لەدژی ئەوەی حوکمەی کلیسا کە – هەر تەنیا کلیسا شیاوی تەفسیر کردنەوەی کتێبی پیرۆزە- و پێداگری پڕۆتستانەکان لەسەر خوێبەسبوونی کتێبی پیرۆز و بڕیاری پتەوی ئەوان لەسەر نیشاندانی ڕوونی و ئاشکرایی بنەمای کتێبی پیرۆز ، گەیشتە ئاکام. چوارچێوەی گشتی و کردەی بەرهەم هاتوو لەم کێشانە، بنەمای هێرمێنۆتیکی دارشت.ڕێک و پێک کردنەوەی بەرەبەری ئەو کەرەستانە و بەمێتۆدۆلۆژی کردنی ئەم کەرەستانە بۆ تەفسیری دەق،لە کۆتایی سەدەی نۆزدەهەمدا بیچمی تیۆرییەکی فەلسەفی گشت گیری بەخۆوە گرت کە ئەگەر نەک لەهەمووی لایەنەکانی هەوڵ و کۆشش و کلتووری مرۆڤدا ، لانی کەم لە زۆربەی ئەواندا، جەختی لەسەر گرینگایەتی بێ ئەملا و ئەولای تەفسیر دەکردەوە. هێرمێنۆتیک بە هۆی وزەی بەرهەمەکانی سەرەتایی مارتین هایدگرەوە، شێوەی بەربڵاوتری فەلسەفەی گشتی تێگەیشتنی مرۆڤایەتی بە خۆیەوە گرت و بۆ هەر شێوە و شاخەیەک کە لەگەڵ تەفسیری زمان، کردەوە، یان دەست کردەکانی مرۆڤ سەروکاری هەبوو. ئاماژە و دەلالەتی خۆی پێ بوو.

فریدریش شلایەر ماخێر ، موتەئەللەی ئەڵمانی،یەکەمین کەس بووکە ویستی تیۆری گشتی تەفسیر وێنا بکاتەوە ، تیۆرییەک کە بکرێ سەبارەت بە دەقی نائایینیش بەکاربێت. شلایەر ماخێر ئەو شتەی کە بە ناوی کەوانی هێرمێنۆتیکی ناوبانگی دەرکردووە بەم شێوەیە فورمول بەندی کردووە:لە هەر شتێک دا پاژ لە چوارچێوەی کۆدا ڕاڤە دەکرێ.و کۆش بە یارمەتی پاژ.بۆ نموونە واتای وشەیەک بە هۆی ڕستەیەک کە ئەو وشەیەوەکوو بەشێک لەو دێتە ئەژمار دەزانرێ، و ئەو ڕستەیەش تەنیا بە هۆی ئەو وشانەی کە سازدراوی ئەوانە شیاوی تێگەیشتنە.تێگەیشتن لە شوێنی یەکگرتنەوەی (پاژوکۆ)دا ڕوو دەدا. بە بڕوای ماخێر ئەم کەوانە لە بابەتگەلی پێوەندی دار بە تێگەیشتن دا حاشای لێناکرێ و ئەمە ڕوانگەیەکە کە لە هێرمێنۆتیکی سەدەی بیستەمیش دا هەر ماوەتەوە. لەسەر ئەم بنەمایە ، شلایەر ماخێر لەسەر ئەو بڕوایە بوو کە ئێمە نووسەرێکی پێوەندی دار بە ڕۆژگارانی ڕابردوو باشتر لە خۆی دەناسین، چوونکە دەتوانین لە بەستێنێکی مێژوویی هەراوتر بە نیسبەت ڕابردوەو بۆی بڕوانین.

شلایەر ماخێر گەڵالەیەکی گشتی لەدوو جۆرە هێرمێنۆتیک بەدەستەوە دەدات: یەکیان هێرمێنۆتیکی ڕێزمانی کە خۆی سەرقاڵی زمان و واتاناسی خودی دەق دەکات، و ئەویتر هێرمێنۆتیکی تەکنیکی لە کە زمان تێدەپەڕێ و زەینی نووسەر تاوتوێ دەکات. ماخێر لە بەرهەمەکانی دوایی‌تری خۆیدا جەخت لەسەر هێرمێنۆتیکی تەکنیکی یان ڕەوشتی «دوابینانەی» کاری هێرمێنۆتیکی دەکات. توێژینەوە زمانناسییەکانی ویلهۆلم فۆن هۆمبۆلێتیش پێشەکییەکە بۆ هێرمێنۆتیکی هاوچەرخ.هۆمبۆلێت بە دەربڕینی ئەم بابەتە کە زمانی کەسێک ڕوانینی ئەو بۆ جیهان دیاری دەکات، بایەخی فەلسەفی زیاتری بەخشی بە کێشەگەلی پێوەندیدار بە سرووشتی زمان و تەفسیر. بەڵام هێرمێنۆتیک لەسۆنگەی ئەڵمانییەکی تر واتە (ویلهۆلم دیلتای)وە ، پێگەی فەلسەفی بەربڵاوتری پەیدا کرد.

بە بڕوای دیلتای ، هەموو زانستە مرۆییەکان، لە ئاستی بنەماییدا، لەگەڵ بابەتی هێرمێنۆتیکی تەفسیری وتەی مرۆڤ دەستەویەخەن.تێگەیشتن لە مرۆڤەکان بە واتای تێگەیشتن لە وتەی فەرهەنگی ئەوانە- و ئەمە تەنیا لە چوارچێوەی دەقەکاندا نابەسرێتەوە، بەڵکوو بیچمە جۆراوجۆرەکانی هونەری و کردەکان(فەرهەنگی مێژوویی بەشێوەیەکی گشتی) یش لە خۆوە دەگرێ. بە پێچەوانەی توێژینەوە زانستییەکان لە جیهانی ئەزموونیدا ، توێژەرانی زانستی ئینسانی ناتوانن خۆیان لەم هاوسەنگایەتییە لادەن. بۆ تێگەیشتن لە مرۆڤ دەبێ مرۆڤ بی و ئەمە خوێندنەوەیەکی دیکەیە لە کەوانی هێرمێنۆتیکی. دیلتای لە بنەڕەتدا ئەو تێگەیشتنەی بە تێگەیشتنێکی هاودڵانە دەزانێ کە پێویستی بە ئەوپەڕ خستنی خودە لە زەینی کەسێکی تردا (ئافرێنەر)، لە ڕێگەی وەرگرتنی وتەی فەرهەنگییەوە.ئەو بەم وتە فەرهەنگییەی دەوت «زەینی بەرچاو». ئێمە لە ڕێگەی ئەو وتەیەوە ئەزموونی ژیاوی نووسەر سازدەکەینەوە. کەوابوو، هێرمێنۆتیک دەبێ بە جۆرێک دەروونناسی ویری و خۆبینانە کە نەک هەر واتای دەق ، بەڵکوو تایبەتمەندییەکانی بەدیهێنەرەکەشی تاوتوێ دەکاتەوە.هەر لەم ڕوەو دیلتای زۆر قەرزاربارى هێرمێنۆتیکی دوابینانەی شلایەر ماخێرە.

لە کۆتایی سەدەی نۆزدەهەمدا و بە تایبەت لە ئاڵماندا ، هێرمێنۆتیک وەکوو مێتۆدێکی فەلسەفی کە نەک هەر بۆ دەقە کۆنەکان، بەڵکوو پێوەندیدار ، بە هەموو خوێندنەوەکانی مرۆڤایەتی، ناوبانگێکی بەرچاوی پەیدا کرد.بەڵام دواتر ڕێچکەی دیلتای بە هۆی ئەوەی کە بە شوێن ڕووحی نووسەردا دەگەڕا، لەڕادەبەدەر بە ڕۆمانتیک زانرا و بە هۆی داگەڕانی زۆری بۆ لای مەبەست، هاودڵی و زەین، وەکوو دەروونباوەڕ گومانی لێکرا.هێندێک لە میرات گرانی دیلتای بۆ خۆ پاراستن لەم هەلومەرجە، سرنجی خۆیان ، لە جیاتی نووسەر و چەمکی کێشەهەڵایسێنی مەبەستی نووسەر، بۆ سەر خودی دەق و ئەزموونی خوێندنەوە شکاندەوە.ئەوانە بڕوایان وابوو ئەگەریش نووسەری دەقێک بە تەواوی نەناسیاو بێ ، دیسانیش هەر دەکرێ بخوێندرێتەوە و لێی‌تێبگەین. تەنانەت نابێ بۆ خوێندنەوەی نووسەر لە دەقەکەی خۆی بایەخێکی ئەوتۆ لە بەر چاو بگیرێ. گرینگ زەینییەتی خوێنەرە ، نەک زەینییەتی نووسەر.

هێرمێنۆتیکی سەدەی نۆزدەهەم ، هەروەها گومانی (مێژوو- باوەڕی) یشی لێدەکرا.کە بە پێی ئەو ، ئێمە لە تەفسیری دەقدا هیچ ڕاستەقینەیەکی بەرچاومان لە بەر دەست دا نییە ، چونکوو تەفسیرەکانی ئێمە بەردەوام بە هەلومەرجی مێژووی ئێمەوە دەبەسرێنەوە و هەروەها لە بەندی ئەو زنجیرانە دایە کە بۆ چوون و ویستە ڕاستەقینەکانی ئێمە بەسەری دادەسەپێنێ. ئەوانە هێشتاش هەر بابەتگەلێکی گرینگن ؛ ئەو بابەتانەی دەگەنە گومانی وەکوو نیسبی‌ڕوانینی تەواو. ئەم دیاردەیە بە تایبەت سەبارەت بە هێرمێنۆتیکی دیاردەناسانە کە لە بەرهەمەکانی مارتین هایدیگێرەوە سەرچاوە دەگرێ وەڕاست دەگەڕێ.

هایدیگێر لە سەر فەلسەفەی قارڕەیی ، لە ئیگزیستانسیالیسمەوە هەتا هێرمێنۆتیکی هاوچەرخ و بنەماشکێنی دریداییەوە ، کارتێکەری زۆری بووە. ئەو شاگردی ئێدموند هۆسرێل ، دامەزرێنەری دیاردەناسی بوو. هایدیگێر لە بەرهەمی دەوران‌سازی خۆیدا ، [بوون و زەمان(١٩٢٧)]، کە لەبەرهەمەکانی سەرەتایی ئەو دێتە ئەژمار، جۆرێک هێرمێنۆتیکی دژە زەینی بنیات نا کە لە سەر بەشوێن‌بوونی تەواوی ئێمە لە مێژوو و زماندا جەخت دەکاتەوە. بابەتی تێگەیشتن بە تەواوی لە لێکۆڵینەوەی توێژەرانە لە زەینی کەسێکیتردا جیا دکرێتەوە. لە جیاتی ئەو لەسەر سەقامگیری ئێمە لە جیهانێکی زەمانی‌دا جەخت دەکرێ کە واتاکەی بەر لە ئێمەیە و ئێمە تەنیا تێگەیشتنێکی زیمنیمان لێی هەیە. هایدیگێر دەڵێ کە ئێمە تێگەیشتنانە بوونمان هەیە و ئامانجی تەفسیر ئاشکرا کردنەوەی پێش‌تێگەیشتنێکە کە ئێمە بەرلەهەموو شتێک لە بوون-لە- جیهانی خۆماندا هەمانە.

بە پێی ئەو نموونە هایدیگێرییە، ئەدەبییات بەر لەوەی کە دەربڕینی ئەندیشەو مەبەستی کەسێک بێت، بەرز کردنەوەی دونیایەک یان جیهان بینییەکە بۆ [بەستێنی] ئاگایی. لە ئەدەبیاتدا جیهانێک ئەزموون دەکرێ کە نووسەر وێنای کردوە ، نەک کەش‌وهەوای زەینی و مەبەستە تایبەت و نائاسایی. لە نووسراوەکانی دوایی‌تری هایدیگێردا ، ڕامانی زۆر و بیرۆکەی ڕۆشن‌بینانە لە دەوروبەری بەرهەمی شاعیرانی جۆراوجۆر و هەروەها سەبارەت بە زمان بوونی هەیە، بەڵام ئەم نووسراوانە زیاتر نووسراوەی ئوستوورەیی و شاعیرانەن هەتا مێتۆدۆلۆژییانە.

هانس گێئورگ گادامێر ، قوتابی هایدیگێر، یەکێک لە بەر چاوترین نوێنەرانی هێرمێنۆتیکی فەلسەفییە. بەرهەمەکانی ئەو لەسەر بۆچوونەکانی مامۆستاکەی بۆ زمان و زەمانمەندی و تێگەیشتن دامەزراوە. ئەم نووسراوانە زیاتر بە لای هێرمێنۆتیکی نەریتی تەفسیری دەقدا دەشکێنەوە.گادامێر لە کتێبی زۆر گرینگی خۆی ، ڕاستەقینە و مێتۆد(١٩٦٠)دا بەر لە هەموو شتێک خەریکی وێنا کردنی کردەی تێگەیشتنە لە پێوەندی ئەو لەگەڵ کارەکانی ئێمە و هەروەها نەریتە.

گادامێر ئەم ڕوانگەیەی هایدیگێر وەردەگرێ کە ئامانجی تەفسیری دەق، خودی دەقە، نەک مەبەستی نووسەر. کێشەی هێرمێنۆتیکی زاڵ بوون بەسەر مەودا دانانی بێگانەسازە: چۆن بەرهەمێک ، بەری لە فەرهەنگی سەرەکی و هەلومەرجی مێژوویی خۆی، دەتوانێ لەگەڵ بەردەنگی ئەوڕۆیی خۆی پێوەندی دامەزرێنێ و لێی تێبگا؟ئەم کێشەیە سەبارەت بە هەموو بەرهەمە هونەرییەکان و لە ڕاستیدا، سەبارەت بە هەر هەوڵێک بۆ تێگەیشتن لە فەرهەنگەکان و خەڵکانیتر دا ڕوو دەدا. ئامانجی تێگەیشتنی هێرمێنۆتیکی ئەوە نییە کە پەی بە واتای بەرهەمێک بە لای بەرەنگی سەرەکی یان

نووسەر ببا، بەڵکوو ئامانجی ئەوەیە کە بزانێ بەرهەم بۆ ئێمە و هەر لەم کاتەدا چ واتایەکی هەیە. بەڵام ئەم دیاردەیە بەو واتایە نییە کە ئێمە هەر کارێکی پێمان خۆش بێ دەتوانین لەگەڵ بەرهەمی بکەین.تێگەیشتنی هێرمێنۆتیکی ئاکامی وتوێژێکی ڕەسەن لە نێوان ئێستا و ڕابردوو دایە و ئەم تێگەیشتنە کاتێک ڕوو دەدا کە لە نێوان ئێستا و ڕابردوودا « تێکەڵ کردنی ئاسۆکان» بوونی هەبێ. لە ئاکامدا ، ئەمە کردەیەکە کە لەسەر تێگەیشتنی خۆ دامەزراوە و هەروەها ڕاستەقینەی مێژوویی ئێمە و پەیوەستگییەکەی لەگەڵ ڕابردوو.

گادامێر بە پێچەوانەی بۆچوونێکی زانستی‌تر ، پێی وایە کە ئێمە تەنیا بە پێوەری پێش داوەرییەکانمان(پەروەردەی فەرهەنگی و مێژوویی) دەتوانین بزانین ، و نەک بە وەلا نانی ئەوان و ڕەها بوون لە کۆت و زنجیری ئەوان.کە وابوو، بەرهەمێک بەدیهێنەری واتایەکی کۆتایی ویەکجاری نییە. بۆ نموونە بەرهەمێکی کلاسیک هەربەو جۆرەی کە لە درێژەی سەدەکاندا بە شێوەی جۆراوجۆر تەفسیر و ئەزموون دەکرێ، مێژوویەکیش لە واتاکانی بەرهەم دێ.مەرجی هەبوونی وەها تێگەیشتنێک خودی نەریتە،کە لە پلەی یەکەمدا لە چوارچێوەی بەهەمە هوونەرییەکاندا، دامەزراوەکاندا و بە تایبەت زمانی کۆتەڵ گرتووە.ئەگەر ئەو داوەرییانەی بە میات بە ئێمە گەیشتووە لە هەمان نەریتی بەرهەمەکەوە سەری هەڵنەدابێ ، ئەو کاتە بۆی هەیە لە تێگەیشنی بەرهەمدا گرفتی ڕاستەقینە سەر هەڵدەدا: بێگانە دەمێنێتەوە. پێش فەرزی تێگەیشتنی ڕەسەن، دەروەستی و پەیوەستەگی ئێمە بۆ فەرهەنگ و ئەو نەریتانەی کە ئێمەیان لەخۆ گرتووە(وئێمە زۆربەیان مونفەعیلانە لە خۆمان دا هەڵتاواندۆتەوە) و بەرەو پێش چوونی ئەم نەریتانە بە هۆی چالاکییەکانی تەفسیری ئێمەیە. هەر کاتێک دەق نەتوانێ لەوپەڕی مەودایەک لە دەق لە ئێمە جیا دەکاتەوە، پێوەندی لەگەڵ ئێمە دادەمەزرێنێ، سەرەتا دەبێ کارەکانی وشە ناسی ، مێژوویی و ژیاننامەیی زۆر بە ئەنجام بگەیەنین.

هێرمێنۆتیکی فەلسەفی سەدەی بیستەم، بە ئاشکرایی،هۆگری و مەیل زیاتر لە ئامانجەکانی کەونارا توێژینەوەیی بە نیسبەت دەقەوە هەیە. دەق تەنیا لە کردەوەی خوێندن دایە کە بە تەواوی وەڕاست دەگەڕێ، کردەوەیەک کە لەودا جیهانی دەق و جیهانی خوێنەر دەگەنە یەک لەیەکتریدا دەتوێنەوە. چەمکی تەوەرەیی بۆچوونەکانی گادامێر و هەروەها بەرهەمەکانی ڕۆمەن ئینگاردینی دیاردەناس سەبارەت بە ئەدەبیات ، گرینگایەتیکی زێری بۆ ڕەخنەی خوێنەر تەوەر و بە تایبەت بۆ ئەندامانی قوتابخانەی کۆنستانس بووە. هانس ڕۆبێرت یاس و وۆلفگانگ ئایزێر ، هەردووکیان لە شاگردانی گادامێر بوون.

کەسایەتییەکی تری هەڵکەوتووی هێرمێنۆتیکی فەلسەفی دوای هایدیگێر ، پۆل ریکۆرە. ریکۆر بەرهەمی زۆر گەورەی سەبارەت بە مێتۆدۆلۆژی هێرمێنۆتیکی و زانستی ئینسانی ، خوازە، دەروون شیکاری فرۆیدی، و بە تازەگی سەبارەت بە زەمانمەندی مرۆڤ و پێوەندی ئەو لەگەڵ گێڕانەوە نووسیوە. هێرمێنۆتیک و زانستی ئینسانی(١٩٨١) ناوەرۆکی سەرەکی بیرۆکەکانی دیکۆر ئاڕاستە دەکات.ریکۆر سەبارەت بە ئامانجەکانی هێرمێنۆتیک لەگەڵ گادامێردا هاوڕایی گشتییان هەیە، هەر چەند کە بەرهەمەکانی ئەو زیاتر ئاوێتەیەکن لە هۆگرییەکانی فیکری سەدەی بیستەمە، بە تایبەت پێکهاتە خوازی، نیشانەناسی، و فەلسەفەی زمانی ئانگلۆساکسۆن.

لە ڕوانگەی ریکۆرەوە ئامانجەکانی هێرمێنۆتیک نەک هەر دەتوانێ دژوازییەکان و جوداوازییەکان تەفسیر وەلا نێ، بەڵکوو دەستەبەر کردنی تێگەیشتنی خۆ لە خۆوەوە دەگرێ.«خود» کە ناوەندی سەرەکی سرنجەکانی لە نووسراوەکانی ریکۆر دایە، ناتوانین لەڕێگەی تاوتوێ کردنەوەی ڕاستەو خۆی دێکارتی بزانین، بەڵکوو دەبێ لە ئاڕاستەی خوار و لە ڕێگای بەرهەمە کولتوورییەکان و بە تایبەت بەرهەمە هونەرییەکان، دەتوانین لێی تێبگەین.

لە تێگەیشتنی هێرمێنۆتیکی ریکۆردا بەرهەمە ئەدەبییەکان، دەتوانین سێ قۆناخ لێک جیا کەینەوە:

١-شی کردنەوە و لێکدانەوەی تاڕادەیەک بەرچاوی خودی دەق،ئەم قۆناخە قۆناخی شی‌کردنەوە و لێکدانەوەی پێکهاتەیی و نیشانەناسانەی بیچم و ناوەرۆکی بەرهەمە.

٢-کردەوەی خوێندنەوە، کە لەودا دونیای دەق وەڕاست دەگەڕێ، تیۆری وەرگرتن بە تایبەت چاو لەم قۆناخە دەبڕێ.

٣-قۆناخی هەبوونی و ڕاڤەیی و تایبەتی کردنەوەی واتای دەق بە خودی دەق.

قۆناخی دوهەم لە لایەنێکەوە ، تەمهیدێکە بۆ قۆناخی سێهەم، چونکوو پەیوەستە بوونەوەی جیهانی بەرهەم زۆربەی جار پێوەندی بە تایبەتمەندییەکانی شاراوەی جهانی خوێنەر و ناسین و کەسایەتی ئەوەوە هەیە.کەوابوو، بەرهەم ئێمە دەکێشێتە ناو خۆیەوە و ئێمە لە خۆمان دوور دەخاتەوە.بەڵام ئەم کارە تەنیا بۆ ئەوە دەکا کە تێگەیشتنی لە خۆمان، بەحسی لایەنی بیرکردنەوە و دەرفەتەکانی خۆمان، قووڵتر بێتەوە، شت گەلێک کە جگە لەوە، ئەگەری ئەوەی هەبوو کە هیچ کات لەگەڵی بەرەوڕوو نەبینەوە. بەرهەمی دوایی ریکۆر ئەم بابەتە هێرمێنۆتیکییە تاوتوێ دەکا کە ئێمە چلۆن لە گێڕانەوە و خودگێڕانەوەیی و هەروەها بە هۆی ئەوەوە، خۆمان پێناسە دەکەینین لە خۆمان تێدەگەین. ریکۆر بە کردنەوەی لێکدانەوەی هایدیگێری لە بە زەمان بوونی مرۆڤ، لەسەر ئەم بڕوایەیە کە کاتێک زەمان بیچمێکی ڕەوایی بە خۆیەوە دەگرێ، دەبێتە زەمانێکی ئینسانی. ئەدەبیات ، چ ئەدەبیاتی مێژوویی و چ ئەدەبیاتی داستانی، لەم دیاردە گرینگەی داڕشتنی گەڵالەی زەمانەدا بەشدارن.

بەشێک لە هێرمێنۆتیکی هاوچەرخیش بەلێنداری هێرمێنۆتیکی ڕۆمانتیکە. بەڵام لەگەڵ هێندێک لە بنەڕەتەکانی هێرمێنۆتیکی دیاردەناسانەدا دژایەتی هەیە.ئێمێلییۆ بێتتی ئیتالیایی بەرهەم گەلی گرینگی لە دەیەکانی ١٩٥٠ و ١٩٦٠ دا بڵاو کردەوەو لەواندا خۆی بە کردنەوەی بەڕواڵەت بەرچاوتری هێرمێنۆتیکەوە خەریک کرد. میرات گری ئامریکایی بیرۆکەکانی بێتتی ، ئێریک دانیڵد هێرش، تیۆری داڕێژی ، ئەدەبییە.

هێرش لە بەرهەمی بەناوبانگی خۆیدا ، متمانەی لە تەفسیردا(١٩٦٧)، لە نێوان واتای دەق و دەلالەتی دەقدا جیاوازی دادەنێ. ئەو بانگەشەی ئەوە دەکات کە هێرمێنۆتیکی فەلسەفی هایدیگێری و هەروەها لکە ڕادیکاڵترەکانی تیۆری ئەدەبی خۆیان لەم جیاوازییە نابەلەد دەکەن و بە یەکلایەنە خوازی ، تەنیا خەریکی لایەنی دووهەم دەبن.هێرش لەم بابەتەوە نادوێ کە ئایاکو تەفسیرێکی بەکەڵک ، یان لە بۆاری تاکەکەسییەوە، پڕبارە یان نا. ئەو بەتەنیا بزانێ کە ئایا ئەم تەفسیرە واتای شیاوی دەقە یان نا. ئەو بە پێ و شوێنی دۆزینەوەی پێوێکە بۆ سەلماندنی ئەو تەفسیرانەیە کە بە تەنیا سرنج نادەدەنە دیاردەی دەلالەت؛ و وەڵامی ئەو مەبەستی نووسەرێکە کە دەقەکەی خولقاندووە. ئامانجی تەفسیر ، لانی کەم لە بنەڕەتدا ، سازکردنەوەی ئەو هەلومەرجە نوسینییەیە.بە بێ ئەم پێوەرەی ڕاستەقینە، ئێمە تەنیا لەگەڵ گومان هێنان و ڕوانینی نیسبی بەرەوڕووین، کە لەم هەل و مەرجەدا ، هەر تەفسیرێک دەتوانی بەرگری لێ بکرێ.لەگەڵ ئەوەشدا، ڕەخنەی زۆر لەسەر تیۆری واتایی هێرش کە لە دیاردەناسییەوە وەرگیراوە ، هاتۆتە ئەنجام.

ئێتانلی فیش، ڕەخنە گری ئامریکایی، گێڕانەوەیەکی ڕادیکاڵتر لە هێرمێنۆتیک دەخاتە بەردەست. لە ڕوانگەی فیشەوە، دەق هیچ واتایەکی لەوە پێش دیاریکراوی نییە، بەڵکوو واتای ئەو یەکسەرە بەرهەمی شێوەی تەفسیر ئێمەیە.هەر جۆرە هاوتایی لە نێوان تەفسیرەکانی ئێمەدا بە تەنیا بە هۆی هەبوونی مێتۆدی هاوبەشی تەفسیرییە.لە ڕوانگەی فیشەوە، سرنجی هێرش بۆ مەبەستی نووسەر شتێک نییە جگە لەیەکێک لە مێتۆدەکانی بەردەست لە خوێندنەوەی دەقدا.

لە هێرش زۆر جار بە هۆی یەکلایەنە ڕوانینی دەمارگرژانەی ڕەخنە گیراوە، ئەمە لە کاتێک دایە کە فیش بە هۆی جەخت کردنەوەی تەنیا لەسەر کردەوەی خوێندنەوە ڕەخنەی لێ گیراوە. دەتوانین تیۆرییە فەلسەفییەکانی گادامێر و ریکۆر وەکوو ڕێگای ناوین چاو لێ بکەین؛ ڕێگایەک کە سەربەخۆیی دەق و خوێنەر ، هەردووکیان ڕەفز دەکاتەوە و لەسەر تایبەتمەندی تەواوکەری ئەم دوانە پێداگری دەکا. دەسکەوتێکی کۆتایی کە دەبێ لە بەستێنی هێرمێنۆتیک تا ئاماژەی پێ بکرێ ، بەرهەمەکانی یورگێن هابێرماس لە چوارچێوەی تیۆری کۆمەڵایەتی ڕەخنە گرانە دایە.ئەگەرچی هابێرماس خۆی بە تیۆریسیینی هێرمێنۆتیک نازانێ ، بەڵام هەم لە نموونەی هێرمێنۆتیکی کەڵکی وەرگرتووە، و هەم لایەنەکانی ئەوی بڕەو پێداوە. لەم ناوەدا ، گرینگ بابەت جەخت کردنەوەی ئەوانە لەسەر لادانەکانی ئیدئۆلۆژیکی کە دەبێتە لەمپەری پێوەندی ئازادانەی نێوان بێژەران و خوێنەران. لێرەدا هێرمێنۆتیک وەرچەرخانێکی گرینگە بەرەو ئەو شتەی کە بە « هێرمێنۆتیکی گومان» ناودێر دەکرێ. نەریت کە لە بەرهەمەکانی گادامێردا چەمکێکی تەوەرەیی و پڕباری بووە ، لەگەڵ سیاسەت ئاوێتە دەبێ و کێشەی لێ دەکەوێتەوە. چوونکو نەریت نەک هەر پێوەندییەکی ڕەسەن دەستەبەر دەکات، بەڵکوو ئەگەری ئەوەش هەیە بە شێوەیەکی بەرێوچێ ببێتە لەمپەری ئەم پێوەندییە. بۆچوونی هابێرماس ، هەم هێرمێنۆتیک و هەمیش تیۆری ئەدەبی دەباتە ناو بەستێنی بەربڵاوتری سیاسەتەوە ؛ بەستێنێک کە لەودا، ئەدەبیات یەکێک لە ئامێرەکانی ئیدئۆلۆژیکی جۆراوجۆرە.

ئەمڕۆکە هێرمێنۆتیک شێوەیەکی فەلسەفی گرینگە کە زۆرجار پشت بەم ڕایە دەبەستێکە ڕاستەقینە، بە هۆی زەمان و هەلومەرجی مێژوویی ئێمەوە، ڕاستەقینەیەکی تەفسیر کراوە.بەڵام هێرمێنۆتیک مێتۆدۆلۆژیشە کە لەگەڵ چلۆنایەتی تەفسیر و تێگەیشتندا سەروکاری هەیە و ئامانجەکانی کارتێکەری بەربڵاوی ، نەک هەر لە خوێندنەوەکانی ئەدەبیدا، بەڵکوو لەسەر ئایین ناسی یەکگرتە ، خەڵک ناسی و لقەکانی جۆراوجۆری زانستی ئینسانی بووە. ناوەندی توێژینەوەکانی هێرمێنۆتیکی هەروا لە وڵاتانی ئاڵمان و وڵاتە یەکگرتووەکان و ئیتالیا و کانادا دایە.

ئیرێنا ریما مەک‌کاریک(irena rima makaryk)

شیعرناسی

و / لە فارسییە وە : سیروان جەبار زەندی

شیعرناسی ئەو بەراوردە تێک دەشکێنێت کە لە چوارچێوەی خوێندنەوە ئەدەبییەکاندا دروست بووە لە نێوان تەئویل و زانستدا. لە لایکەوە شیعرناسی لە بەرامبەر تەئویلی بەرهەمە ئەدەبییەکاندا بە دوای دیاریکردنی واتادا ناگەڕێت، بەڵکوو مەبەستی ئەو ناسینی ئەو یاسا گشتییانەیە کە حاکمن لە سەر پەیدابوونی هەموو بەرهەمێک. لە لایەکی ترەوە شیعرناسی لە بەرامبەر زانستەکانی دەروونناسی و کۆمەڵناسی و ... تاد بە دوای ئەو یاسایانەدا دەگەڕێت لە ناوخودی ئەدەبدا. ئەم پێیە شیعرناسی تێڕامانێکی ئەدەبە کە لە یەک کاتدا هەم وەرگیراوە و هەم ناوەکییە.

خودی بەرهەمی ئەدەبی بابەتی شیعرناسی نییە: شیعرناسی لە تایبەتمەندییەکانی گوتارێکی تایبەت (واتە گوتاری ئەدەبی) دەکۆڵێتەوە، بۆیە هەر بەرهەمێکی ئەدەبی تەنیا بە ڕەنگدانەوەی پێکهاتەیەکی وەرگیراو و گشتی لە قەلەم دەدرێت و ئەویش وەکوو یەکێک لە ڕەنگدانەوە گونجاوەکانی ئەو پێکهاتەیە، بەم شێوەیە ئەم زانستە بەو جۆرەی کە بە ڕاستی هاتووەتە دێ لەگەڵ ئەدەبدا سەروکاری نییە، بەڵکوو لەو تایبەتمەندییە وەرگیراوە دەکۆڵێتەوە کە دیاردەیەک بە ناوی ئەدەب یاخود بە واتایەکی تر ئەدەبیەت تایبەت دەکات بە تاک و جیای دەکاتەوە. مەبەستی شیعرناسی ڕوونکردنەوە و تەفسیر کردنی ئەو بەرهەمە ئەدەبییانە نییە کە لەبەردەستدان یان کۆکردنەوەی چڕکراوەیەکی ستایشی لێیان، بەڵکوو مەبەست لەم لایەنەی زانست خستنەڕووی تیۆرێکە کە دەربڕی چۆنیەتی پێکهاتە و کارکردنی گوتاری ئەدەبی بێت، تیۆرێک کە پێرستێک لە توانا ئەدەبییەکان فەراهەم بکات. کەواتە ئەو بەرهەمە ئەدەبییانەی کە لە بەر دەستدان بە شێوەیەکی پەتی وەکوو چەند بارێکی تایبەت وەردەگیرێن کە بەدیهاتوون. بەرهەم دەدرێ

ئاگری ڕۆژ
دوهفته نامەی ئینتمایی / فرهنگی / اقتصادی
شماره ۳
سه شنبه ۱۱ بهمن ماه ۱۳۹۰ ۳۰۰ تومان

ئاهەنگی ڕێزلێنانی هونەرمەندانی کورد لە سنە بەڕێوەچوو

سنە- لە ڕێ و ڕەسمێکدا کە لە لایەن دامەزراوەی خێرخوازی ڕۆجیار و فێرگەی هونەریی ماهوورەوە بەڕێوەچوو، ڕێز لە حەوت هونەرمەندی ناوداری کورد گیرا.

بە پێی هەواڵی کوردپرێس؛ شەوی هەینی ٢٦ی ژانوییە لە ئاهەنگێکی بەشکۆدا و بە ئامادەبوونی جەماوەرێکی زۆر لە خەڵکی کوردستان لە کۆمەڵەی فەرهەنگی و هونەری فەجری سنە، حەوت هەڵسووڕاوی بەرجەستەی بوارەکانی هونەر، مۆسیقا و فەرهەنگی کوردستان خەڵات کران. خەڵاتی ڕێزلێنانی ئەم ئاهەنگە ئاراستەی دوکتۆر» قوتبەددین سادقی» نووسەر و دەرهێنەری شانۆ، «هادی زیائەددینی» نیگارکێش و پەیکەرەساز،»ڕەزا ڕەزایی « مامۆستای مۆسیقا و «سدیق تەعریف» گۆرانیبێژ و ئاوازدانەر، «بیژن کامکار» ژەنیار و گۆرانیبێژ و «حسێن یووسف زەمانی» ئاوازدانەر و ژەنیار و «محەممەد ماجد مەردۆخ ڕۆحانی» توێژەر و فەرهەنگ نووسی کورد کرا.

بەرپرسانی دامەزراوەی خێرخوازی ڕۆجیار و فێرگەی هونەریی ماهوور لە وتوێژ لە گەڵ هەواڵنێری کوردپرێس ڕایانگەیاند؛ ئامانجیان لە بەڕێوەبردنی ئەم ڕێ و ڕەسمە تەنیا ڕێزگرتن لە ژمارەیەک لە چالاکانی بواری فەرهەنگ و هونەری کوردستان بووە لە ئاستی توانای خۆیاندا.

ڕاشیانگەیاند سازکردنی کۆڕ و ئاهەنگی لەم چەشنە بۆ ڕێزگرتن لە کەسانی سەرکەوتوو، هونەرمەندان ، نووسەران و ڕۆشنبیرانی کورد لە بەرنامەکانی داهاتوویان دەبێت.

دوو بەرهەمی مەعنەوی ئیلام لە ڕیزی ئاسەوارە نەتەوەییەکان

ئیلام- بەرپرسی گشتیی ئاسەواری کەلتووری، گەشتیاری و پیشەی دەستیی پارێزگای ئیلام، لە تۆمارکردنی دوو بەرهەمی مەعنەوی ئیلام لە ریزی ئاسەوارە نەتەوەییەکانی ئێران هەواڵیدا.

عەلی قاسم پوور لەوتوێژ لەگەڵ هەواڵنێری کوردپرێس، ئاشکرایکرد: گەمەی ناوچەیی پلان و ڕێ و ڕەسمی نەریتی زەماوەندی مەلەکشایی دوو بەرهەمی تۆمارکراون لە لیستی ئاسەوارە مەعنەوییەکانی ئێران.

وتیشی: دوای تۆمارکردنی ئەم دوو بەرهەمە، کۆی بەرهەمە تۆمارکراوەکانی ئەم پارێزگا لە لیستی ئاسەوارە نەتەوەییەکانی ئێران گەیشتە ٨ بەرهەم.

هەروەها بەرپرسی گشتیی ئاسەواری کەلتووری، گەشتیاری و پیشەی دەستیی پارێزگای ئیلام دوای ئاماژەدان بە توانستی ئەم پارێزگا لە تۆمارکردنی زیاتری ئاسەوارەکانی ڕایگەیاند: پارێزگای ئیلام توانای تۆمارکردنی زیاتر لە ٢٠ بەرهەمی مەعنەوی لە ئاستی ئێراندا هەیە.

لە کۆتاییدا، ئەم بەرپرسە جەختی لەسە کەونارا بوونی پارێزگای ئیلام کردەوە و بیری خستەوە کە ئیلام بە ١٩ هەزار و ٨٦ کیلومەتری چوارگۆشە کەوتووەتە نێوان پارێزگا مێژووییەکانی کرماشان، لورستان و خووزستانەوە.

کلیـــسای ئاغـازەمان

سەلام ئیسماعیل سورخ

سالی ١٣٣٦:وێنەی بەشێک لەشاری سنەکەگەڕەکی سیرووس،ئاغەزەمان ، قەتارچیان وپیرموحەممەدلەوێ دادیارە.

تۆژینەوەیەک کە ئەورۆکە زۆر گرینگایەتی پێ دەدرێ، سەرنج و ئاوردانەوە بۆ رابردوو و مێژوو و ئاسەواری مێژوویی و یارمەتی وەرگرتن لە کولتوور و فەرهەنگ بۆ رزگاری و چارەسەری چرمە سەریەکانی شارستانیەتی ئەورۆیە، بەلام بەو هەمووە زۆر کەم و بە دەگمەن لە خۆمان پرسیار دەکەین کە سەرنج و ئاوردانەوە بۆ مێژوو و ئاسەواری مێژوویی بە چ شێوەیەک دەتوانێ یاریدەری ژیانی ئەورۆمان بێت. هۆگری بە سونەتە مێژوویییەکان تەنیا ریگای داهاتوو روون ناکەنەوە بەڵکوو هەتاکوو رادەیەک لە هەل و مەرجی مێژووی خۆمان بێ خەبەرمان دەکەن و رابردوو و داهاتوو بە فێڕۆ دەدات. ئەگەر سەرنج و گرینگی دان بە مێژوو و ئاسەوارە فەرهەنگی و کولتوورییەکان بە شێوەیەک بێت کە نەبێتە پردی نێوان رابردوو و داهاتوو، ئەو کاتەیە رابردوو و داهاتوون دەبێ و لە بیر دەچێتەوە و مێژوو، شوغل و ئیشێکی بێ ڕوح و مردوو بۆ هێندێ کەس دەبێت. تەنیا شانازی کردن بە رابردوو و ئاسەواری مێژوویی وفەرهەنگی یاریدەرمان نادا بۆ بونیادی تەمەدوون و شارستانیەتی نوێ کە دەمانەوێ بونیادی بنێین. بەڵکوو داهول و تاپۆیەکی لێلاوی مێژووە کە تێکەلاو بە ئەفسانە و ئەستوورە بووە کە لە عەینی حاڵ دەبێتە هۆی لەخۆبایی بوون و بێ خەبەری. تەنیا شانازی بە رابردوو کە تێکەلاوە بە ئەفسانە و ئەستوورە، نابێتە چارەسەری ژیان! بەڵکوو دەبێتە هۆی دواکەوتووی زەینو و ئەندیشە و لەش قورسی و ترسەنۆکی و دوورەپەرێزگرتن لە دەست ئەندازی واقیعەکانی دونیای ئەورۆکە.

لە دونیایەک کە ژیانی ئینسانەکان وەک قاڵۆر، هەڵۆل و بێ نێوەڕۆک دەبێت، گەڕان بە شوێن ریگەو پێگەی تازە کە بتوانێ مانا بە ژیان ببەخشێ، میراتی فەرهەنگی کوردستان کە مانا و مەفهوومی تایبەتی خۆی هەیە دەبێ بکەوێتە بەر سەرنج و تۆژینەوە و بێ دەمارگرژی، رابردوومان بۆ باس بکات، بۆ ئەوەی نیشانە و شۆناسێک بێت بۆ داهاتوو. باش دەزانین کە هەر نەتەوەیەک شێوە و (پیسکۆلۆژی) تایبەت بە خۆی هەیە کە لە هەموو ئەستوورەکان، ئافەریدگارانێک وەک خودا لە نێو دڵ و دەروون و مێشکی ئەو نەتەوەیە وەک دەسەلات، پێوەندی بە موعجیزەوە هەیە و دەزانین کە ئەستوورەکان ریشەیان لە وەهم و ئەفسانەدا هەیە. زۆرێک لە ئەستوورەکان مردوون بەلام ئەستوورە و ئەفسانەیەک هەیە کە پێوەندی بە نەتەوە یاکوو نژادێکی تایبەت نییە، بەڵکوو هی هەموو ئینسانەکانە بە هەر ڕەنگ و نژادێکەوە، یانێ هی تەواوی ئینسانەکانە، ئەو ئەستوورەیە بە پێچەوانەی میتۆلۆژی کۆن و فەوتا و لە سەر ئەفسانە و حەقایەت راوەستاو نییە، بەڵکوو ریشەی لە راستییەکان دایە، هەر لەبەر ئەوە ئەستوورەکە کۆن نابێت و کۆڵەکەی ئەو ئەستوورەیە، زانایی و هونەر دوو خوداوەندگاری گەورەیە کە زاڵە بە سەر نێوەرۆک و زاتی بەشەر. زانینی ئاسەوار و کولتوور وشوێنی چاک و خراپی لە سەر کۆمەڵگا رۆحێکی گەورە و ئینسانی دەوێ کە ئەویش ولاناتی تەعەسووبی ئایینی و نەتەوەیی کە راستییەکان لەوەی زیاتر پێشێل نەبن و ئێمە لەوە زیاتر رابردووەکانی خۆمان نەدەینەوە. بیرەوەرێکی تاڵی مندالی زۆرم دەهەژێنێ و ئاڵۆزم دەکات، هەرچەند وەک بیرەوەرێک باسی ناکەم، بەڵکوو واقعیەکی حاشا هەڵنەگرە، بەشێک لە مێژووی ولاتەکەم بووە. زۆر منداڵ بووم، مالمان لە ئاوایی عەزیز کەند کە هەڵ کەوتۆتە ٣٠ کیلومەتری رۆژئاوای شاری بۆکان، کە لە گەڵ ئاواییەکانی خوراسانە، نۆبار، سێوەالدین، و داڕەگردەلە هاوکەوشەنن و مەزرایان لێک دەگەڕێتەوە، پیاوێکی خوێن تاڵی بەسالاچوو، خەڵکی ئاوایی خۆراسانە هاتووچۆی (عەزیز کەندی) دەکرد، مەنشوور بە (ئەحمەد جووکۆژ) کە دێتم بەو نێوە تاسام، لە بابم پرسی بۆ پێ دەلێن ئەحمەد جوو کوژ؟!

کوتی هێشتا لە دایک نەبوو، دوو جولەکەی وردەواڵە فرۆش کە گەریدە و دەست فرۆش بوون و ئازاریان بۆ کەس نەبوو بگرە چاکەیان زۆر لە گەڵ خەڵک بوو، هاتووچۆی ئەو مەڵبەندەیان بۆ موعامەلە دەکرد، پشت ئاوایی بە ناحەق کوشتنی کەس لە خێنی ئەوانەی نەپرسی، ئەحەممەد جوو کوژ وەک ئەوەی مێشوولەیەکی لێ میوان نەبێت دەیکوت (خەزام کردووە! خەڵک بە نێوی دین پەروەری چاوپۆشیان لەو تاوانە گەورە کردوو یاسایەکیش لە گۆڕێ دا نەبوو، ئەو پیاوکوژە بە سزای خۆی بگەیەنێ، ئەلحانەکەش قیت و قۆز دێ و دەچێ، نێوی ئەحمەد جووکوژی ئاوە بە سەردا ماوەتەوە. ئەوە کۆنە برینێکە کە نامەوێ خێ بە برێنەوەکەم بەلام لە بیرەوەری من دا قەت گۆشتەزوی نەهێناوەتەوە. بمانەوێ بەشێک لە مێژووی ولاتەکەمانە، هەر چەند باس کەم، بنووسم پێ لە جەرگی خۆم دەنێم! بەلام حەقیقەت و راستی خاوێنە، ئەگەر دەمانەوێ خاوێن بمێنینەوە. شەپۆلی بێ بڕانەوەی ڕۆژ و ظەو دێت و رادەبڕێ، حەوتوو مانگ و ساڵ بەسەردەچێ تاریکی و رووناکی ژیان بەردەوام و لە جێیەکی دیکە لەنگەر دەگرێت، وەک لەنەگری کات ژمێر هێدیو قورس بەلام بە چرکە. بۆن و بەرامەی سروشت لەگەڵ وەرز و ساڵ دێت و دەچێ داستان و حەقایەکی پایيز، حەقایەتی زەردبوونی گەلای دارانە، وەرین و دارمان زستان بۆنی مات و بێ دەنگی مردن، بۆنی کۆچ، بەلام کۆچ لە رەنگێکی دی و لە وەرزێکی‌دێ کە ژیان لهبەهارێکی دێچەکەرە بگرێ و پڕەسلێرکەکان باڵ بگرن و ترپەی دڵی ژیان لێ بدا و سروشت بۆن و بەرامەی ژیانەوەی بۆ هەموو لایەک بە دیاری بێنی، بەلام کۆچ و بارکردنی ئینسان لە ولاتێک کە دڵی هەڵ دەکەندرێ، حەقایەتێکی دیکەیە!

دەمێکە بە هۆی کار و کاسبی لەگەڵ داربەڕوکانی دارستانەکانی خواروی کوردستان، هەناسەمان لێک دەگەڕێتەوە، چاوەزیتەکانی سمۆرەکان کە بە دارە گۆزەکاندا هەڵ دەگەڕێن دوندی بەرزی چل چەمە و کوڕەی میانە دەم خاتە وت و وێژ لەگەڵ خاک و ئاو. شاری سنە، شارستانیەتێکی گەشاوە. تایبەت بە خۆی هەیە کە ئەورۆکە ناوەندی پارێزگای کوردستانە و سێ سەدە لەوە پێش پایتەختی ئەردەلانەکان! لە هەمان کات مێژوو حەقایەتی بەشێکلە کلیمیەکان و ئەرمەنیەکان بوون کە لەو شارە نیشتە جێ بوون و خاک و ئاویان بووە، هەروا حەقایەت و داستانو گەنجێکی سەربەمۆرە.

لە سەندێکی کۆنی کونسولی رووسیە لە سەنەدا حەشیمەتی شاری سنە لە ١٦٠ ساڵ لەوەبەر ئاوا بەراوەرد دەکا تەواوی حەشیمەتی سنە ١٠٢٤٠ کەس بووە کە ٦٠٠ کەسیان یەهوودی، ٣٠٠ کەسیان هەرمەنی و ٢١٢٠ ماڵی تێدابووە کە ١٠٠ ماڵیان هی کلیمیەکان بووە و ٦٠ ماڵی ئاسۆرییەکان. عمارەتێکی زۆر کۆن و مێژوویی ئەو شارەیە هەڵکەوتوو لە خوار گەڕەکی ئاغەزەمان، ئەورۆکە بە بێ نازی ماوەتەوە. دووبارە حەقایەتی پاییز و زستانی لە بن نەهاتوو کە قەت بەهاری بە سەر دانەهاتەوە. داستانی کۆچی کلیمیەکان و ئاسۆرییەکان لەو شارە داستانی سەفەری بێ گەڕانەوە دلیان هەڵ کەندراو وەکوو کۆچی پڕەسلێر کە بۆ هەندەران و .....

لە جێژنی سەری ساڵی تازەی میلادی ٢٠١٢ (کریسمەس) رۆژی لەدایک بوونی حەزرەتی عیسا، پێغەمبەری سولح و ئاشتی درود و سلاوی خودای لێ بێ بۆ تۆژینەوە و دیتنی ئەو کلیسایە بە ئاغەزەمان دا تێ دەپەڕم.

ئاغەزەمان یەکێک لە گەڕەکە کۆنەکانی شاری سنەیە، کە دانیشتوانی زۆتر کەلیمی، ئەرمەنی بوونبۆ بیرەوەری بەشێک لە بنەماڵە نێوە بە دەرەوەکانی هەرمەنی و کەلیمی کە لە پێش کەوتنی شارستانیەتی ئەو شارە نەخشی بەرچاویان بووە و بۆ پەرە پێ دانی عیلم و زانایی تێ کۆشان دێنمەوە.

بەشێک لە بنەماڵە کەلیمیەکانی شاری سنە

١- بنەماڵەی زەرینیەکان: کە زۆربەیان کاسەب و لە بازاردا بوون

٢- بنەماڵەی براتییان: کە لە بازاڕی ئاسەفدا عومدە فرۆشی کەل و پەلی‌ماڵی بوون و بە ئینسافەوە موعامەلەیان لەگەڵ خەڵک کردووە، و بە قیست لە بەر بێ پووڵی شتیان بە خەڵک فرۆشتووە

٣- بنەماڵەی مشکین فامەکان: کە دوکتووری نیوەبەدەرەوەبوون و لە بازاڕیش دووکانیان بوو.

٤- بنەماڵەی سێونێکان: کە لەو بنەماڵەیە پزشکی ژن و پیاویان تێدا بوو لە بازاریش دووکانیان بوو.

٥- بنەماڵەی سادەق نوریەکان: ئەوانە بازاڕی بوون و فروشیلرس رادیوو و کەرەسەی سەوتی بوون و لە شەقامی شاهپور دووکانیان هەبوو.

٦- بنەماڵەی وجدانیەکان: ئەوانە دار و ساز و دووکانی دواخانەیان هەبوو لە خیابانی شاهپوور.

٧- بنەماڵەی مسیح: ئەو بنەماڵەیە فروشیاری داروودەرمانی گیای سرووشتی بوون و خواردەمەنیشیان دەفرۆشت و لە بازاڕی ئاسەفدا دووکانیان هەبوو.

٨- بنەماڵەی دوکتوور تەبیب زادە: ماوەیەکی زۆر رەئیسی نەخۆشخانەی سنە بوو.

٩- بنەماڵەی دوکتوور ئەجلال: کە پزیشکی قانوونی شاری سنە بوو.

١٠- بنەماڵەی دوکتوور ئەمینی: کە بنەماڵەیەکی گەورە بوون کە ددان ساز و ددان پزشک و دوکتوور تایبەت بوون یەکێکیان دوکتووری ئەرتەش بوو کە لە شەڕێکدا کوژرا.

١١- بنەماڵەی ئاقاجانێکان: کە سێ برا بوون و تاجری نێو بازاڕ بوون کە بە شێوەی عومدە وێکە باری میوەیان موعامەلە دەکرد.

١٢- بنەماڵەی مسرییەکان: ئەو بنەماڵەیە ملک و ماڵیان زۆر هەبوو زۆتر لەگەڵ هەرێمی دیواندەرە موعامەلەیان دەکرد.

١٣- بنەماڵەی کالانێکان: ئەو بنەماڵەیە قوماش فرۆش بوون.

١٤- بنەماڵەی سەرافی کان: ئەو بنەماڵەیە لە بازاڕدا دووکانیان هەبوو و دوکتوور سەرافی پیاوی گەورەی ئەو بنەماڵەیە بوو، کە ماوەیەکیش پزیشکی قانوونی شاری سنە بوو.

١٥- بنەماڵەی نورئۆمید: کە زۆتر فرۆشیار و لە بازاڕدا بوون و کەرەسەی دەنگ و رەنگیان دەکڕی و دەفرۆشت.

١٦- بنەماڵەی غەبیری: ئەوانە وردەواڵە فرۆش بوون و بەرمۆر و شتی ئەنتیکەیان دەکڕی و دەفرۆشت و هاتووچۆی ئاواییەکانی دەوری سنەیان دەکرد.

١٧- بنەماڵەی پنحاس حەنۆکە: کە تەواویان لە بازاڕدا بوون، تەنیا کەسێکیان نەبێ لە ئەرتەشدا خزمەتی دەکرد و زۆر بنەماڵەی دیکە کە ئەلحانەکەش کەنیسەکەیان لە گوزەری سیروسدا ماوەتەوە و رۆژانی شەممە دەچوونە کەنیسە و بانگ و سەلایان هەبوو کە پێش نیو ژیان نێوی (خەلیقە یایا) بوو کە بۆ بیرەوەری زۆتر دەتوانین کتێبی (شارەکەم سنە) لە مامۆستا محی الدین حەق شناس چاو لێ کەین.

بەشێک لە بنەماڵەی هەرمەنییەکانی گەڕەکی ئاغەزەمان:

١- بنەماڵەی پانووسی کان: کارمەندی ئیدارە دەوڵەتییەکان بوون و کاسب و بازاڕیشیان تێداهەبوو.

٢- بنەماڵەی هورموزی کان: ئەو بنەماڵەیە تەواو فەرهەنگی بوون و مامۆستای مەدرەسەکان و دەبیرستانەکانی شاری سنە بوون.

٣- بنەماڵەی هورمزییان: ددانساز و مامۆستای مەدرەسەکانی شاری سنە بوون.

٤- بنەماڵەی ئاداری کان: فەرهەنگی و دەبیری زمانی ئەنگلیسی بوون و لە مەدرەسەکان دەرسیان دەگوت.

٥- بنەماڵەی سەلیبێکان: پزشکیاری نەخۆشخانە و کارمەندی ئیدارات و دووکاندار بوون.

٦- بنەماڵەی یەسوعیەکان: گەورەی ئەو بنەماڵەیە کارمەندی گەورەی پێشکارای ئیدارەی دارایی بوو لە فەننی عەکاسیدا ماهیر و مامۆستا بوو. کە لەو جێگای ئەورۆی بانکی میللی مەرکەزی بە نێوی (عەکاسی کەلدانی) و لە شوێنی خیابانی شاهپوور بە نێوی عەکاسی (ساکۆ) وێنەگری هەبوو.

٧- بنەماڵەی گەرگیزییەکان: ئەوانە چوار برا بوون بە نێوی مسیوپۆلوسی گەرگیزی کە مامۆستای وێنەگرتنی جەناب ئوستاد هووشەنگی رادپوور بووە و ماوەی ١٤ ساڵ بە لایەوە کاری کردووە، برایەکییان کارمەندی قەندوشکر بوو، برایەکی دیکەیان لە ئەرتەشدا بوو، ئەوی دیکەیان لە سنە نەبوو.

وێنەی گەڕەکی ئاغەزەمان:بەشی زۆری ماڵە کلیمی وهەرمەنێکانی سنە لەوگەڕەکە

چاوشارەکی/ زمان/ نوستالۆژی/ مودرنیتە

جە بار ئە حمەدی

کۆمەڵە چیرۆکی چاوشارەکی نووسراوی سراج بناگەر بە زاراوەی ئەردەلانی بریتیە لە کورتە چیرۆک گەلێک کە رووداوەکانی هەموویان لە یەک شوێن و کات و ئەتمۆسفێردا و لە پەراوێزی یەک کەسایەتیدا «خلێ» زنجیرە چیرۆکێک پێک دێنێ هەرکامیان بە تەنیا و جیا لەوانی دی چیرۆکێکی تەواوە. ئەوەی لە چاوشارەکیدا بەر لە هەموو شتێ بەرچاو دەکەوێ رەوایەتێکە لە ژیان و کولتووری خەلکی سنە لە سەردەمێکی تایبەتدا- رەنگە نیوەی یەکەمی سەدەیە- مێشکی ئیسقانی مرۆڤی ئەو سەدەیە لە بابەتە جوراوجۆرەکانی چیرۆکەکاندا بەرچاو دەخاو لێ رادەمێنێ، دیارە ئەم روانینە وەکوو راپۆرتێکی کۆمەڵناسانە نیە و ئێمە لە دێڕ بە دێڕی چیرۆکەکاندا ئەوەمان لێ ون نابێ کە خەریکین ئەخوێنینەوە و چێژی لێ وەردەگرین.

کاکڵەی خۆشی ناوەرۆکی حەشاردراوی ژێر رەوایەتەکان دەتوانن بابەتگەلێک بن کە مرۆڤ موجەڕەد لە شوێن و کات بەرانبەریان ئەبێتەوە بەلام لێرەدا بەستراونەتە شوێن و کاتی چیرۆکەکانەوە واتا بابەتەکان و کێشەکان وەکوو بابەت و قەیرانی هەموو مرۆڤێک بە گشتی باس نەکراوە و تەسک کراوەتەوە بۆ کەسایەتی و کاتی چیرۆکەکان. ئەمە وای کردووە، خوێنەر تەنیا بە ئۆتوبووسی نوستالۆژی ئەتوانێ بەرەو چاوشارەکی سەفەر کات.

زاراوەی ئەردەلانی ئەم پرسیارەمان دیسانەوە بەرچاو دەخا: بوونی زمانی یەک گرتوو ریگا بە نووسەرەکان ئەدات بە زاراوەکانی زمانی کوردی بنووسن؟

ئەگەر روانینی ئێمە لە زمانی یەک گرتوو زاراوەییکی هەڵبژاردە بێت و پاشماوەی زاراوەکانی بەزاندبێت، ئەم هەڵە گەورەیە ریگا لە نووسین بە زاراوەکانی دیکەمان لێ ئەبەستێ و دیلەوانێکیش بە دیاریەوە دەنێ. بەلام ئەگەر زمانی یەکگرتوو پێکهاتەیێک لە هەموو زاراوەکان بێت و لە هەمووی تواناکانی زمانی کوردی بە گشتی کەلک وەربگرێ، ئاسەوارگەلێک وەکوو چاوشارەکی ئەبنە ریخۆشکەری تواناکانی زاروە بۆ ڕۆیشتنە ناو زمانی یەکگرتووەوە بەو مەرجەی هەموو خوێنەری کورد زمان کە هەر شوێنێکی کوردستان دا بتوانێ لەگەڵ ئەو دەقەدا پێوەندی درووست کات. دیارە لە چاوشارەکیدا بێ پێش روانگەیێکی نوستالۆژیک تەنانەت بە زماندا ئەم پێوەندیە زۆر زەحمەتە.

بێ گومان چاوشارەکی دەتوانێت بەلگەیێک بێت بۆ رافە و رامانی کۆمەڵناسەکان- لەم روانگەوە وەکوو «شارەکەم سنە»ی مەحیەدین حەق شناس کێشەی چاوشارەکی بۆ گەیشتن بە تێگەیشتنی خوێنەرەکەی جیالەوەی زاراوەی ئەردەلانی بەشێکی کەم لە خوێنەری کورد ئەگرێتە بەر، بەرتەسک بوونی پەیوەندی ورده کولتوورەکانی شوێنی چیرۆکەکان لەگەڵ ورده کولتوورەکانی شوێنە جیاوازەکانی خوێنەرەکانیە و ئەمە کێشەی زۆربەی دەقەکان و خوێنەرە کوردەکانە، بۆ وێنە ئەدەبیاتی بەرگاراژی لە هەر شار و ناوچەییکی کوردستاندا جیا لە ناوچەکانی ترە و راگەیاندن و هەڵسووکەوتی بابەتە لەگەڵ وەک یەکەکانیدا لە شوێنەکانی تردا بە هۆی هەزار و یەک ئەگەری زامباری قوولەوە زۆر کزولاوازە، ئیتر قەیرانی دوورکەوتنەوەی زمانی نووسین و زمانی ئاخاوتن با بمێنێ.

بە ئەم هەموو گیر و گرفتەوە چاوشارەکی توانیویە درگای بابەتگەلێکی گرینگ لە سەرنجمان بکاتەوە؛ یەکێ لەو بابەتگەلە بەرانبەر بوونەوەی کەسەکان و کۆمەڵگا لەگەڵ ئایینداید کە بە جوانترین شێواز دەردەکەوێ. ئایین لە کۆمەڵگای چاوشارەکی ئێمەدا لە فیلتەری کولتوور و باوەڕە کونەکانمانە و دێتە دەر و لە روانگەی کەسایەتیەکاندا ساو دەدرێ و کاڵ و نەکولاو بۆ کەس قووت نادرێ کەوابوو جەماوەری چاوشارەکی جەماوەرێکی راسیونالیستە «راسیونالیست: عەقلانیەت لە بەرانبەر ئیمانی کویردا»

یەکێ تر لەو بابەتانەی شیاوی باس بێ مۆدێرنیتەیە. کۆمەڵگای چاوشارەکی لەگەڵ مۆدێرنیتەدا سازی نەسازم ساز دەکات، هەر ئەو تامەزرۆیی و حەسرەتەی لە روانین بەرەو رابردوودا بەرچاو دەکەوێ بتەوێ یان نە ئەم شتە زەق دەکاتەوە بۆ وێنە لە چیرۆکی «هەنار»دا بە تایبەت لە قسەکانی «کاکەسێ»دا. چاوشارەکی نەک وەکوو رخنەگرێکی مۆدێرنیتە، بەلام وەک دژایەتییێک لەگەڵ مۆدێرنیتەدا دەردەکەوێ، بە بڕوای من ئەمە راستییێکی کۆمەڵگای ئێمەیە کە لە چاوشارەکیدا رەنگی داوەتەوە ئەمەش لەبەر ئەوەیە ئێمەی کورد مۆدێرنیتەمان بە ئەزموون گەلێکی ناشیرین و تاڵەوە ناسیوە، وەکوو کەرەسەگەلێکی وێران کەر وەکوو تانک و تۆپ و ماشینی سەربازی و دابڕان...

«ئاژەڵداری لە کوردستان بۆ کوێ دەچێت؟!»

سەباح حەسەنی (هۆرامی شیان)

کوردستان لە مێژووەوە بە بۆنی سرۆشتە بەنرخەکەیەوە شوێنی ئاژەڵداری و وەرزێری بووە و خەڵک داهاتی خۆیان لەو رێگاوە بەدەست هێناوە؛ جگەلەوەش چۆمو و ئاوی زۆری کوێستان و چیاکان، باشترین نموونەن بۆ ئەو ئیش و کارە؛ بەلام بەداخەوە ئێستا گیروگرفتی جۆراوجۆر و تاقمێک بێ سەرپەرشتیاری لە لایان کاربەدەستانی ئەو شۆغلەوە بووەتە هۆی ئەوەی کە مرۆڤی ئەم سەردەمە کەمتر ئاژەڵداری بکات و ئەمە دەردێ گەورەیە کە قەد نابێ پشت گوێ بخرێت...!

بە پێچەوانەوە لە بواری وەرزێری رۆژ بە رۆژ خەڵک بە تێکنۆلۆژیای تازە خۆیان ئاشناوە ئەکەنەوە و لەبارەیەوە تاڕادەیێک بەرپرسان یارمەتی دەری وەرزێرانن!! بەلام ئاژەڵداری کەمتر دەکەوێتە بەرچاو. خەڵک ئەڵێن ئێمە لە ساڵدا نۆ مانگ خەریکی ئەم کار و رەنجەیی بەلامیان ئاژەڵەکانمان تووشیاری نەخۆشی ئەبن یان دز تالانمان ئەکات یان بە نرخی کەم کڕیاران لێمان وەرئەگرن.

لە راستیدا ئەم گرفتانە یەک یەک ئەبێ ولام بدرێنەوە و رێگای چارەسەری بۆ بدرۆزێتەوە... ئاژەڵداری ئەتوانێ گەورەترین سوودی هەبێت بۆ وەلات و زێدی هەر مرۆڤێک و ئەو کۆمەڵگایە باشترین بەهرەی لێ وەربگرێت.

کوردستان کێو و شێو و دۆڵی پڕە لە گوڵ و گیای جۆراوجۆر کە هەرکامێکیان بۆنی خۆی و تامی خۆی هەیە. بۆ ئاژەڵداری زیاتر لە گیای بە نێو «لۆ» کەلک وەرئەگیرێ کە ئەمە لە بواری خوراکی بۆ ئاژەڵ زۆر بەنرخە و زیاتر ناوچەکانی هەورامان بە گشتی تەخت، لهۆن و ژاوەرۆ و هەروەها سارال و تاقمێک لە شارەکانی دیکەی کوردستان هەڵبەت کوێستانەکانی بەدەس دێت.

ئەبێ خەڵک ئاگادار بکرێنەوە رەوشی چۆن کەلک وەرگرتن لەو گیایە چۆن بێت!! لێرە ئەو کەسانە بەرپرسیارن کە وەکوو کارناس لە شوێنە راگەیاندنەکان ئاگاداری بدەن. بۆ بەرگری کردن لە تالان و دزی، هاوکاری و پشتیوانی هێزی چەکداری حکوومی تایبەتی ئەوێت کە ئەویش لە ئەستۆی بەرپرسانی تایبەتە! بۆ کڕین و فرۆشتن، شوێنی تایبەت و لە ژێر چاودێری دەزگای تەندروستی دیاری بکرێت تا خەڵک لە هەموو بوارێکەوە ئاسوودە بن.

لەئێرەشدا بە تاقمێک لە تایبەتمەندیەکانی ئاژەڵ و ئاژەڵداری ئاماژە ئەکرێت. جگە لە گۆشت، شیر، ماست، کەرە، سیراج، کەشک، ڕۆن لە پێستی ئاژەڵ: مەشکە، کونە، دەف و هەحانە، بێژنگ و ئێلەکیان درووست کردووە، لە مووی بزن: مەرەز چۆخە، رانک و چۆخە و کولەباڵ، لە پێستی گایش: کەوش و کاکڵەیان پێ درووست دەکەن و لە رێخولەیش هی مەڕ و بزن ژی درووست ئەکرێت بۆ هەلاجی و هەروەها تیروکەمان.

ئەمانە تەنیا بەشێک لە تایبەتمەندی ئاژەڵە؛ ئێستا بیرکردنەوە و روون کردنەوەی تەواوی ئەبێت بۆ ئەو کەسانەی ئەیانەوێت ئاژەڵداری لە کوردستان پەرەی پێ بدرێت یان بە پێچەوانەوە!!

دوهفته نامه‌ی اجتماعی / فرهنگی / اقتصادی
ئاگری ڕۆژ
شماره ۳
سه شنبه ۱ | بهمن ماه ۱۳۹۰ | ۳۰۰ تومان

اوراماناتات از لحاظ امنیت در وضعیت بسیار مطلوبی قرار دارد.

روانسر خبر : فرمانده قرارگاه شهید کاظمی در نشست با عشایر شهرستان روانسرگفت : منطقه اوراماناتات از لحاظ امنیت در وضعیت بسیار مطلوبی قرار دارد.
به نقل از سامانه اطلاع رسانی فرمانداری روانسر: سردار ظفری افزودتقویت دو بنیه روحانیت و عشایر می تواند سهم بسزایی در ایجاد امنیت پایدار در منطقه داشته باشد.
هدف همه ما توسعه و اقدار کشور و نظام است و این جز با امنیت پایدار محقق نخواهد شد و ایجاد این امنیت نیازمند همراهی هر چه بیشتر عشایر با مرزداران منطقه است.
وی همچنین از لباس عشایر به عنوان لباس عزت، افتخار و جوانمردی یاد کردو اظهار داشت: عشایر باید به این شکوه، عظمت و بصیرت افتخار کنند.
فرمانده قرارگاه شهید کاظمی تصریح کرد: امروز به یمن وحدت و هوشیاری مردم، منطقه اوراماناتات از لحاظ امنیت در وضعیت بسیار مطلوبی قرار دارد.
فرامرز آقایی معاون فرماندار روانسر نیز گفت: در اعتبارات عمرانی سالجاری این شهرستان ۱۲۵ میلیون ریال برای آبرسانی سیار و جایگزینی سوخت فسیلی عشایر اختصاص یافته است.
در ادامه این نشست مراد باباخانی بخشدار مرکزی روانسر با اشاره به اینکه عشایر نقش برجسته ای در رشد وتوسعه اقتصاد جامعه دارند افزود: عشایر در طول دوران دفاع مقدس و در تمام عرصه های انقلاب حضور موثری داشته و نقش بسیار مهمی در تامین امنیت و اقتصاد جامعه ایفا می کنند.

اینجااوراماناتاتاست، رودهن و بومهن کردستان

دکترنظیف محمّدی– رئیس پلی کلینیک تامین اجتماعی استان کردستان

در آن سوی کرانه‌های باختری غروب غم‌انگیز سرزمین ایران در یکی از مرتفع‌ترین اقامتگاه‌های زیستی زاگرس، سرزمینی به سان عروس زیبا در دل کوه‌های سربه فلک کشیده‌دوران عصر آرامش فکری خود را طی می‌نماید، سرزمینی که در آن نمایه‌های دوران مدرنیته با آرامش و دزدکی به صورت پاورچین و به زور توانسته خود را در دل این سرزمین اهورایی جا کند، سرزمینی که نام میمون و مبارک «هه‌ورامان» یا اورامانات را چون مدالیای افتخارآمیز بر سینه سترگ خود آویزان نموده‌است. سرزمینی که مردمان دیارش همیشه در طول سال درازترین روزهای سال را تجربه می‌کنند، اگر در سرزمین خاوران ایران «خراسان» خورشید خوشه‌های طلایی خود را برای اولین تجربه در این منطقه زرافشانی می‌کند در اورامانات آخرین دقایق لذت دیدن زرنگار آفتاب را مردمان «هجیج و هانی‌گرمه‌له» تجربه می‌کنند. خورشید نفس زنان آخرین دیدار لحظه‌های خود را با مردمان این سرزمین وداع می‌گوید. اورامانات به تنهایی سرزمین و منطقه نیست بلکه دژ و پادگان حفاظتی از سرزمین‌های مجاور خود می‌باشد، اورامانات را هر چند بلاد متکلمان لهجه زیبای کوردی «هه‌رامی» می‌دانند اما به مرور زمان تعریف سنتی خود را از دست‌داده‌و با نواحی مجاور خود در سرزمینی بزرگتر به نام اوراماناتات ادغام شده‌است، اوراماناتات منطقه‌ای بسیار وسیع‌تر از تعاریف کلیشه‌ای و سنتی‌است که بر این سرزمین اطلاق می‌گردید، اوراماناتات را امروزه با شهرستان‌های پاوه، جوانرود، روانسر، ثلاث باباجانی بیشتر می‌شناسیم و آنرا رصد می‌نمائیم.
هر چند در طول تاریخ پرفراز و نشیب مردمان اورامانات که نقش بسزایی در بازسازی و پیشبرد گفتمان‌های تاریخی، ادبی، فرهنگی صنعتی داشته و دارند اما همیشه صعب‌العبور بودن منطقه و کوهستانی بودن آن از عمده‌ترین تنگناهای تشکیل شهرنشینی در این منطقه بوده، ابن‌خلدون پدر جغرافیا، شهرها را محصول شرایط یکجانشینی انسان‌ها و قرارگرفتن نواحی زیستی در دشت‌ها و کوهپایه‌ها می‌داند، اما مردمان اورامانات بخاطر محصور بودن در محدوده‌کوه‌ها از یک‌طرف و از طرفی دیگر عادت نکردن به یکجانشینی و پرداختن به شغل دامپروری و تردد درمحدوده‌های ئیلاقی و قشلاقی منطقه هیچ‌گاه نتوانسته‌اند اقامتگاه‌های زیستی خود را توسعه داده و بنیان شهری با مختصات فرهنگی و زبانی، شهری با لهجه «هه‌ورامی» زبان را پی‌ریزی نمایند، اورامانات در طول تاریخ بر افتخار خود به علت ارتفاعات سربه فلک کشیده‌اش، نبود جاده و راه‌های مواصلاتی و نداشتن ارتباط با دیگر نواحی سرزمین ایران و وجود نقیصه‌ها و ناملایمات اداری برای دیگر مردمان فلات مرکزی ایران و حتی مجاوران اقلیمی این دیار، اورامانات همیشه سرزمینی ناشناخته و به سان جزیره‌ای متروکه بوده‌سرزمینی که در عصر ارتباطات حاضر نیز برای گردانندگان فکری و تحقیقی معاصر نیز سرزمینی همیشه قابل کشف و ناشناخته باقی مانده‌است. ارتفاعات شاهو و گردنه ته‌ته چون دو دژ مستحکم و غیرقابل نفوذ همواره دروازه‌های ورود به این منطقه بکر و مستعد چه از لحاظ انسانی و چه از لحاظ طبیعت گردشگری محسوب گردیده‌اند. نگهبانان اورامانات «ته‌ته و شاهو» با امانتداری هرچه تمام هزاران سال‌است از این دُرّ گران‌بهای زاگرس پاسداری کرده‌و هیچ‌گاه نگذاشته‌اند زبان و ادبیات و فرهنگ این دیار در ادبیات‌های وارداتی ادغام گردد، آری این دیار نیازمند کشف و کاوش نیست، اورامانات امروز نیازمند مدیریت اجرایی و اداری مستحکمی‌است که بتواند سرزمینی را که هزاران سال‌است در آن کارگاه‌های تولید کفش مشهور کردستان «کلاش» البسه کوردی «مرض» اقلام مورد نیاز آشپزخانه«قاشق و بشقاب و...» در آن دایر بوده‌و جریان جهانی شدن در حال تعطیل کردن آنها می‌باشد را دریابد، آری اینجا اوراماناتات است، رودهن و بومهن کردستان اگر رودهن و بومهن در حواشی شهرتهران پر از گرد و غبار و آلودگی های صوتی‌است اینجا رود سیروان‌است که شب‌هایش صدای دلنشین خود را همراه با ریتم‌ها و آهنگ سازهای زیبایش گوش مهمانانش را نوازش می کند، این صدای‌استاداسماعیل صابور، «کاک جمیل و کاک محمدحسین کمنه‌ای»است که شب‌ها ساکت و خاموش اورامانات را به وجد و سماء درمی‌آورد صدای‌استادکاک عادل نادری‌است که با صدای دلنشینش لغات زیبای اورامی را در اُپرای طبیعی اورامانات وادار به رقص و پایکوبی می‌کند. اورامانات همواره در اوائل ورق زدن سررسید تاریخ این مرزوبوم تابحال با وجود در حاشیه بودن و دور بودن از مراکز حکومتی و مراکز تحصیلی و مراکز شهرنشینی از یک نوع مدیریت خودگردانی و اتونومی فرهنگی برخوردار بوده‌است وجود علماء و مدرسان مبرز و نخبگان دینی و فرهنگی نامداری چون‌استادملاعبدالکریم مدرس بیاره که به حق لقب شیخ‌الاکراد که از سوی

نگهبانان اورامانات «ته‌ته و شاهو» با امانتداری هرچه تمام هزاران سال‌است از این دُرّ گران‌بهای زاگرس پاسداری کرده‌و هیچ‌گاه نگذاشته‌اند زبان و ادبیات و فرهنگ این دیار در ادبیات‌های وارداتی ادغام گردد

مفتی‌الازهر مزین نام مبارکش گردید، ملاشفیع پاوه‌یی، ملا عیسی کلاشی، میرزاصیدی هه‌ورامی، استاداحمدنذیری، ملازاهدضیایی، استادکاک احمدمحمدی، ملا محمدامین کلاش،میرزا آقا عنایت جوانرودی، استادسید محمد طاهر هاشمی، شیخ محمدسعیدنقشبندی، مرحوم ملامجیدموحدی دولت آباد و از شاعرانش: مرحومان میرزااحمد داوشی روانسر، میرزا عبدالقادر پاوه‌ای، میرزا لطف‌الله سعیدی جوانرودی و ده‌ها شاعر و متکلم دیگر که از دانشگاه‌های محلی به نام حجره که همان مکان تعلیم و تربیت علمای دینی که کردستان می‌باشد شاهدی دیگر بر این مدعاست که اورامانات این سرزمین آتشکده‌های خاموش به تعلیم و تربیت فرزندانش همواره اهمیت داده‌و هرچند به صورت رسمی تا اوائل انقلاب اسلامی جز در شهر پاوه در هیچ کدام از قصبات و روستاهای اورامانات مدرسه به شکل امروزه فعالیت نداشته‌است اما وارثان فرهنگی و مذهبی این دیار افسونگر در حجره‌ها علاوه بر تدریس علوم شریعه توسط اساتید محل به تدریس شعر و زبان و ادب کوردی اقدام کرده‌و نوعی از مدیریت فرهنگی و مذهبی مستقل جدا از حکومت‌های مرکزی را برای خود اختیار کرده‌اند، اوراماناتات امروز همان طور که قبلا ذکر شد مرزهای مسدود خود را شکسته و حدودات اقلیمی خود را از ارتفاعات شمشیر و شاهو به دشت‌های روانسر تطویل نموده‌است دیگر امروزه اوراماناتات خود را تنها مختص به یکجانشینان لهجه زیبای هه‌ورامی محدود نمی‌بیند در آن سوی مرزهای اورامانات پیوند فرهنگی و تعامل لهجه‌ای با سورانی نشینان ثلاث باباجانی، جوانرود و روانسر در شرف شکل گرفتن‌است. اگر تا دیروز اورامانات را تنها با جاده‌صعب‌العبور در بند دزلی به طرف پاوه و عبور از گردنه مرگ‌آور ته‌ته و ادامه‌ی آن به طرف جاده‌مواصلاتی شوشمی می‌شناختیم و همه‌جا در تصرف کوه و صخره بود حال اورامانات را با دشت زیبای روانسر نیز می‌توان پیگیری نمود، سرزمین اوراماناتات از نظر اقتصادی و صنعتی یکی از نواحی فقیر ایران‌است، تنها درآمد این مردمان کولبری از مرز عراق می‌باشد، هرچند اوراماناتات از طریق مرزهای رسمی شوشمی و شیخ‌صالح از طرف شهرستان‌های پاوه و ثلاث باباجانی با کشور عراق مراوده‌های مرزی انجام می‌دهد اما کاربران و فعالان اقتصادی این دو بازارچه را کسانی تشکیل می‌دهند علاوه بر سوددهی و قورخ کردن این دو بازارچه با تشکیل گردان‌های از بردگان امروزه به شکل نوین که نام کولبر را بر پیشانی صوری خود حمل می‌نمایند، اقدام به اسارت انسان نموده‌و بیش از ۷۰درصد از ما حصل بدست آمده‌از سود قاچاخ به جیب فرمانبران بنگاه‌های زودبازده‌سرمایه‌ای می رود که نام پیله‌ور را بر بالای کارت شناسایی خود ثبت نموده‌اند. در اوراماناتات دیروز که مردم برای امرار معاش خود با سعی و تلاش و بهره‌گیری از فنون و تجارب صنعتی که تابحال هیچ مورخ و پژوهشگری نتوانسته‌اند پی به این رازورموز ببرد که ساکنان اورامانات این همه صنعت را ازکجا گرفته‌اند یا اینکه صنعتی بومی و لوکال بوده و از اینجا بوده‌که حرفه‌های چون کفش دوزی و صنعت لباس به دیگر نقاط ایران زمین رفته آری در این سرزمین مردمان دیروزش صاحب یک نظام خودگردانی از نظر اقتصادی بوده‌اند، اما امروزه که می‌رود آخرین کارگاه‌های سنتی صنعتی اورامانات بدست تعطیلی سپرده‌شود و دیگر فرزندان امروز اورامانات را نه از حضور کارخانه و کارگاه صنعتی امروزی در محل خبری نیست، اینجا تمام افکار هم و غم و جلسات شبانه‌روزی جوانان برای امرار معاش به دو نکته مهم معطوف گشته‌است یا اینکه ترک وطن کرده‌و چشم به کارگری کوره‌خانه‌های آجرپزی ملایر، باغات شمیرانات و طالقان و دماوند یا کارگری بر روی عرشه کشتی در بنادر عباس و بوشهر دوخت یا اینکه برای ماندن در اوراماناتات بایستی حتماً هر شب صخره‌های مرتفع کوه‌های سایه افکنده‌بر دشت شاره‌زور و حلبچه را طی نمایند، در اینجا تحویل گرفتن مشوق‌ها و بسته‌های اقتصادی و مالی و رسیدن به یک زندگی نسبتاً مرفه و خداحافظی کردن از طیف سوم و آسیب‌پذیر جامعه و علاقه به گردش و حضور در تغییر و تحولات اقتصادی و رفاهی نیازمند عبور از مرز و تبدیل شدن به کاربری مرزنشین می باشد. مردم اوراماناتات به درازای تاریخشان با فرهنگ بهداشت عمومی آشنا بوده و دراین منطقه خبری از بیماری‌های واگیری و امروزی «ایدز و هپاتیت» یافت نمی‌شود آب صاف و گوارای محل از دیر باز به عنوان آب معدنی شناخته شده‌و آب معدنی «بل و دیوه‌زناو» دو نمونه بارز از این ادعا می‌باشند، اوراماناتات برای خود صاحب سبک مخصوص معماری ساخت و ساز می‌باشد ساخت و سازی که تمام امکانات و مصالح ساختمانی آن از محل تأمین می‌گردد از نظراستقرار واحدهای مسکونی با منطقه کردستان شهره عام و خاص هستند باغداران منطقه، طبیعت خشن و کوهستانی منطقه خود بر پایداری مردمان این دیار شهادت می‌دهد که چگونه و با چه زحمتی‌استفاده‌کردن از سیستم آبیاری سنتی که باز از ابداعات مردم منطقه می‌باشد پنجه‌های رنگین خود را به کام طبیعت ناملایم منطقه برده‌و از دامن خلق و خوی خشنش طلب نان حلال می‌نمایند، هنوز انار و گردوی باغ‌های اوراماناتات زینت بخش میدان بار کرماشان می‌باشد هرچند در این منطقه زمستان چه زود به سراغ مردمانش می‌آید لذا اواسط پائیز دیگر منطقه در حالتی آماده‌باش خود برای پذیرایی از مهمان زمستانی آماده‌می‌نماید اما جالب آن‌است حضور بهار زودتر از مناطق دیگر کردستان در منطقه لمس می‌گردد، می توان با احداث جاده‌های‌استاندارد مواصلاتی و ساخت مسافرخانه‌های سنتی مطابق با شیوه معماری سنتی منطقه چون هتل هورامان کماله هوراماناتات

را به قطب توریستی منطقه تبدیل نمود، وجود مناطق توریستی جذاب و دیدنی سراب روانسر، قلعه جوانرود، غارقوری قه‌لاجوانرود، مکان‌های مذهبی، کوسه‌هجیج، حضرت ویس‌القرنی مناطق طبیعی حوزه سیروان همیشه خروشان، سد داریان و دزآور، منطقه جذاب نودشه، هم همه گویای آن‌است که پتانسیل‌های لازم برای تبدیل منطقه اوراماناتات از منطقه راکد و ایستا به نقطه فعال و پویا مهیاست، وجود کوه‌شاهو و مراتع مطلوب پیرامون آن را می‌توانی به عنوان عاملی در توسعه امنیت پایدار اقتصادی منطقه ازحیث تأسیس واحدهای صنعتی دامپروری و کارخانه‌های جانبی آن چون شیر و لبنیات، کارخانه‌های پوست و چرم با ایجاد مشاغل ثابت برای جامعه جوان و جویای کار منطقه نام برد. هنوز نودشه و میرآباد زلان، در آرزوی ثبت نامشان در لیست شهرهای کرماشان و مستقل شدن اداری از پاوه و جوانرود به دریافت مجوز کرسی بخش‌داری به بست نشسته‌اند. در اوراماناتات طوایف و ایلات باباجانی ، تاوه‌گوزی، ولدبیگی، قبادی، کلاشی، علی آقایی، منوچهری، باشوکی، سنجابی و قلخانی از عمده‌ترین طوایف منطقه محسوب می‌شوند. سال‌هاست که با حضور همدیگر منطقه را مزین کرده‌و حذف دیگری وضعیت دموگرافی منطقه را نامطلوب کرده‌و تعامل و هم زیستی ایلات و طوایف نامبرده‌عامل ثبات و امنیت پایدار منطقه بوده‌است، امروزه دو لهجه اصیل کوردی یعنی هورامی و سورانی در منطقه اوراماناتات یک صدا و زیر سقف یک اردوگاه فکری خواستار تشکیل‌استان جدید التاسیس اوراماناتات و مستقل شدن ازاستان کرمانشاه می‌باشند. حال از منقسمان تقسیمات کشوری می‌پرسیم اگر خراسان به ۳استان شمالی و رضوی و جنوبی تعدیل یافت اگر گلستان از بافت مرکزی مازندران خداحافظی نموده‌استقلال‌استانی یافت، اردبیل از مجموعه‌ی آذربایجان مجزا گردید و هر روز در حومه‌های‌استان تهران‌استان‌های جدیدالتأسیس با نام‌های قم، البرز از پاره‌تن‌استان تهران مجزا می گردند. آیا حق مردمان سرزمین فراموشی شده‌اوراماناتات نیست که تأسیس ۳۲مین‌استان نو ظهور وزارت کشور که مولود انقلاب اسلامی نیز خواهد بود را جشن بگیرند. آن گاه که از دامنه‌های کوه همیشه سربلند شاهو به طرف پایین سرازیر می‌شوی و به شهرستان روانسر به مرکزیت روانسر می‌رسی دشت‌های طلاگونه گندم، چون عروس زیبا با لباس پرنیانی خود به ناز و عشوه می‌افتد. انگار که نقاش مصور خلقت با هنرنمایی هرچه بیشتر به خلق این تابلوی زیبای طبیعی اقدام نموده‌است، دشتی حاصلخیز و پرخیر و برکت که تا چشم همراهی می‌کند مزارع زیبای گندم چشمانت را آن چنان خیره می‌کند انگار فراموش کرده‌ای از دیار کوهستان‌های صعب‌العبور شاهو به اینجا آمده‌ای اما در آن سوی قضیه با وجود آنکه روانسر قطب کشاورزی اوراماناتات می‌باشد و دشت حاصلخیزش با دشت‌های ماهی‌دشت، دشت ذهاب، و دشت صحنه کرماشان رقابت می‌نماید اما مردمانش سال‌هاست به خاطر عدم مدیریت از توزیع ناعادلانه و کمبود سوخت بعد از حذف یارانه‌های انرژی، کودشیمیایی و سموم دفع آفات نباتی، مکانیزه شدن و تبدیل سیستم آبیاری از

امروزه دو لهجه اصیل کوردی یعنی هورامی و سورانی در منطقه اوراماناتات یک صدا و زیر سقف یک اردوگاه فکری خواستار تشکیل‌استان جدید التاسیس اوراماناتات و مستقل شدن ازاستان کرمانشاه می‌باشند.

شیوه دیم و سنتی به سیستمی پیشرفته بارانی و قطره‌ای نبود مراکز تحویل گرفتن گندم در محل بدون حضور دلّالان و واسطه‌گران برخود می‌نالند. برای مردمان شهر روانسر و مهمانان نقاط گردشگری و طبیعی«سراب» به علت عدم مدیریت صحیح و آلوده‌کردن فضای طبیعی «سراب» آن زیبایی گذشته خود را از دست داده‌و این اثر طبیعی جذب گردشگری در سال‌های اخیر نتوانسته گردشگران زیادی را به محل بکشاند، آری «سراب» روانسر وسیله جذب توریسم می‌باشد آمدن توریسم، آوردن سرمایه و رونق اقتصادی برای بازار روانسر و اقامتگاه‌های مسافر «مهمانخانه و هتل» می‌باشد.
شهرستان ثلاث باباجانی از توابع اوراماناتات که به حق می‌توان گفت اگر اوراماناتات نقطه کور سرزمین ایران از نظر اقتصادی، جذب سرمایه، بیکاری و عدم وجود تبلیغات جهت شناسایی و معرفی کردن آن به مردم دیگر نواحی این مرزوبوم می‌باشد می‌توان اذعان کرد ثلاث باباجانی از محرومترین و فقیرترین نقاط منطقه اوراماناتات می‌باشد.
شهرستان ثلاث باباجانی که مدت چندین سال‌است از شهرستان جوانرود مستقل شده و نام فرمانداری را یدک می کشد مسئولان اداری آن نتوانسته‌اند با توجه به تعریف مدیریت فرمانداری خدمات عمومی و عمرانی در حد انتظار مردم سخت‌کوش و متدین این دیار ارائه دهند. آری در ثلاث باباجانی روزانه فقر و نداری بین مردم شاباش می‌شود و شبها پدران مثل شب‌های تکراری دیگر با دستانی خالی راهی درب منازل خود می‌شوند، مردم شهرستان ثلاث باباجانی سال‌هاست که سنگربانان واقعی دفاع از حریم سرزمین ایران هستند اما به تناسب فداکاری‌های صادقانه مردمان این دیار به مرزهای پر صلابت این مرزوبوم هیچ‌گاه شهر ثلاث باباجانی نتوانسته خود را با شاخصه‌های توسعه هماهنگ نماید. هنوز رنگ‌وبوی محرومیت و آثار فقر بر چهره شهر خود نمایی می‌کند و شهر در آرامش و سکوتی مطلقه دوران خود را سپری می‌نماید. ثلاث باباجانی براستی شایسته این همه بی‌مهری نیست. هنوز بخش «ازگله» از کمبود و نارسایی‌هایی اقتصادی، خدماتی و عمرانی به خود می‌پیچید. از وجود چنان منطقه‌ای بی‌خبراست و انگار چنان بخشی در تقسیمات کشوری وزارت کشور ثبت نشده‌است.
در مرکز اوراماناتات شهر زیبای جوانرود چون نگینی بر انگشتری خودنمایی می‌کند، شهری که زمانی اکثریت قاطع آن را جاف این عشیره اصیل کردستان تشکیل می‌داد شهری که بخشی از اوراماناتات اردلان بوده‌و داستان حماسی قهرمانان این دیار با حکومت منحوس پهلوی اول بخشی رنگین از صفحات تاریخ سرزمین ایران بوده‌است را هرگز فراموش نخواهند کرد.
شهرستان جوانرود با به وجودداشتن چنین پیشینه تاریخی درخشان، جوانان امروزه را در سه راه اصلی شهر می بینی که برای کسب لقمه نانی حلال در جلو ترمینال شهر راه شهرهای صنعتی و اقتصادی دیگر را در پیش می‌گیرند و شهر را تحویل افرادی می‌نمایند که تاریخ عمرشان سپری گشته و در جریان تغییر و تحولات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی هیچ‌گونه نقش را نمی‌توانند ایفا کنند. آری شهر هر روز در حال پیرترشدن‌است. جوانان را دیگر رغبتی برای ماندن در شهر نیست. هر روز گردان‌هایی از جوانان این دیار را می‌بینی که به علت فقر و بیکاری یا عازم مرزها شده‌یا اینکه فرار را برقرار ترجیح داده‌و راهی شهرهای دیگر می‌شوند. مردم بخش «کلاش» هنوز هم که هنوز از نبود جاده‌و راه‌های مواصلاتی و امکانات زیستی از مسئولان اداری گله‌مند هستند و بارقه‌ای از مشکلات را بردوش خود سنگینی می‌نماید. جوانرود نیازمند تغییر و تحولات اساسی می‌باشد به امید روزی که برای همیشه منطقه اوراماناتات با مشکلات و نقیصه‌های زیربنایی خود خداحافظی نماید و نام و جایگاه واقعی اوراماناتات برای همیشه در صحنه اذهان و افکار عمومی مردمان ایران زمین و کردستان بدرخشد.
شهرستان جوانرود با داشتن چنان سابقه درخشان در تاریخ این مرز و بوم و داشتن پتانسیل های لازم که همتی والا می طلبد تا بسترهای لازم رشد و توسعه از بالفعل به بالقوه مبدل گردد. یکی از این نیازهای اساسی که با رشد شهرنشینی هم خوانی داشته و رفع این نقیصه علاوه بر سازماندهی و مبلمان شهری از طریق روانسازی ترافیکی نقش بسزایی در آهنگ توسعه بازارچه مرزی و خروج از سیستم سنتی به سیستم پیشرفته داشته ساخت کمربندی شهر جوانرود می باشد. پروژه ای که علاوه بر حذف نمایه های ترافیکی در شهر و کاهش آلودگی صوتی و حذف ورود ماشین های سنگین و باربری که راهی بازارچه می شوند، ساخت این کمربندی سیمای شهر را دو چندان کرده و دیگر ماشین های سنگین حمل و نقل بار مجبور نیستند برای رفتن به بازارچه در خیابان های اصلی شهر تردد نموده و بار سنگینی بر فضای مجازی ترافیکی شهر اضافه نمایند.

دوهفته نامه ی اجتماعی / فرهنگی / اقتصادی
عاکس روز
شماره ۳
سه شنبه ۱۱ بهمن ماه ۱۳۹۰ ۳۰۰ تومان

انتشار آثار فعالان عرصه ادبیات پیرانشهر در قالب یک مجموعه

پیرانشهر _ آثار ادبی اعضاء انجمن ادبی (چرا) شهرستان پیرانشهر در قالب یک کتاب منتشر خواهد شد.

به گزارش کردپرس محمد رسولی دبیر انجمن ادبی شهرستان پیرانشهر از گردآوری آثار ادبی اعضاء این انجمن وچاپ آن در قالب یک مجموعه ادبی در آینده ای نزدیک خبر داد. آقای رسولی در ادامه با اشاره به اینکه انجمن ادبی شهرستان پیرانشهر بعدازظهر روزهای یکشنبه وچهارشنبه هر هفته جلسات خود را با حضور اعضاء در اداره فرهنگ وارشاد اسلامی این شهرستان برگزار می کند گفت: که این انجمن در حدود ۶۵ عضو دارد و تاکنون با همت این اعضاء توانسته ایم نسبت به برگزاری چندین فستیوال فرهنگی و ادبی در سطح مناطق کردنشین برگزار کنیم.وی در ادامه افزود: این انجمن تا کنون توانسته است نسبت به برگزاری سه دوره جشنواره منطقه ای فولکلور کردی با عنوان (هه وارگه ی سوز) و دو دوره جشنواره منطقه ای شعر معاصر کردی و یک دوره جشنواره منطقه ای نقد و بررسی ادبیات معاصر کردی با حضور شاعران و ادیبان و نویسندگان، ادبیات معاصر کردی در پیرانشهر اقدام کند.

دبیر انجمن ادبی(چرا) پیرانشهر در ادامه گفت: در صورت موافقت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجانغربی سال آینده سومین دوره جشنواره منطقه ای شعر معاصر کردی در شهرستان پیرانشهربرگزار خواهد شد.

قابل ذکر است که انجمن ادبی شهرستان پیرانشهر از سال ۱۳۷۸ و با نام (انجمن ادبی چرا) فعالیت خود را در زمینه های ادبیات کردی و فارسی، داستان، شعر، نقد ادبی و فولکلور و ... در این شهرستان آغاز به کار کرده است.

حضور گروه موسیقی ژیواردر بیست و هفتمین دوره جشنواره بین المللی موسیقی فجر

تهران ـ گروه موسیقی «ژیوار» به سرپرستی هنرمند کردستانی «ژیوار شیخ الاسلامی» در بیست و هفتمین دوره جشنواره بین المللی موسیقی فجر به اجرای کنسرت موسیقی کردی و فارسی می پردازد.

به گزارش خبرنگار موسیقی خبرگزاری بین المللی کُردپرس، ۵ گروه موسیقی بانوان در بخش جنبی بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر در فرهنگسرای نیاوران به روی صحنه خواهند رفت.

در این دوره از جشنواره گروه‌های موسیقی «خنیا» به سرپرستی و خوانندگی پری ملکی، «ژیوار» به سرپرستی ژیوار شیخ الاسلامی، «دادمهر» به سرپرستی پروین سلطانی، «فریبا اسدی» به سرپرستی فریبا اسدی و «شمسه» به سرپرستی ریحانه توسلی فرد در فرهنگسرای نیاوران به اجرای برنامه می‌پردازند.

لازم به یادآوری است؛ گروه موسیقی «ژیوار» قرار بود اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۸ در جشنواره بینالمللی موسیقی «اولینکان» Ollinkan مکزیک در ۴ نوبت به اجرای کنسرت موسیقی کُردی بپردازد که به دلیل شیوع بیماری مرگبار آنفلوآنزای خوکی در این کشور، برنامه این گروه در این جشنواره معتبر موسیقی کنسل شد.

جسته گریخته ای در باب روشن فکری

عادل ایران خواه

بخش اول

بر خلاف مارکس که در حرکت جامعه به سوی آرمان شهرش(utopie) یعنی همان نظام کمونیستی، توده ها (mass) نقش محوری را بازی می کنند پارتو بر نقش نخبگان (elite) در دگرگونیهای های اجتماعی تأکید دارد به نظر وی تفاوت بارز این اقلیت با استعداد در عقلانی بودن کنشهایشان است، بر عکس توده ها که رفتارشان به طور عمده از غریزه پیروی می کند.

تابع اعتقاد به وجود اقلیت نخبه، سر آمد باوری وسرآمد پروری را موجب می شود که هم اکنون در بسیاری از کشورهای مدرن به خصوص در نظام آموزشی آنها در حال اجراست .

سر آمد باوری همانطور که با نظام کمونیستی به نوعی مخالف است دموکراسی را نیز پایمال کردن حق توانمندان پر مایه به سود میانمایگی یا اندک مایگی می داند و در واقع کمیت را بر کیفیت ترجیح می دهد.

از تئوریسین های این نظریه علاوه بر ویلفردو پاره تو، گائتانو موسکا، سی رایت میلز ، رابرت میشلز و هارولد لاسول را می شود نام برد.

در اکثر تقسیم بندی ها، چهار نوع الیت تمییز داده شده اند ۱: الیت قدرت سیاسی ۲:الیت اقتصادی ۳:الیت نظامی ۴:الیت فکری . تمرکز مبحث ما در این جستار بر روی دسته چهارم است آن هم نه تمامی آنها بلکه دسته ای از آنان که روشنفکر (intellectual) خوانده می شود (هر روشنفکری، نخبه ی فکریست اما هر نخبه ی فکری روشنفکر نیست) ادوارد شیلز روشنفکران را در حد فاصل دو نقطه ی کاملاً افراطی قرار می دهد : آنها یا در مقابل هنجار های غالب و مستولی ایستاده اند یا از طریقی ساز شکارانه برای فراهم کردن نظم و تداوم در زندگی اجتماعی حضور دارند در ادبیات گرامشی از این دو طیف با عنوان روشنکران سنتی و وارگانیک یاد می شود اگر ما از دیدگاه شیلز و آنتونیوگرامشی به قضیه نگاه کنیم، آری تمامی نخبگان فکری روشنفکرند اما به اعتقاد من همان طور که ادوارد سعید نیز بیان می دارد فقط حالت اول (یعنی ستیز با هنجار های غالب و مستولی) نقش حقیقی و صادقانه ی روشنفکر است و دسته دوم جز نخبگان فکری ، بر چسبی چون روشنفکر را بر نمی تابند برای ذکر تاریخچه ای از مفهوم روشنفکری که در اواخر سده ی نوزدهم پا به عرصه ی گفتمان نهاد نیازمند تعریفی هر چند ناقص و موقتی هستیم که بدون آن گرد آوری داده های تاریخی و ارائه ی راهنمایی برای تنظیم مطالب و خوانش اسناد نا ممکن می شود و تاریخش دانشنامه ای پر حجم و بی فاییده خواهد شد.

تاریخ نویسان اندیشه به مانند سایر اتریخ نویسان و حتی بیشتر از آنها با دشواری رو به رو هستند . آنان آرزوی دستیابی به امور راستین و عینی را دارند اما به قول هانس گئورگ گادامر تأویل های آنها استوار در پیش داوری هایشان است و مجبور به گزینش رویداد ها، افراد مؤثر و اندیشه ها هستند. آنان یکی از روایت های ممکن را می توانند ارائه کنند که صد البته نمایانگر منشی دلخواه و ذهنی است .

بسیاری از نویسندگان از جمله تامس.بی.باتامور (در کتاب سرآمدن و جامعه اعتقاد به وجود اقلیتی فرهنگی در تمامی دوران ها دارند که در گیر آفرینش نظام مند ایده های فرهنگی بوده اند و پیشینه ی این لایه ی اجتماعی را در جوامع نانویسا (primitive) نیز دنبال می کنند حتی جادو گران نخستین که کوششی در جهت معنی کردن زندگی و تولید نظام ارزشی داشتند را می توان از این قماش به حساب آورد پیامبران را نیز؛ چنان که ژولین بندا عیسی مسیح را از نمونه های اصیل روشنفکری می د اند ژاک لوگوف نیز از روشنفکران سده های میانه سخن می گوید.

برنارد شاو می گوید:آدم منطقی، خودش را با شرایط وفق می دهد اما آدم غیر منطقی سعی میکندشرایط پیرامونش را با خودش هماهنگ کند و کل پیشرفت بشریت وابسته به آدم های غیر منطقی است لا وروف نیز این جریان را به تعبیری دیگر بیان می کند «پیشرفت بشریت تنها ناشی از وجود افرادی است که به صورت انتقاد آمیزی تفکر می کند » که هر دو به نقش روشنفکران در تکامل بشریت در کل تاریخ اشاره می کنند.

در کل دوران رفورماسیون، اومانیسم ، راسیو نالیسم و روشنگری نقاط عطف تاریخ روشنفکری به شمار می روند.

اگر چه فیلسوفان دوران روشنگری نزدیکترین افراد به مفهوم مدرن روشنفکری هستند اما قبل از کاربرد واژه ی intellectual و فراگیر شدنش مفهوم اینتلی جنتسیا (intelligentsia) که کارل مانهایم و تام باتامور از آنها با عنوان پیشگام ، نمونه تاریخی و شکل گسترش نیافته ی روشنفکری یاد می کنند در روسیه ی تزاری و لهستان کاربردی گسترده یافته بود و گروهی را در بر می گرفت که حساس به سرنوشت هموطنان و مدعی هدایت فکری آنان به سوی زندگی بهتر و انسانی تر بودند فرهیختگانی تحصیل کرده که جامعه را به زندگی مدرن و دموکراتیک سوق می دادند از استبداد تزاری بیزار بودند و ملت را بر دولت ترجیح می دادند منشی پوپولیستی داشتند و از یاد بردن خلق برایشان حکم گناه و توهینی بزرگ داشت در آن هنگام (۱۸۷۴) دانشجویان از شهرهای بزرگ به بهانه ی آموختن از خلق و آموختن به آنها، با خلق بودن و خدمت به خلق به روستا ها رفتند و تحت عنوان نارود نیک ها (نارود به زبان روسی یعنی خلق) تا ۱۹۱۷ که در پی ترور بلشویکی نابود شدند به فعالیت خود ادامه دادند.

در لهستان نیز آنها خود را پاسداران فرهنگ ملی می دانستند و در جنبشهای آزادی خواهانه، اعتراضی و فرهنگی حضوری محوری داشتند و پس از جنگ جهانی دوم و توسط استالینیست های حاکم به تدریج حذف شدند.

در ادبیات نیز بازیگری جدید وارد داستان ها شد در کتاب های پدران و پسران (ایوان تورگنیف) تربیت عاطفی (گوستاوفلوبر) و تصویر هنرمند در جوانی (جیمز جویس) حضور شخصیت هایی با منش روشنفکری به چشم می خورد.

یکی از نمونه های بحث از روشنفکری مدرن مربوط به آنری دو سن سیمون است او مفهوم نظامی پیشگام (avant guarade) را در قلمرو اندیشه ی اجتماعی به کار برد و نوشته بود که در موقعیت گشرفت صنعتی و فنی اروپا پیشگام کار فرهنگی (اشاره ی او به دانشمندان علوم طبیعی و فیزیکی بود به همین دلیل فرانسوی ها فن سالاری (technocracy)را دنباله ی نوشته های او می دانند) می تواند نقش مهمی در جهت دادن به زندگی اجتماعی در راستای این پیشرفت ایفا کند.

مرحله ی دیگر ابداع واژه و شکل گیری گفتمان روشنفکری در پایان سده ی نوزدهم است گفتمانی که محصول خرد ورزی اجتماعی اروپا ست (بخصوص فرانسه).

جریان از محکوم کردن افسر یهودی آلفرد دریفوس به جرم خیانت و تبعید ابدی او به جزیره ی شیطان شروع شد اما بعداز پنج سال، کشف اسناد جدیدی حاکی از بی گناهی او مسئله را سیاسی و عمومی کرد امیل زولا در دفاع از وی برخاست و نامه ای سرگشاده با آغاز «من متهم می کنم» را به رئیس جمهور نوشت چاپ این نامه توسط ژرژ کلمانسو در صفحه ی اول aurore.L تحت عنوان آغازینش زولا را به یک سال زندان و پرداخت ۳۰۰۰ فرانک محکوم کرد پس از این رویداد بیانیه ای با امضای ۳۰۰ نفردانشمند،ادیب و نویسنده از جمله آناتول فرانس و مارسل پروست درهمان روزنامه به چاپ رسید که محکومیت دریفوس و زولا را غیر قانونی اعلام کردند این نوشته که نزد افکار عمومی به بیانیه ی روشنفکران شهرت یافت ارتش و داد گستری را به عقب نشینی وا داشت و منزلت و نفوذی خاص به روشنفکران بخشید البته در آغاز سیاستمداران راست گرا با عنوانی به گمان خود تحقیرآمیزهواداران دریفوس را روشنفکر خطاب کردند؛ افرادی آرمان طلب،غیر واقع گرا که دیگران را از درک مسائل اجتماعی عاجز می دانستند اما این پندار نادرست با کاربرد علمی و دقیق از سوی استادان علوم اجتماعی کم کم لحن محترمانه به خود گرفت.

پس از این رویداد ها بود که فرانس یکی از تعریف ها را از روشنفکران بدست داد«روشنفکران آن گروه از فرهیختگان جامعه اند که بی آنکه تکلیفی سیاسی–ورای فعالیتی در محدوده ی حرفه یشان – به آنها واگزار شده باشد در اموری نیز دخالت و نسبت به آنها واکنش نشان می دهند که به منافع و مصالح عمومی جامعه بستگی دارد »این یک نمونه برداشت تاریخی از پیدایش گفتمان روشنفکری بود نکته جالب این گفتمان را بندا به آن اشاره می کند که زنان را شایسته ی بحث از روشنفکری نمی دانست ظاهر اً روایت های متفاوت تاریخ روشنفکری این گفته وی را اثابات می کند. این دانایان شجاع همواره در تاریخ جایگاهی غریب وتنها داشتند، کار آنها نقد و نو آوری است چیزی که توده ها از آن بیزارند حاکمیت که جای خود دارد.

ارائه تعریفی جامع و مانع از روشنفکران کاریست دشوار و شاید نا شدنی چنان که فردی چون مانهایم که از خبرگان جامعه شناسی دانایییست در «ایدئولوژی و اتوپیا » برای رهایی از مشکلات آن به این نتیجه رسیده که روشنفکران قشر شناوری هستند که به طبقه خاصی تعلق ندارند و در هر طبقه اعم از بورژوا و کارگر می توانند ظاهر شوند به همین دلیل تنها اقلیتی اند که مستقل از منافع شخصی و طبقاتی هستند ومی توانند با تـأویلی عقلانی از جهان برای جامعه، تأثیر گزار باشند مانهایم نقش آموزشی آنها را یگانه کـردار متحد کننده شان می داند.

در کتابهای فرهنگ تعریف دندانگیری زکر نشده است اما در انواع تعاریف واؤگانی چون: منتقد، اندیشمند، عقل گرا(rationalism) منطقی،خلاق، متجدد،انسانگرا(humanist) خورافه ستیز، شجاع، کارگر فکری،فرهنگی، پژوهشگر، باهوش، تأثیر گذار، اجتماعی، درد شناس اجتماع، پشت کننده به سنت های اجتماعی، منتقد همیشگی بودند،گریزان از روزمره گی و بی اعتمادی به صاحبان قدرت و... به چشم می خورد،

در یک تقسیم بندی صوری از انواع تعریف می توان آنها را در سه دسته جای داد: ۱) کسانی که در خلق و حفظ ارزش های غایی و تغییر ناپذیر در زمینه ی حقیقت، زیبایی و عدالت نقش دارند ۲) مبلغان عقاید بنیان گزاران ایدئو لوژی و نقادان وضع موجود اند ۳) از نظر جامعه شناختی به عنوان قشری اجتماعی تلقی می شوند که در توسعه و پیشبرد فرهنگ جامعه نقش دارند.

به هر جهت بازه ی تعاریف روشنفکری بسیار گسترده است از تعریفهایی چون «روشنفکر کسیست که خود را با این عنوان بشناسد» یا «کسی که کار فکری می کند» که از ابلهانه ترین تعریف اند و نزدیک به کل بشریت را در بر می گیرد تا سخنان فوکو در مورد روشنفکران «از نظر من عبارت روشفکر عبارتی عجیب و غریب است و مرا تکان می دهد من شخصاً هرگز روشنفکری را ملاقات نکرده ام من به افرادی برخورده ام که رمان می نویسند، دیگرانی که بیماران را معالجه می کنند، مردمی را ملاقات کرده ام که به فعالیت های اقتصادی مشغول اند و آنهایی که موسیقی الکترونیک می سازند. من کسانی را دیده ام که درس می دهند، افرادی که نقاشی می کنند و آنهایی که هرگز نفهمیدم واقعاً چه کاری انجام می دهند اما روشنفکر هرگز. از سوی دیگر کسان بسیاری را ملاقات کرده ام که در باره ی روشنفکر صحبت می کنند با گوش دادن به آنها تا حدی متوجه شدم که این اجنبی چگونه موجودی می تواند باشد زیاد دشوار نیست به او شخصیت همه جانبه ای بخشیده اند او پیرامون همه چیز گناه کار است هم آنجا که حرف خود را می زند و هم آنجا که سکوت پیشه می کند، هم آنجا که هیچ کاری انجام نمی دهد و هم آنجا که خود را در گیر همه چیز می کند خلاصه این که روشنفکر ماده ی خامی است برای داوری، رأی صادر کردن، محکوم و محروم کردن. من تصور نمی کنم روشنفکران زیاد صحبت کنند چرا که در نزد من آنها وجود ندارند ».

اما یکی از تعاریف استاندارد از روشنفکر مدرن تعریفی است که شیلز بدست می دهد « در تمامی جوامع انسانی توده ی مردم به اصول نهایی و بنیادینی که باورها و استانده های مورد پذیرش آنها را ساخته اند ، نمی اندیشند بل آنها را بدون فکر و انتقاد می پذیرند و زندگی را به صورت متعارف و گله ای آن ادامه می دهند. در مقابل در هر جامعه ای برخی افراد حساسیت نا متعارفی نسبت به مسائلی چون امور مقدس، ماهیت جهانشان وقاعده های حاکم بر جامعه شان از خود نشان می دهند. پژوهنده هایی که به انتشار یافته هایشان میپردازند ودر طول تاریخ و در تمامی جوامع این اقلیت فرهیخته وجود دارد اما هر چه مناسبات انسانی در جامعه ای پیچیده تر شود حضور روشنفکران هم چشم گیر تر می شود »

این همه تعریف و اختلاف فاحش بین آنها موید گفته ی باتامور است که آنها را نا متجانس ترین و نا منسجم ترین گروهها می داند سروش دلیل این امر را اینگونه زکر می کند که روشنفکری دارای اضلاع گوناگون است و نیز روشنفکران در هرم تولید،توزیع و انتظام دانایی پراکنده اند مطلبی که گرامشی هم آن را تأیید می کند و می افزاید که نا درست ترین شیوه ی برخورد با مسأله ی روشنفکران این است که بکوشیم تعریف یگانه ای برای کل روشنفکران و فعالیت های روشنفکری ارائه کنیم ودر واقع این گستردگی مسئله است که ارائه تعریف جامع و مانع را به غایت سخت کرده است.

بابک احمدی در کتاب کار روشنفکری با طرح این پرسش که چه وقت کار فکری تبدیل به کارروشنفکری می شود سعی در ارائه ی تعریفی نو از فعالیت روشنفکری دارد. احمدی با نابسنده خواندن تعریفهای ذات باورانه (essentialism)، عینی گرایانه (objectivism) و ذهنی گرایانه (subjectivism) و کمک گیری از مفهوم گفتمان(discourse) که از واژه های کلیدی فوکوست روشنفکر را چنین تعریف می کند:

هرکس درجریان یک فعالیت فکری- کرداری بکوشد و موفق شود که :

۱-این فعالیت را در جهت گسترش افق گفتمانی خاص قرار دهد و قلمرو کرداری آن گفتمان را دقیق تر کند (با روشن کردن امکانات بیانی آن ، و نشان دادن اینکه در گستره ی این گفتمان چه می توان گفت و چه نمی توان گفت، بر گستره ی امکانات بیان بیفزاید) ۲-ارتباط گفتمان را با زندگی اجتماعی و با « صورت بندی دانایی» و سامان حقیقت و نیز با ساز و کار قدرت تا حدودی روشن تر کند ئ این نکته ر به بحث بگذارد ۳-حلقه های ارتباط گفتمان خاصی را با دیگر گفتمان های رایج مستحکم کند و در حالتی بهتر موجب پیدایش حلقه هایی تازه شود آن فعالیت کرداری فکریش تبدیل به فعالیتی روشنفکرانه می شود به این ترتیب می توان گفت که گوهر این کار روشنفکرانه یا جنبه ی مرکزی و بنیادین آن کردار نقادانه (فعالیت عملی و نظری انتقادی) است .

وی بنابه این تعریف معتقد است که کار روشنفکری دارای منش جمعی و نیازمند یک خرد ورزی جمعیست. و نو آوری در گستره ی یک گفتمان ، انتقال مفاهیم به قلمرو زندگی اجتماعی و به گستره ی راستینی که موازنه های دانایی و قدرت در آن تعیین می شوند وهمچنین ایجاد رابطه با دیگر گفتمان ها در بیشتر موارد نمی تواند فقط کار یک فرد باشد اما متأسفانه منش جمعی کار روشنفکری و فرهنگی در بیشتر موارد در پس توانایی های ذهنی و نظری مؤلفان و متفکران پنهان می ماند و این نتیجه ی برداشت های رمانتیک از موقعیت متفکر هنرمند و دانشمند در جامعه مدرن است که با افسانه هایی بیشتر جعلی در باره ی کار نابغه هایی منزوی و کوشا که به رغم همه ی دشواری ها به نتیجه ی کار خود ایمان داشتند، تقویت می شود این حاشیه نشینی(marginalism) و از این قبیل ژست ها خمان است که پلخانف، آنها را به قهرمان پرستی در تاریخ متهم می کند.

احمدی این گفته را که با این اوصاف، دیگر روشنفکری وجود نخواهد داشت اینگونه پاسخ می دهد که :« برچسب روشنفکر در حق یک سوژه یا یک آدم گیج کننده و بی فایده است، مسئله به این سادگی حل نمی شود که بگوییم فلانی روشنفکر است اما اشتباه کرده؛ برخی از خطاها خطر ناک و نابخشودنی است آیا دفاع از نظامی توتالیتر (سارتر) یا سیاست از سیاست استعماری (کامو) بسنده نیست تا این ردای روشنفکری که به دلایلی دیگر به دوش آنه انداخته شده بود پس گرفته شود؟این است که باید پرسیده شود که اصلاً این ردا به چه درد می خورد؟ جز اینکه به عنوان راهبر و نماینده دیگران، دامنه ی خطا های آنان را بارها وسیع تر می کند»و واقعاً که لغزش عالِمی، عالمی رامی لغزاند و اینچنین است که کامو می گوید « روشنفکر کسیست که اندیشه اش همواره باید مراقب خود این اندیشه باشد » مهم نیست که ما کسی را روشنفکر بخوانیم مهم این است که وقتی کاری روشنفکرانه در جریان است آن را درک کنیم ، موجب شویم که بهنر و دقیق تر شکل گیرد و ساده تر به نتایج عملی برسد. در جریان کردار و کنش اجتماعی است که سنجیده تر کامل تر و کارا تر خواهد شد.

کار روشنفکری حول یک واژه ی کلیدی می چرخد؛ نقد و انتقاد (critic)، و همین است که می گیند نق زدن حرفه ی آنهاست چرایی این ملازمگی را از زبان مراد فرهاد پور می شنویم«نگرش انتقادی به واقع ثمره ی تلاش تاریخی تفکر برای تأمل در نفس و کسب خود آگاهی است اشاره ی هوسرل به ظهور شکلی از « معرفت یا نگرش » در آغاز تاریخ تفکر که مبتنی پر ترکیب علایق نظری و عملی بشریت و اساساً معطوف به «نقد کلی و عام همه ی صور زندگی و همه ی اهداف زندگی، نقد تمامی محصولات و نظام های فرهنگی » است و همچنین توصیف هابرماس از اندیشه ی آدورنو به منزله ی «ساختار تناقض گونه ی تفکر در مقام نقد تام و تمام » گویای پیوند درونی نگرش انتقادی با کل تاریخ تفکر ازآغاز تا به امروز است » فرهاد پور اضافه می کند که یگانه انتقاد واقعی انتقاد مخرب است و تأکید نهادن بر سازنده بودن انتقاد تقریباً همواره بیان گر خواست سرکوب و خنثی کردن انتقاد و تبدیل آن به کلیشه یا ابزاری صرفاً تبلیغاتی و تزئینی است.

لازم به ذکر است که این پیوند نا گسستنی بین نقد و تفکر و روشنفکری روشنفکران را همواره در جرگه ی چپ ها قرار داده است. را طرفدان سرسخت منتقد همیشگی بودن همانا تئودورآدورنوست که سعید او را وجدان آگاه جامعه می خواند. آدورنو با انتقاد از این روند که (اکثرا نیز وجود داشته و) روشنفکرانی پس از تغییر وضع موجود به تثبیت موقعیت بعدی (گاه حتی از موضع قدرت) یاری می رسانند، اینان را روشنفکران راستین نمی داند بلکه آنها فقط بدیلی برای موقعیت فعلی ارائه کرده اند و از انتقاد که گوهر اصلی کار روشنفکریست بازمانده اند.

دیگر آنکه انتقاد فقط دیگران را نباید نشانه رود بلکه لازم است که تفکر و اندیشیدن خود را نیز به ورطه ی شکاکیت بگذارد. در نظر فوکو« او باید دائماً خود را تغییر دهد وی نه می داند دقیقاً به کجا خواهد رسید و نه اینکه فردا چگونه خواهد اندیشید چرا که مراقب زمان حال است » فوکو انسان مدرن را کسی می داند که مدام در کار باز آفرینی خویشتن است. جلوه ی عملی این گفتار سوپر استار روشنفکری ، ژان پل سارتر است که شجاعت اعتراف و تغییر همواره در وی مشهور بود.

در جریان نقادی روشنفکر باید پذیرای نقد دیگران از خود باشد، در واقع بفهمد که تمامی حقیت نزد هیچکس نیست و به پلورالیزم معرفتی معتقد باشد.

اما اکنون این سوال پیش می آید که به ما چه و گفتمان روشنفکری چرا برای ما دارای اهمیت بحث و آگاهی از آن شده است؟!

ایمانوئل کانت در کتاب سنجش خردنا می گوید:« زمانه مدرن، دوران نقادی است و هیچ چیز دیگر چندان مقدس نیست که از انتقاد مصون بماند» و قطعاً وقتی سخن از نقد اسطوره است لاجرم پای اسطوره نقد به میدان باز می شود البته نه تنها امور مقدس بلکه خصوصی ترین مسائل نیز روی دایره ریخته می شود چنان که فوکو در جلد نخست تاریخ جنسیت بیان می دارد (یعنی ورود سامانه ی سکسوالیته به گفتمان).

مانهایم از ارتباط مدرنیته با روشنفکر چنین بحث می کند که یک منش اصلی مدرنیته به خاطر نو آوری مداوم در زمینه های فنی و اجتماعی و پیکار با سنتها واندیشه های رایج، قرار گرفتن در موقعیتی نا آرام و متزلزل است؛این بحران در جنبه های گوناگون به وجود می آید که به گمان مانهایم در این میان روشنفکران (که از سازندگان نظم دهندگان اصلی فرهنگ اند) وظیف ی حل مسائل و معضل های مدرنیته به خصوص در جنبه ی معرفتی آن را دارند.

سروش ضمن تفکیک وظایف روشنفکران در جوامع مدرن و جهان سوم تأکید می کند که در جوامعی چون کشور ما روشنفکران وظیفه ی پل زدن بین اسطوره و سنت با عقلانیت و مدرنیته است او این شکاف را با ابداع تئوریک در مرحله ی گسست و گذار پر می کند در این دوران بی تعادلی به دلیری های نظری و عملی آنها نیاز مبرم وجود دارد و اینها همه مؤید آن جمله ی معروف است که روشنفکر را فرزند مدرنیته می داند.

به هر جهت جامعه ما نیز مدت های مدیدی است که در این کش و قوس دست وپا می زند(از دوران مشروطیت واژه ی intellectual با ترجمه ی منور الفکر وارد ایران شد که در آن زمان به اشتباه آن را با مفهوم روشنگر enlightmentیکی می دانستند).

از کسانی که به بررسی جریان مدرنیته و نقش روشنفکران در این جریان و در ایران پرداخته، علی میرسپاسی است وی در کتابهایش همواره دغده ی روند مدرنیته در ایران از نوع دموکراتیکش را دارد و در جدید ترین کتابش به سنت نادرست روشنفکری ایران به پیروی از احمد فردید اشاره کرده که ملهم از اندیشه های مارتین هایدیگر و جریانی ضد روشنگری است و همچنین به اشتباه روشنفکران ما در روایت محدود تر و غرب محور از مدرنیته و عدم تشخیص تفاوت های فاحش آن با مدرنیته دمو کراتیک اشاره می کند وی با تأکید بر کثرت باوری مفهومی جان دیویی و ذکر نمونه های عملی آن (گاندی و مارتین لوترکینگ) به این مسئله می پردازد که جریان مدرنیته الزاماً یک روند سکولار جزم اندیش نیست که سرکوب سایر گفتمان ها از جمله گفتمان دینی بپردازد بلکه این صرفاً مدل غربی مدرنیته است و در روایت دموکراتیک از آن،چارچوب های فکری گوناگون می توانند حضور داشته باشند . از دیگر انتقاد های وارد بر روشنفکران ایرانی گفتن و نوشتن به زبانی غامض و پیچیده است یعنی همان ایرادی که کارل پوپر متفکرین مکتب فرانکفورد می گیرد. پوپر معتقد است باید آنگونه سخن گفت که دیگران به فهم و نقد سخنان شما نائل آیند.هر چند که آنها نیز برای این گونه صحبت کردن و کتابتشان توجیهاتی دارند اما باید قبول کرد که بسیاری از مواقع در این بازی (آنچنان که پی یر بورد یو در مورد هنر ناب سخن می گوید) باختن شرط بردن است یعنی هر چه اثر از فهم مخاطبان دور تر و به طبع کم مخاطب تر باشد بالیدن صاحب اثر را موجب می شود در این هنگام روشنفکر مخاطبین را به کج فهمی و عدم درک مطلب متهم می کند که این همان افتادن روشنفکر به چاله ی جزم اندیشی است.

پروست به خوانندگان خود می گوید: « کتاب مراعینکی تلقی کنید که از پشت آن به بیرون می نگرید و اگر این عینک به چشمتان نخورد عینک دیگری بر گزینید»این رویکردی دمو کراتیک و پلورالیستی به قضیه است چنان که باید باشد.

نکته ی دیگر در این باب تقسیم بندی سارتر در مورد سارتر در مورد رفتارهای بشر است یعنی عمل(act) و ادا یا ژست (geste) که تفاوتشان در این است که act منجر به تغییر واقعیت می شود اما geste فقط یک اداست و تأثیری بر واقعیت ندارد از این منظر فعالیت روشنفکر باید با هدف تأثیر گذاری باشد نه فقط یک ژست ادا(که یکی از جلوه هایش سخت نویسی غیر ملزم است).

ادامه دارد ...

دو هفته نامه ئاگرین روژ

- صاحب امتیاز و مدیر مسئول.....افشین شعبانی
- سـردبیـر ..... چنـور محمودی
- معاون سردبیـر .....فرشید صلواتی
- دبیر بخش کردی.....کمال طاهرنژاد
- مسـئول خبر .....مژگان وفـایی
- گرافیـک / صفحه آرایی .....سروش وکیلی ۰۹۱۸۷۸۸۸۲۰۰
- تیراژ ..... ۵۰۰۰ نسخه

نشانی : چهارراه انقلاب نرسیده به میدان مادر جنب بانک ملت شماره

تماس:۰۹۱۸۷۸۰۹۴۶۶ فکس: ۰۸۷۱۳۲۲۵۹۰۰ پیامک : ۰۹۱۸۵۷۴۹۴۶۶

Agrin Roj

سه شنبه ها با دوهفته نامه آگرین روز

در ارسال مقالات و مطالب ترجمه شده ، ذکر منابع و ماخذ الزامی است.
ئاگرین روژ در ویرایش ، تلخیص و انتخاب و اصـلاح مطالب آزاد است.
مطالـب ئاگرین روژ صرفا نظر گردانندگان آن نیست.
آثار خـود را به نشانی اینترنتی و یا به آدرس پستـی هفته نامه ارسال نمائید.

Email:roj.agrin@yahoo.com

ترکیه و نقض کنوانسیون‌های بین‌الملل

بهمن توتونچی

مقدمه: با صلح گفتن دنیا ایمن نمی‌شود. آری این گفته‌ی ناپلئون حقیقتی انکار ناپذیر است که دولتمردان ترکیه باید به آن گوش بسپارند و به جای پیام، نصیحت ها و پندهائی که به دیکتاتورها می‌دهند به اعمال خود رجوع و آن را ارزیابی کنند، که خود چگونه عمل می‌کنند. دولتمردان ترکیه بر این باورند که با ژینوساید، شیمیایی و بمباران کردن می‌توان روح یک ملت را از بین ببرند اما غافل از اینکه، چنین اعمال وحشیانه و خشونت آمیز روح جمعی را در آنها تقویت و به هم نزدیک می‌کند. دولتمردان ترکیه باید از دروغ و خود فریبی دست کشیده و بفهمند که برای بقای صلح در جهان باید ملتها را به هم نزدیک کرد نه دولتها. حال در این مقال سعی بر آن است تا نظری بیافکنیم راجع به کنوانسیون‌های بین‌المللی منع سلاح‌های شیمیایی که ترکیه هم خود از اعضای آن است. و به دنیا بگوئیم که چگونه ممکن است که بانیان قانون خود اینچنین قانون شکنی می‌کنند؟!آن هم در مقابل دیدگان جهان، چگونه ممکن است در دنیای امروزی از سلاح‌های کشتار جمعی استفاده کرد و در پروتکل ۱۹۲۵ ژنو هم عضو بود؟! دولتمردان ترکیه باید شفاف و به روشنی مواضع خود را روشن کنند، نه با دروغ و فریب چرا که آنچه ما را عیان می‌کند،اعمال ماست نه شعار و ادعاهای ما.

تنها در لوای صلح می‌توان به خوشبختی و آزادی رسید

دولتمردان ترکیه بر این باور معتقد بوده و هستند که پس از پایان جنگ سرد بحران ها و تضادهای منطقه‌ای افزایش یافته، بطوری که نیروهای مسلح ترکیه براساس تصمیم گیری‌های سیاسی آمادگی دارند به موقع در برابر بحران‌های منطقه‌ای و جهانی که امنیت این کشور را مورد تهدید قرار می‌دهند، از خود واکنش نشان دهند. چرا که سیاست دفاع ملی ترکیه بر دفاع پیش گیرانه، مشارکت فعال در امنیت جمعی و حفظ قدرت نظامی که قادر به جلوگیری از تهدیدهای داخلی و خارجی باشد، استوار است. و بسیاری طبیعی است که برای رسیدن به این مهم روابط نظامی خود را گسترش و همچنین سعی دارد بعنوان نقش میانجیگری در حل مناقشات منطقه‌ای تأثیر گذار باشد. لذا ترکیه بر این باور است که نه تنها باید همکاری‌های منطقه‌ای خود را افزایش دهد بلکه همکاری با سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و ناتو می‌تواند نقش یک کشور قدرتمند در راه ایجاد ثبات در منطقه را ایفاء کند. نکته‌ی مهم در ترکیه، شورای امنیت ملی این کشور، یعنی مهمترین نهادی که در سیاست‌های امنیتی آن نقش داشته است می‌باشد. این شورا بر اساس قانون اساسی ۱۹۶۱ بنا نهاده شد تا نفوذ نیروهای مسلح در فرآیند تصمیم گیری تضمین شود. قانون اساسی ۱۹۸۰ اختیارت این شورا را افزایش داد. نفوذ نظامیان در این شورا با تغییرات قانون اساسی ۱۹۸۲ بیشتر شد. در این قانون مسئولیت دفاع از سرزمین ترکیه و اصول بنیادین جمهوری ترکیه به نیروهای مسلح واگذار شده و جنبش‌های کردی و اسلام گرایی بنیادی را مهمترین تهدیدهای داخلی می‌دانند. حال سؤال این است با توجه به اشتیاق زیاد ترکیه بعنوان قدرتی بلامنازع در منطقه که می‌خواهد نقش میانجگیری و کدخدا را ایفا کند، چرا قادر نیست مشکلات داخلیش را حل نماید؟! از جمله مسئله‌ی کردها که بزرگترین چالش ترکیه محسوب می‌شود. در واقع می‌توان گفت که ترکیه از لحاظ سیاست خارجی و داخلی با شکست مواجه شده، اگر چه در طی چند سال اخیر از لحاظ اقتصادی رتبه‌ی شانزدهم را در دنیا تصاحب نمود که این دستاورد بزرگی برای دولت اردوغان محسوب می‌شود،اما با تمام دستاوردهایی که ترکیه توسط حزب عدالت و توسعه بدست آورده اما همچنان پشت درهای بسته‌ی اتحادیه‌ی اروپا انتظار می‌کشد. چرا؟؟؟ این در شرایطی است که ترکیه پشنهاد در اختیار گذاردن یک تیپ ترک در ارتش ۶۰۰۰۰ نفری اروپایی را مطرح نموده، اما تا کنون پاسخ روشنی به این پیشنهاد داده نشده و این سکوت اتحادیه‌ی اروپا در حالیست که این اتحادیه به اهمیت و نقش مرکزیت ترکیه در منطقه واقفند. پس مشکل دولتمردان ترکیه کجاست؟! بدون شک عدم حل مسئله‌ی کردها در داخل و زیر پا نهادن کنوانسیون‌هایی بین‌المللی و عدم رعایت حقوق بشر مانع ورود ترکیه به اتحادیه‌ی اروپاست. بکار بردن سلاح شیمیایی علیه کردها در طی چند ماه گذشته خود بزرگترین دلیل بر این ادعاست، چرا که ترکیه بعنوان یکی از اعضای کنوانسیون منع توسعه، تولید، انباشت و بکارگیری سلاح‌های شیمیایی، اما متأسفانه جهان نظاره گر بود که چگونه دولتمردان ترکیه پروتکل ۱۹۲۵ ژنو را زیر پانهادند. چرا؟؟ قبل از پاسخ به این سؤال نظری بیافکنیم به تاریخچه و عملکرد کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی که ترکیه هم از اعضای آن می‌باشد. کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی، در سال ۱۹۹۳ برای امضای همه‌ی دولت ها مفتوح شد و در سال ۱۹۹۷ به اجرا در آمد. این کنوانسیون به واقع دومین معاهده‌ی خلع سلاح پس از کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیک(۱۹۷۲) و نخستین معاهده‌ی بین‌المللی چند جانبه واجد نظام نظارتی جامع می‌باشد. این ساز و کار نظارتی، در سازمانی به نام«سازمان منع سلاح‌های شیمیایی» که در لاهه‌ی هلند مستقر است جلوه گر شده است. این کنوانسیون هرگونه تولید، توسعه، انباشت، بکارگیری،نقل و انتقال، اکتساب و ذخیره سازی سلاح‌های شمیایی را ممنوع کرده است. همچنین مجمع عمومی سازمان ملل متحد کرارا تمامی اقدامات مخالف اصول و اهداف «پروتکل استفاده از گازهای اختناق آور، سمی و تمامی گازهای میکروبی در جنگ را محکوم کرده است. (پروتکل ژنو ۱۹۲۵) واین در حالی است که موارد مندرج در پروتکل ۱۹۲۵ ژنو مجددا در آوریل ۱۹۷۲ در لندن، مسکو و واشنگتن تأیید شده است که توسعه و انباشت سلاح‌های باکتریولوژیک(میکربی) ممنوع می‌باشد. دولت‌های عضو کنوانسیون با اعتقاد به اینکه ممنوعیت کامل و مؤثر توسعه، تولید، اکتساب، انباشت، نگهداری، انتقال و استفاده از سلاح‌های شیمیایی و نابودی آنها، بیانگر یک مرحله‌ی لازم برای رسیدن به این اهداف مشترک می‌باشد، توافقاتی به عمل آورند تحت عنوان تعهدات عمومی که بطور اختصار اشاره‌ای به بندهایی از آن خواهیم کرد.

مادده‌ی۱: هر دولت عضو این کنوانسیون متعهد می‌شود که هرگز و تحت هیچ شرایطی دست به اقدامات زیر نزند:

الف: توسعه، تولید، اکتساب به هر طریق، انباشت یا نگهداری سلاح‌های شیمیایی، یا انتقال مستقیم و غیر مستقیم سلاح‌های شیمیایی به دیگران.

ب: استفاده از سلاح‌های شیمیایی.

پ: زمینه سازی جهت آمادگی‌های نظامی برای کاربرد سلاح‌های شیمیایی.

د: کمک رسانی، تشویق یا ترغیب دیگران، به هر صورت ممکن برای درگیر شدن در فعالیت‌های ممنوع شده برای دولتهای عضو این کنوانسیون.

مادده‌ی ۲: هر دولت عضو متعهد می‌شود که سلاح‌های شیمیایی تحت تملک یا در اختیار خود، یا آنچه که در قلمرو تحت صلاحیت یا کنترل وی قرار دارد را طبق مقررات این کنوانسیون نابود سازد.

مادده‌ی ۳: هر دولت عضو متعهد می‌شود که کلیه‌ی سلاح‌های شیمیایی رها کرده در سرزمین دولت عضو دیگر را، طبق مقررات این کنوانسیون نابود سازد.

مادده‌ی ۴: هر دولت عضو متعهد می‌شود که کلیه‌ی تأسیسات تولید سلاح‌های شیمیایی در مالکیت یادر اختیار خود، یا آنچه در قلمرو تحت صلاحیت یا کنترل وی قرار دارد را طبق مقررات این کنوانسیون نابود سازد.

مادده‌ی ۵: هر دولت عضو متعهد می‌شود که از مواد ضد اغتشاش به عنوان یک روش جنگی استفاده ننماید.

در مادده‌ی ۱۱ کنوانسیون که در واقع ساختار و عملکرد کنوانسیون در آن قید شده مقرر می‌دارد:

۱- مقررات این کنوانسیون باید به گونه‌ای اجرا شود که از ایجاد مانع در راه توسعه‌ی اقتصادی یا فن آوری دولت‌های عضو و همکاری‌های بین‌المللی در زمینه‌ی فعالیت‌های شیمیایی برای مقاصد ممنوع نشده در این کنوانسیون شامل: مبادله‌ی بین‌المللی اطلاعات علمی و فنی و مواد شیمیایی و تجهیزات برای تولید فرآوری، یا استفاده از مواد شیمیایی برای مقاصد ممنوع نشده در این کنوانسیون جلوگیری نماید.

۲- بنابر مقررات این کنوانسیون و بدون خدشه دار کردن اصول و روش‌های قابل اعمال حقوق بین الملل، دولت‌های عضو باید:

الف: حق داشته باشند که به طور فردی یا دسته جمعی تحقیق، توسعه، دستیابی، نگهداری، انتقال و استفاده از مواد شیمیایی را انجام دهد.

ب: حق مشارکت در بالاترین سطح مبادله‌ی مواد شیمیایی، تجهیزات و اطلاعات علمی و فنی مرتبط با توسعه و کاربرد شیمی جهت مقاصدی که در این کنوانسیون منع نشده را داشته و تسهیل آن را تعهد کنند.

پ: نباید هیچگونه محدودیتی از قبیل محدودیت‌های موجود در توافق نامه‌های بین‌المللی مغایر با الزامات تعهد شده در کنوانسیون ، که موجب محدودیت یا متوقف شدن تجارت، توسعه و ارتقاء دانش علمی و فن آوری در زمینه شیمی برای صنایع کشاورزی، تحقیقات، پزشکی، داروئی و یا دیگر مقاصد صلح آمیز می‌شود بین خود قائل شوند.

د: نباید از این کنوانسیون به عنوان زمینه ساز کاربرد اقداماتی غیر از آن چه در این کنوانسیون پیش بینی یا اجازه داده شده، استفاده کنند. همچنین نباید از سایر موافقتنامه‌های بین‌المللی برای تعقیب هدفی که مغایر با این کنوانسیون است استفاده نمایند.

ج: متعهد بررسی مقررات ملی موجود خود در زمینه‌ی تجارت مواد شیمیایی به منظور انطباق آنها با اهداف و مقاصد این کنوانسیون می‌باشد.

آری کنوانسیون ۱۹۲۵ ژنو که در واقع می‌توان آن را به عنوان کنوانسیون جلوگیری از جنایات کشتار جمعی نام برد، براساس مفاد این کنوانسیون هرگونه اقدام جهت از بین بردن کلی یا بخشی از گروه‌های مذهبی، نژادی، ملی، قومی، اخلاقی و امثال اینها جنایت تلقی شده و طبق قوانین بین‌المللی قابل مجازات است. نکته‌ی مهمتر اینکه ۱۰ سال پس از ورود هر عضوی به این پیمان (پروتکل ۱۹۲۵ ژنو) تمامی کشورها متعهد به انهدام جنگ افزارهای شیمیایی و تسهیلات و وسایل تولید آن می‌گردند. حال که تا حدی از مفاد کنوانسیون منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی مطلع شدیم، سؤال از دولتمردان ترکیه به عنوان عضوی از اعضاءاین کنوانسیون این که، چرا از سلاح‌های شیمیایی علیه کردها استفاده کردند؟! این اعمال وحشیانه‌ی دولتمردان ترکیه بر علیه کردها متضمن چه سودی ا ست؟! دولت ترکیه با این اعمال خشونت آمیز می‌خواهد چه چیزی را به اثبات برساند؟! بدون شک خود را فاتح می‌داند، آن هم فاتح بر ملت خویش!!! آیا غیر از این است که تعداد گورها را افزایش می‌دهند. و تنها خشونت و نا امنی را جایگزین صلحی پایدار می‌کنند. آیا ترکیه اینگونه خواستار ورود به اتحادیه‌ی اروپاست؟! چه دستانی نمی‌خواهد ترکیه در صلح و آرامش بسر برد؟ دولتمردان ترکیه تا کی می‌خواهند خود فریبی کنند؟! آنچه که حیرت جهانیان را برانگیخته است برخورد اعجاب انگیز و دوگانه‌ی اردوغان با مسئله‌ی مصر، لیبی و سوریه است او ضمن تأکید بر اینکه دیکتاتورها باید رفتارشان را با مردم اصلاح کنند و خشونت را به کار نگیرند، اما خود در مناطق کردنشین بدترین خشونت ها را به کار می‌برد. اردوغان تا جائی پیش می‌رود که به بشار اسد متذکر می‌شود که تاریخ اجازه نخواهد داد تا آینده‌ی خود را با ریختن خون مردم بنیان نهد، اما خود خون می‌ریزد و بکار بردن سلاح‌های شیمیایی راحلال!!! این تضادها و تناقض گوئی ها در رفتار دولتمردان ترکیه دال بر چیست؟! براستی دروغ گفتن در مقابل دیدگان تاریخ آنهم با این روشنی بی شرمی نیست؟! کوچکترین حرکت کردها و مطالبات اجتماعی و سیاسی شان را تجزیه طلب معرفی و به شدیدترین وجه سرکوب می‌کنند.چرا...؟ دولتمردان ترکیه باید عاقلانه بیاندیشند و در جهت دمکراتیزاسیون ترکیه گام‌های اساسی و جدی را بردارند. اگر آنان خواستار حل مسئله‌ی کرد می‌باشند باید با دیدگاهی علمی و عملکردی واقع بینانه مسائل را تجزیه و تحلیل و بدون هیچ تعصبی راه حل ها را بیابند و آن را ارائه دهند. مگر ا مکانش است در قرن ۲۱ (قرن دمکراسی برای ملت‌ها، قرن حقوق بشر، قرن اردهی آزاد ملت ها) از سلاح شیمیایی برای کشتن انسان ها استفاده نمود. مگر امکانش است که جامعه ی جهانی در مقابل این عمل ضد بشری دولتمردان ترکیه سکوت کنند؟؟دولتمردان ترکیه باید درک کنند که اصل خرد در این حکم نهفته است که هیچ جانداری را بیجان نکنیم. آنها باید از سیاست انکار گرایانه نسبت به کردها دست بردارند و حقوق ملی کردها را به رسمیت بشناسد. آنان باید به خواسته‌های مردم احترام و د ا منه‌ی حقوق بشر در ترکیه را هر روز گسترش دهند، آری آنها باید تمامی راه حل‌های دمکراتیک را بصورت فرهنگی حیاتی در جای جای زندگی اجتماعی انسانها نهادینه کنند. کوتاه سخن اینکه دولتمردان ترکیه باید بدانند، که بکار بردن سلاح‌های شیمیایی و زیر پا نهادن کنوانسیون ها و پروتکل‌های بین‌المللی دیگر کارساز نیست و با نصایح و پندهای دروغین به سران کشورها نمی‌توانند ضعف شان را در مقابل جهانیان پرده پوشی کنند. دیگر فریب بس است. اردوغان ها قبل از هر چیز، باید در پی اصلاح خویش باشند، آنان باید مسئله ی کرد را برای همیشه حل کنند و حقوق ملی آنها را به رسمیت بشناسد. و هر روز با رعایت حقوق بشر و دمکراسی، در جهت نظامی دمکراتیک گام‌های اساسی بردارند، در غیر اینصورت ناآرامی‌ها هم د ا مان ترکیه را فرا خواهد گرفت و او هم سرنوشتی بهتر از صدام ها، مبارک ها و قذافی ها نخواهد داشت و تاریخ بدون شک از او به نیکی یاد نخواهد کرد.و در پایان باید گفت که جهان در این روزها شاهد اجلاس سالانه ی کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی درلاهه ی هلند بود . بسیار طبیعی است و انتظار می‌رود که تمامی اعضاء کنوانسیون با ترکیه برخورد کرده و آن را محکوم نمایند. چرا که ترکیه مفاد پروتکل ۱۹۲۵ ژنو را نقض کرده است.آری جهان باید بداند که فقط در لوای صلح می توان به خوشبختی رسید نه جنگ و خو ن ریزی.

بزرگترین هنر،صلح است

مـــانی

وسوریه مبنی بر این که رعایت حق وحقوق ملت شان را فراموش نکنند،این ذهنیت را ایجاد نمودندکه انگار منجی عالم اند!!!!اما غافل از این که سایه آفتاب را نفی نمی کندوحقیقت همچون آفتاب تابان بر بام هستی می درخشد. موضع گیری پارلمان فرانسه در مورد کشتار ارامنه،بمب باران شیمیائی کردها در شمال عراق وزیر پانهادن کنوانسیون ۱۹۲۵ژنووحادثه ی اخیرثابت کرد که روح پلید دولتمردان ترکیه به کشتاروقتل انسانها عادت کرده وهیچ چیز جلودارش نیست!آنان با این رفتار وحشیا نه ،نه تنها وقار بشری را زیر سئوال بردند،بلکه به دنیا ثابت نمودند که پایبند به هیچ معاهده وکنوانسیون بین المللی نیستند!!!چرا؟!به راستی ترکیه با این اعمال غیر انسانی و تناقض گوئی ها می‌خواهد چه چیزی را ثابت کند؟!ترکیه به کجا می‌رود؟!و چرا تاکنون به اتحادیه ی اروپا راه نیافته است؟! و سؤالاتی از این قبیل که ذهن بسیاری از صاحب نظران را به خود مشغول کرده است. چرا که ترکیه به علت موقعیت و شرایط خاص خود نقش حلقه‌ی اتصال مواصلاتی را در ابعاد ارتباطات زمینی، دریایی و هوایی بین دو قاره‌ی اروپا و آسیا ایفا میکند، و در بعد نظامی هم از موقعیت ممتازی برای کنترل مناطق همجوار برخوردار است. همچنین تسلط بر دو گذرگاه راهبردی بسفر و داردانل ارزش نظامی و اقتصادی خاصی را برای این کشور در منطقه مهیا نموده است. ترکیه به دنبال انعقاد قرار داد ماستریخت در آبان ۱۳۷۱ خورشیدی به عضویت نظامی اروپا، در واقع بازوی نظامی جامعه‌ی مشترک اروپا درآمد. از خواسته‌های مهم اتحادیه‌ی اروپا، رعایت حقوق بشر، رفع تبعیضات قومی و نژادی، لغو حکم اعدام و حل مسئله‌ی کردها و قبرس می باشد. اگر چه ترکیه تلاش های بسیاری نمود تا با تطابق قوانین داخلی خود، از جمله قوانین قضایی، ترکیه را با خواسته‌های اروپا تطبیق دهد، حکم اعدام را لغو و حتی مسئله‌ی قبرس را بعد از سالها حل نماید، اما امروز تاریخ خود گواهی می‌دهد که ترکیه به اتحادیه‌ی اروپا راه نیافته است. براستی چرا؟! بدون شک مسئله‌ی اصلی و اساسی که مانع ورود ترکیه به اتحادیه‌ی اروپا می‌باشد، مسئله‌ی کردهاست که همچنان لاینحل مانده و به بزرگترین چالش در ترکیه تبدیل شده است. اردوغان که به مبارک‌ها، بن علی‌ها، قذافی‌ها و... اعلام کرده بود که، ندای ملت را بشنوید، با آنها مهربان باشید و رعایت حقوق بشر و دمکراسی را در سر لوحه‌ی کارتان قرار دهید. اما خود با ملتش این چنین میکند چرا؟، طی۵ ماهه‌ی اخیر بگذریم که نیروهای نظامی ترکیه داخل خاک عراق شدند و تمامی مقررات بین‌المللی را زیر پا نهادند،اما مهم اینکه شب وروز بر کردهای جدایی طلب(از دید دولتمردان ترکیه)، بمب می ریختند، بی شرمی دولتمردان فنایتک ترکیه از این هم فراتر رفت و بر روی آنها بمب شیمیایی و بمب ناپالم ریختند. براستی این همه تضاد در رفتار غیر دیپلماتیک، غیر انسانی و سطحی نگر دولتمردان ترکیه در چه چیزی نهفته است؟ چرا آنها حاضر نیستند که مسئله‌ی کرد را در ترکیه حل نمایند؟؟؟ دولتمردان ترکیه که خود را ناجی دمکراتیک ملت‌ها می دانند چرا تا کنون نتوانسته اند راه حلی دمکراتیک در ترکیه ارائه دهند؟؟ کردها بارها و بارها اعلام کرده‌اند که مسئله‌ی اساسی برای ملت ها نه تأسیس دولت بلکه بنیان نهادن رژیم دمکراتیک است. چرا که استقرار دمکراسی مرزهای تأسیس دولت را درنوردیده و مناسب ترین و واقع بینانه‌ترین راه حل‌ها در راستای منافع خلق هاست. آری اگر دولتمردان ترکیه براساس معیارهای دمکراتیک عمل کنند بسیار طبیعی‌ست که تمامیت سیاسی و ارضی ترکیه بر برابری حقوق و اتحاد آزاد می‌باشد، که مرفه ترین و آرام ترین زندگی ها را از لحاظ موجودیت اقتصادی، فرهنگی و تاریخی به همراه می‌آورد، بطوری‌که هر کس با هر رنگ، نژاد، زبان، قومیت و ملیت می‌تواند سخن بگوید و آزادانه زندگی کند. پس دولتمردان ترکیه باید نیک و عقلانی به مسائل منطقه بنگرند و بدانند که تمامی ویژگی‌های تاریخی و اجتماعی کردها و ترک‌ها و همچنین تحولات معاصر بیانگر حرکت‌ها و روابط مشترک باکردها می‌باشد که قابلیت تبدیل شدن به دمکراسی خاورمیانه را دارند. لذا دولتمردان ترکیه باید سخنان مسعود بارزانی رابه‌عنوان پند تاریخ پذیرفته و به آن عمل کنندکه دیگر اسلحه راه چاره نیست!!!! و باید مسائل کردها را با گفتمان و در پارلمان ترکیه حل نمود. لذا آنان باید از تمامی فرصت‌های به‌دست آمده بیشترین بهره را ببرند. در غیر این صورت یعنی عدم حل مسئله ی کرد، تاریخ بازهم تکرار و بسیار طبیعی است که کشتار و خون‌ریزی جایگزین صلح و آشتی خواهد شد. دولتمردان ترکیه باید عمیق بیاندیشند که راه ورود به اتحادیه‌ی اروپا تنها و تنها حل مسئله‌ی کرد است، چرا که کردها بعنوان بزرگترین چالش ترکیه اساسی‌ترین ضمانت و تکیه گاه دمکراسی در خاورمیانه می‌باشند. آنان باید بدانند که بزرگترین هنر صلح است نه جنگ.